



سیره امام مومهدی



مقام



قنبر علی صمدی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

---

# سیره امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور

---

قنبر علی صمدی

شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۶-۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۵۴۱۹۶۶
عنوان و نام پدیدآور	: سیره امام مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) / مولف قنبرعلی صمدی.
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۲ ص.
موضوع	: محمد بن حسن <small>علیه السلام</small> ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - فضایل
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۹
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ۹س ۸ص / ۵۱/۳۵ BP
سرشناسه	: صمدی، قنبرعلی، ۱۳۴۸ -
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا

## سیره امام مهدی علیه السلام



- مؤلف: قنبر علی صمدی
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
- صفحه آرا: داوود هزاره
- طراح جلد: هادی معزی
- نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۳
- مجری چاپ: گروه فرهنگی آثار غدیر
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۶-۳
- شمارگان: هزار نسخه

۴۳۰۰۰ تومان

ستاد اقامه نماز حضرت مهدی موعود علیه السلام / خیابان شهنا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ / همراه: ۳۷ و ۳۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام / تلفن: ۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

- [www.mahdi۳۱۳.com](http://www.mahdi۳۱۳.com)
- [www.mahdaviat.ir](http://www.mahdaviat.ir)
- [info@mahdaviat.ir](mailto:info@mahdaviat.ir)
- [Entesharatbonyad@chmail.ir](mailto:Entesharatbonyad@chmail.ir)



## فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۹

### بخش اول: کلیات

مفهوم لغوی سیره ..... ۱۳

معنای اصطلاحی سیره ..... ۱۴

تفاوت «سیره» با «سنت» ..... ۱۸

گونه‌های سیره ..... ۱۹

سیره معصومین علیهم‌السلام ..... ۲۲

ویژگی‌های سیره معصومین علیهم‌السلام ..... ۲۳

ضرورت الگوپذیری از سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام ..... ۲۸

شباهت‌ها و تفاوت‌های سیره مهدوی، نبوی و علوی ..... ۳۰

الف) امام مهدی علیه‌السلام و سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ..... ۳۱

روایات دسته اول ..... ۳۱

روایات دسته دوم ..... ۳۶

ب) امام مهدی علیه‌السلام و سیره امیرمؤمنان علیه‌السلام ..... ۳۸

روایات دسته اول ..... ۳۸

روایات دسته دوم ..... ۴۱

جمع بندی روایات ..... ۴۶

### بخش دوم: سیره مهدوی

سیره فردی امام مهدی علیه‌السلام ..... ۵۶

سیره اخلاقی و تربیتی امام مهدی علیه‌السلام ..... ۶۵

سیره دینی امام مهدی علیه‌السلام ..... ۷۰

الف) احیای دوباره اسلام ..... ۷۱

ب) بازگشت به قرآن ..... ۷۶

- ج) برداشتن تقيه ..... ۸۰
- د) اصلاح انحرافات ..... ۸۲
- ه) حاکمیت فراگیر دین اسلام ..... ۸۶
- و) گسترش فرهنگ توحید در جهان ..... ۱۲۴
- سیره سیاسی، حکومتی امام مهدی علیه السلام ..... ۱۳۳
- ویژگی‌های سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام ..... ۱۳۴
- الف) دین مدار ..... ۱۳۵
- ب) عدالت محور ..... ۱۴۰
- ه) جهان شمول ..... ۱۵۳
- ج) محبوبیت مردمی ..... ۱۵۸
- د) امنیت گرا ..... ۱۶۶
- سیره قضائی امام مهدی علیه السلام ..... ۱۷۴
- الف) قضاوت به ظاهر(بینه) ..... ۱۷۴
- ب) قضاوت به باطن(علم) ..... ۱۷۵
- سیره جهادی امام مهدی علیه السلام ..... ۱۸۴
- الف) برچیدن بساط کفر ..... ۱۸۵
- ب) قاطعیت در سیره جهادی حضرت ..... ۱۸۸
- ج) انعطاف ناپذیری در برابر دشمنان ..... ۱۹۳
- د) رأفت با توبه کنندگان ..... ۲۰۰
- ه) عدم پذیرش توبه دشمنان عنود ..... ۲۰۸
- سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام ..... ۲۱۷
- الف) سخت گیری نسبت به کارگزاران ..... ۲۱۷
- ب) عطوفت و رحمت با مردم ..... ۲۲۳
- ج) سبقت در نیکوکاری ..... ۲۲۵
- د) رضایت عمومی ..... ۲۲۶

۲۲۶.....	سیره علمی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۷.....	الف) شکوفایی علمی
۲۳۵.....	ب) رشد عقلانی
۲۴۳.....	سیره اقتصادی امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۴۳.....	الف) فقر زدایی
۲۴۸.....	ب) توزیع عادلانه اموال
۲۵۰.....	ج) عمران و آبادانی
۲۵۲.....	د) توسعه کشاورزی
۲۵۴.....	هـ) استخراج معادن
۲۵۶.....	و) اعطای مساوی اموال به مردم
۲۵۸.....	ز) فراوانی مال و نعمت
۲۶۳.....	منابع

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### پیشگفتار

بر اساس روایات، سیره امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، همان سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجداد طاهرینش علیهم السلام می باشد و اگر در برخی روایات، از تفاوت‌ها میان سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام سخن به میان آمده است، ناظر به تفاوت در مقام اجرا و متفاوت بودن شرایط عصر ظهور با دوران صدر اسلام و عصر غیبت است، زیرا اجداد طاهرینش بنا به مصالحی، رویه مماشات را در پیش می گرفتند و در برخی موارد بر اساس حکم ثانوی و تقیه عمل می کردند، اما حضرت مهدی علیه السلام به دلیل مبسوط الید بودن و عدم موانع، حکم واقعی را به اجرا می گذارد. از این رو، اصول و روش آن حضرت، همگون با سیره جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و برنامه‌های دولت آن حضرت علیه السلام تحقق بخش همه جانبه آموزه‌های وحیانی قرآن و احیای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.

بنابراین، همان گونه که سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برای همگان الگو و حجت است، سیره عملی آخرین حجت الاهی، حضرت مهدی علیه السلام نیز در همه شئون فردی و اجتماعی زندگی، اسوه حسنه و الگوی آموزنده برای همه انسان‌های عدالت خواه و کمال

طلب شمرده می‌شود. در روایات، ابعاد الگوپذیری از سیره و روش رفتاری آن حضرت در عرصه‌های مختلف بیان شده است.

در عرصه دیانت، سیره دینی و مأموریت الهی حضرت مهدی علیه السلام اجرای کامل احکام، قوانین و ارزشهای متعالی دین اسلام است؛ احکام و برنامه‌های نجات بخش و سعادت آفرینی که قبل از آن هیچ‌گاه زمینه و فرصت تحقق کامل نیافته است، اما در عصر ظهور، خداوند به برکت وجود ایشان شرایط را برای اجرای کامل آموزه‌های حیات بخش دین در سطح جهان مهیا می‌کند. با ظهور آخرین ذخیره الهی، آموزه‌های وحیانی قرآنی و احکام فراموش شده دین و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام دوباره احیا می‌گردد. پیرایه‌ها، بدعت‌ها و تحریفات از چهره دین زدوده و اسلام حقیقی با تفسیر معصومانه آن حضرت، دگر بار برای بشریت عرضه می‌شود تا همه بشریت از آثار و برکات بی‌شمار حاکمیت دین الهی بهره‌مند گردد.

در عرصه سیاست و حکومت، سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام مبتنی بر تأمین سعادت و کرامت جامعه می‌باشد؛ حقیقت سیاست در نظام مهدوی، همان سرپرستی و ولایت مطلق امام معصوم علیه السلام بر قلب، فکر، رفتار و روابط اجتماعی انسان‌ها در عصر ظهور می‌باشد؛ از این رو، سیاست مهدوی، سیاست دین مدار، عدالت پیشه، جامعه پذیر، امنیت گرا و جهان شمول است.

در عرصه قضایی، بر اساس سنت جدش و نیز سیره انبیای پیشین همانند داوود و سلیمان علیهم السلام داوری خواهند کرد و تمام توان مدیریت



قضایی نظام مهدوی را در جهت اجرای کامل قوانین دین خدا و تحقق احکام و دستورات معطل مانده اسلام به کار خواهند بست. در عرصه مبارزه و جهاد، با کانون‌های ظلم و کفر، قاطعانه مقابله کرده و موانع رشد مادی و معنوی جامعه را از بین خواهند برد. در این مبارزه قهر آمیز، حضرت کار معاندان و سران کفر را برای همیشه یک سره خواهند کرد؛ به گونه‌ای که دشمنان لجوج و معاند را از سر راه بر داشته و بساط کفر و نظام‌های طاغوت را از جامعه بشری ریشه کن خواهند کرد.

در عرصه مدیریت و کشور داری، سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام بر اساس عمل به تکالیف الهی و تحقق بخشی عدالت محض در جامعه استوار است؛ در این راستا، حضرت با اشراف و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی و کارکردهای مسؤولان حکومتی، جریان امور را مدیریت می‌کند. بر کارگزاران نظام، سخت‌گیری می‌کند تا لغزش و انحرافی در نظام اداری حکومت عدالت محور، رخ ندهد و به کسی ذره‌ای ستم نرود و حقی از کسی ضایع نشود. مدیران حکومت به پیروی از امام و رهبر خویش، در کارهای نیک، پیشگام اند و در خدمت گذاری به مردم از همدیگر سبقت می‌گیرند، صداقت و مهرورزی آنان سبب محبوبیت مثال زدنی نظام مهدوی در میان مردم می‌شود.

در عرصه علوم و فن‌آوری، جامعه عصر ظهور، به شکوفایی و جهش حیرت انگیز علمی، به پیشرفت‌های خارق العاده دست می‌یابد و در پرتو عنایت ویژه حضرت مهدی علیه السلام عقل و خرد بشر فزونی پیدا

می کند و به رشد و بالندگی عقلانی نائل می شوند.

در بخش اقتصاد و معیشت، زیرساخت های اقتصادی جامعه در عرصه صنعت، کشاورزی، معادن و... توسعه شگرفی می یابد، شهرها آباد و مزارع سرشار از محصول می شود، درهای نزول رحمت از آسمان گشوده و مواهب بی پایان زمین پدیدار می گردد و همه ثروت های جهان در اختیار حضرت مهدی علیه السلام قرار می گیرد. با مدیریت اقتصادی حضرت، سیستم تولید و توزیع ثروت بر پایه عدل و داد، انجام می پذیرد، شرایط اقتصادی جهان دگرگون می شود و عوامل فقر و فلاکت اجتماعی نابود می گردد، گسترش عمران و آبادانی و فراوانی ثروت، سبب بی نیازی و رفاه اقتصادی جامعه عصر ظهور می شود، سامان یابی وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی، زمینه را برای خلق تمدن نوین مبتنی بر عدالت و پاکی و شکل گیری مدینه فاضله مهدوی هموار می نماید.

در این اثر، سعی شده است با استناد به آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام ضمن بیان برخی شباهت ها و تفاوت های سیره مهدوی با سیره نبوی و علوی، گوشه هایی از سیره فردی و حکومتی امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، تبیین گردد. امید است این تلاش ناچیز، مقبول آستان مقدس آن حضرت قرار گیرد.



## بخش اول: کلیات

### مفهوم لغوی سیره

«سیره»، اسم مصدر از ریشه «سیر» است و لغت شناسان آن را، رفتن، عبور کردن، گذشتن و حرکت کردن بر روی زمین، معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

واژه «سیره» بر وزن «فَعْلَه» بر حالت و نوع عمل دلالت می‌کند مانند «جَلَسَه»؛ یعنی نشستن و «جَلَسَه»؛ یعنی نوع نشستن. از این رو، مراد از «سیره» سنت، روش، طریقه و شیوه خاص رفتاری است.<sup>۲</sup> راغب اصفهانی نیز «سیره» را به معنای حالت و شیوه‌ای از زندگی و

---

۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰؛ المفردات فی

غریب القرآن، ص ۴۳۲.

۲. السیره: السنّة و الطریقه. یقال: سارَ بهم سیرهٌ حَسَنَةٌ. و السیره: الاهیة لسان العرب، ج ۴،

ص ۳۸۹ - ۳۹۰).

نوع خاصی از رفتار دانسته که به صورت یک روش در عملکرد و حرکت انسان جاری است؛ اعم از اینکه این حالت، منشأ غریزی داشته باشد یا امر اکتسابی باشد.<sup>۱</sup>

در آیات قرآن واژه «سیر» و مشتقات آن، گاهی به شکل امر: و گاه به صورت فعل مضارع: ﴿أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾<sup>۲</sup> به کار رفته است. در این گونه آیات «سیره» ناظر به معنای لغوی؛ یعنی حرکت و رفتن و سفر بر روی زمین است.

### معنای اصطلاحی سیره

مفهوم اصطلاحی «سیره» در نزد علمای سیره و تاریخ، ناظر به سبک شناسی و روش شناسی رفتار انسان است و با آنچه اهل لغت در معنای آن بیان کرده است تفاوت چندانی ندارد. از این رو، می‌توان «سیره» را در اصطلاح به معنای نوع رفتار و طریقه و سبک زندگی، تعریف نمود.

براین اساس، سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرات ائمه علیهم السلام به معنای رفتارشناسی آن بزرگواران است و مراد از آن شناخت اصول و

---

۱. السَّيْرَةُ: الحالة التي يكون عليها الإنسان و غيره، غريزياً كان أو مكتسباً، يقال: فلان له سيرة حسنة، و سيرة قبيحة (المفردات في غريب القرآن، ص ۴۳۳).

۲. سوره روم، آیه ۹.

روش‌هایی است که حضرات معصومین علیهم‌السلام در رفتار و کردار خود داشته‌اند. بنابراین «سیره» در حقیقت اصولی است پایدار که تعیین‌کننده منطق عملی؛ یعنی شیوه و سبک رفتار انسان در حوزه‌ای معین را بازگو می‌کند.

شهید مطهری رحمته‌الله با اشاره به تفاوت معنایی «سیر» و «سیره» می‌گوید: «سیر» یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن؛ «سیره» یعنی نوع و سبک خاص راه رفتن. مثلاً «جَلَسَ» یعنی نشستن و «جَلَسَهُ» یعنی سبک و نوع نشستن.<sup>۱</sup>

به اعتقاد وی، هر رفتاری را نمی‌توان اصطلاحاً سیره نامید؛ بلکه رفتاری که دارای روش و سبک ویژه باشد، مصداق سیره خواهد بود؛ چرا که هیئت «فِعْلَهُ» در لغت عرب دلالت بر نوع و روش خاص دارد. از این رو می‌گوید: آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیامبر است. اما آن‌هایی که سیره نوشته‌اند، رفتار پیامبر را نوشته‌اند، این کتاب‌هایی که ما به نام «سیره» داریم سیر است نه سیره. مثلاً سیره حلبیه سیر است نه سیره؛ اسمش سیره هست ولی واقعش سیر است. رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نوشته شده است نه سبک پیامبر در رفتار، نه

۱. مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۵۰.



اسلوب رفتار پیامبر، نه متد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.<sup>۱</sup>

ایشان با بیان اینکه رفتارها، سبک‌های مختلفی دارد و سیره شناسی، همان سبک شناسی است، هر شخص و گروهی از جمله پیامبران صلی الله علیه و آله به ویژه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام را دارای سبک رفتاری مخصوص به خود دانسته، می‌افزاید: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله؛ یعنی سبک پیامبر صلی الله علیه و آله و متدی که او در عمل و در روش برای مقاصد خودش به کار می‌برد. مثلاً پیامبر صلی الله علیه و آله تبلیغ می‌کرد. روش تبلیغی پیامبر چه روشی بود؟ سبک تبلیغی پیامبر صلی الله علیه و آله چه سبکی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان حال که مبلغ بود و اسلام را تبلیغ می‌کرد، یک رهبر سیاسی برای جامعه خودش بود، از وقتی که آمد به مدینه، جامعه تشکیل داد، حکومت تشکیل داد، خودش رهبر جامعه بود. سبک و متد رهبری و مدیریت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جامعه چه متدی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در همان حال قاضی هم بود و میان مردم قضاوت می‌کرد، سبک قضاوتش چه سبکی بود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثل همه مردم دیگر زندگی خانوادگی داشت، زنان متعدد داشت، فرزندان داشت. سبک پیامبر صلی الله علیه و آله در زن داری چگونه بود؟ سبک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معاشرت با اصحاب و یاران و به اصطلاح مریدها چگونه

بود؟ پیامبر ﷺ دشمنان سرسختی داشت، سبک و روش پیامبر ﷺ در رفتار با دشمنان چه بود؟ و دهها سبک دیگر در قسمت‌های مختلف دیگر.<sup>۱</sup>

در این جا نیز، منظور از «سیره» روش‌های رفتاری قاعده‌مندی است که بیانگر سبک عملکرد یک فرد در عرصه زندگی است و مراد از سیره مهدوی، روش عملی و سبک رفتاری امام مهدی ﷺ در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، جهادی، فرهنگی، اقتصادی و غیره است.

آنچه در سخن گهربار امام حسین ﷺ به محمد حنفیه در بیان سیره آن حضرت مشاهده می‌شود، بیانگر سبک و قانون رفتاری آن حضرت در پی‌گیری روش پیامبر اکرم ﷺ و امیرمؤمنان ﷺ مبنی بر اجرای احکام الهی است، فرمود: «وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ﷺ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي؛<sup>۲</sup> تصمیم دارم امر به معروف و نهی از منکر کنم و روش جد و پدرم را دنبال نمایم».

امام صادق ﷺ در سخنی با مفضل بن عمر، سیره و سبک تعامل

۱. همان، ج ۱۶، ص ۵۲-۵۳.

۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

امام مهدی علیه السلام با مردم را، بر پایه روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است. می فرماید:

إِذَا أذِنَ اللَّهُ تَعَالَى لِلْقَائِمِ بِالْخُرُوجِ صَعِدَ الْمَنْبِرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَخَوَّفَهُمْ بِاللَّهِ وَدَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ عَلَى أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ؛ هرگاه خداوند به قائم علیه السلام اذن خروج دهد بالای منبر می رود و مردم را به سوی پروردگار و خوف و خشیت از او دعوت می کند و مردم را به پذیرش دعوت حق طلبانه خود فرامی خواند و به آن ها امر می کند تا به سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمایند و خودش هم به روش آن حضرت عمل می کند.

#### تفاوت «سیره» با «سنت»

«سیره» و «سنت» از نظر لغوی به معنای روش و طریقه پیموده شده است. اما اصطلاحاً این دو باهم تفاوت مفهومی دارد؛ زیرا در اصطلاح فقهی و اصولی «سنت» به مجموعه اقوال و افعال و تقریر معصوم علیه السلام گفته می شود؛ اما «سیره» تنها بر افعال و روش عملی آن بزرگواران دلالت دارد؛ یعنی سیره معصومین علیهم السلام ناظر به رفتارهای هدفمند و استمرار پذیری است که از معصوم علیه السلام در محیط فردی،

اجتماعی، و تربیتی به منظور خودسازی یا اثرگذاری بر دیگران؛ سرزده است به گونه‌ای که هر کدام در قلمرو کاربردی خود، می‌تواند منشأ استخراج سبک و روش کلی رفتار قرار گیرد.

از این نظر، مفهوم «سنت» گسترده‌تر از «سیره» خواهد بود، اما اگر «سیره» را به معنای رفتار و عمل نوعی بدانیم، می‌توان گفت: بین «سیره» و «سنت» نسبت عموم و خصوص من وجه برقرار است؛ چرا که از یک سو هر دو در سنت عملی، وحدت و هماهنگی دارند و از سوی دیگر سیره، برخی از گفتار پیامبر اکرم ﷺ را در بر نمی‌گیرد و از سوی سوم گزارش‌هایی که در قرآن درباره رفتار پیامبر اکرم ﷺ آمده است، سنت نامیده نمی‌شوند.

لازم به ذکر است که در فرهنگ شیعه، اصطلاح «سنت» اختصاص به گفتار و کردار پیامبر اکرم ﷺ ندارد، بلکه گفتار و رفتار و تقریر دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام را نیز در بر می‌گیرد. از این رو، همان گونه که سیره نبوی، سنت به شمار می‌رود و حجت است، سیره اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام نیز حجت بوده و همتای قرآن شمرده می‌شود.

### گونه‌های سیره

«سیره» را می‌توان از چند منظر و به اعتبارهای مختلف تقسیم

نمود:

۱. **سیره فردی و اجتماعی:** سیره فردی به رفتارهایی اطلاق می شود که بیشتر جنبه شخصی دارد و به عملکرد فرد مربوط است نه دیگران. به عبارت دیگر، سیره فردی رفتار و منشی است که هدف و آثار آن معطوف به خود فرد است؛ نظیر عبادت، ساده زیستی، نظم، قناعت، انضباط و امثال آن. اما سیره اجتماعی، ناظر به رفتارهایی است که در ارتباط با دیگران انجام می گیرند و اگر فرد تنها باشد، چنین رفتاری موضوعیت پیدا نمی کند مانند تعاون و همکاری، حسن معاشرت، مدارا و گذشت و... .

۲. **سیره اخلاقی و تربیتی:** سیره در حوزه اخلاق و تربیت، با سیره در حیطه فردی و اجتماعی ارتباط نزدیک دارد. تفاوت آن ها در این است که سیره تربیتی به منظور دیگرسازی انجام می گیرد و در سیره فردی و اجتماعی ممکن است چنین هدفی نداشته باشد. سیره معصومین علیهم السلام از آن جهت که همراه با آداب و سنت های خاص است، آثار اخلاقی و تربیتی فراوانی دارد و چون جنبه ارزشی و دیگر سازی دارد، در حوزه های فردی و اجتماعی قابل تأسی است.

۳. **سیره قولی و فعلی:** مفهوم «سیره» که بیانگر سبک و روشی خاص است، در هر دو حوزه گفتار و رفتار مصداق پیدا می کند. از این رو، سیره را می توان به قولی و فعلی تقسیم نمود. سیره قولی، به اطوار و احوال گفتار اطلاق می گردد و به آن سبک و روش گفتاری



گفته می‌شود. سیره فعلی، ناظر به سبک و روش خاص انسان در عرصه فعل و عمل است که هر کس می‌تواند رفتار ویژه‌ای داشته باشد. درباره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز این دو نوع سیره، قابل بازیابی است و مجموع گفتارهای زبانی و نوشتاری و شیوه‌ای اعمال و ریزه‌کاری رفتاری آن الگوهای هدایت و پاکی، می‌تواند به عنوان سیره قولی و عملی، مستند اعمال و رفتار دیگران باشد.

۴. سیره عقلا و متشرعه: یکی از تقسیم‌های سیره، که در فقه کاربرد زیاد دارد و در علم اصول مورد بحث قرار می‌گیرد، تقسیم آن به سیره عقلا یا همان بنای عقلا و سیره متشرعه است.

مرحوم مظفر سیره عقلا را به معنای توافق عقلای عالم از هر ملت و مذهبی بر انجام یا ترک کاری تعریف کرده است.<sup>۱</sup> از این نظر سیره عقلا از همه انواع سیره، عام‌تر است و اختصاص به مسلمان و غیر مسلمان ندارد، بلکه همه عاقلان جهان را در بر می‌گیرد.

اما سیره متشرعه، اگرچه به مفهوم عام آن، مطلق رویه شرعی پیروان همه شرایع را در بر می‌گیرد، اما کاربرد این اصطلاح در مباحث فقه و اصول، بطور خاص به شریعت اسلام انصراف دارد. وقتی گفته می‌شود سیره متشرعه، منظور فقط سیره مسلمانان است نه سیره پیروان ادیان دیگر.

۱. ر.ک: اصول الفقه، مظفر، ج ۱، ص ۱۷۱.

مرحوم مظفر نیز اصطلاح سیره متشرعه را ناظر به رویه شرعی و اسلامی مجموع مسلمانان بر فعل یا ترک امری دانسته است. به نظر ایشان، تفاوتی میان سیره متشرعه، شرعی و اسلامی وجود ندارد و منظور از هر سه اصطلاح، موافقت مسلمانان بر انجام یا ترک کاری است.<sup>۱</sup> روشن است که سیره متشرعه، از نظر مصداقی اخص از سیره عقلا است.

### سیره معصومین علیهم السلام

هرگاه سخن از سیره معصومین علیهم السلام در میان می‌آید، همه گفتار و رفتار چهارده معصوم علیهم السلام را در تمامی ابعاد، در بر می‌گیرد و منظور از سیره معصومین علیهم السلام، مجموعه سخنان و افعال و رویه‌های قولی و فعلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت علیهم السلام؛ یعنی امیرمؤمنان و دیگر امامان و حضرت فاطمه علیها السلام است. قلمرو سیره آن ذوات قدسی نیز همه دوران حضور معصومین علیهم السلام از آغاز بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا دوران ظهور امام مهدی علیه السلام را شامل می‌شود. سیره ذوات قدسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بر همگان حجت بوده و به مصداق آیه شریفه: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ

الْيَوْمَ الْآخِرِ<sup>۱</sup> در همه شئون فردی و اجتماعی حیات، الگوی رفتار ما  
شمرده می‌شود.

### ویژگی‌های سیره معصومین علیهم‌السلام

سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام به دلیل ویژگی عصمت و دیگر  
اوصاف منحصر به فرد آنان، با سیره و رفتار دیگران تفاوت اساسی  
دارد؛ زیرا عملکرد پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دارای ویژگی‌ها و  
ظرافت‌هایی است که به هیچ وجه در رفتار دیگران یافت نمی‌شود.

اولاً: دارای منشأ الهی است؛ یعنی سیره و رفتار ذوات مقدس  
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام بر اساس خواست و اراده خداوند شکل  
می‌گیرد؛ به گونه‌ای که همه گفتار و رفتار آن بزرگواران، مستند به  
وحی الهی بوده و در این حوزه قابل تفسیر و تبیین می‌باشند. آنان  
به مصداق **﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾**<sup>۲</sup> و **﴿إِنْ أَتَّبِعُ  
إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾**<sup>۳</sup> سخن گویان وحی اند و ریز و درشت اعمال و  
حرکات شان، منطبق با دستورات الهی است و کوچکترین کاری بر

۱. (برای شما در تأسی و اقتدا به رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگوی نیکویی است؛ آنانی که خدا جو و

در پی حیات آخرت‌اند) سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲. سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

۳. سوره انعام، آیه ۵۰.

خلاف رضایت الاهی انجام نمی دهند. سیاق این فرموده قرآن عام است و اختصاص به آیات قرآن و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه همه سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آنچه به عنوان احادیث نبوی معروف اند و همه رفتار آن حضرت که به سنت و سیره تعبیر می شوند را شامل می شود و همچنین به تبع ایشان اهل بیت عصمت علیهم السلام و اوصیای طاهرین آن حضرت را نیز در بر می گیرد؛ کسانی که به فرموده امام هادی علیه السلام: «الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ؛ مطیع محض خدایند و فقط به فرمان او اقدام می کنند و بر اساس رضایت او عمل می کنند».

ثانیاً: دارای محتوای ژرف و عمیقی است؛ به گونه ای که کلام و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به دلیل منشأ وحیانی و ارتباط مستقیم شان با منبع عظیم قرآنی، دارای عمق و ژرفای عمیق و جامع کلمه هاست «أُعْطِيتُ بِجَوَامِعِ الْكَلِمِ»<sup>۱</sup> به گونه ای که می تواند با یک سخن و رفتار به ظاهر کوچک، یک دنیا مطلب را بیان کند.

و چون گفتار و رفتار معصومین علیهم السلام دارای معنی و مفهوم ژرف و بلندی است، فهم محتوای عمیق آن نیازمند تأمل زیادی است. اگر سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به خوبی فهمیده شود و تجزیه و

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۴.

تحلیل گردد، می‌توان از کوچک‌ترین رفتار آنان، مهم‌ترین قوانین اسلامی را استخراج کرد؛ چرا که به مثابه چراغ و نورافکن قوی فضای فکری انسان را برای همیشه تاریخ، نورانی و روشن می‌کند.

سیره پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام چون برخاسته از اراده خدا و مطابق با قرآن کریم است، آشنایی و شناخت صحیح سیره آن، سبب فهم صحیح و درک معنای واقعی آیات قرآن کریم نیز می‌شود؛ زیرا سیره و رفتار معصومین علیهم‌السلام تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم است و با شناخت آن می‌توان به حقیقت مفاهیم قرآن بهتر پی برد و معنای واقعی کلام خداوند را درک کرد. از این رو، احادیث و روایات اسلامی در کنار قرآن کریم، دومین منبع اصیل معارف دین شمرده می‌شود.

ثالثاً: جامع و فراگیر است. از دیگر ویژگی‌های مهم سیره معصومین علیهم‌السلام جامعیت و فراگیری دامنه آن است. سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام علاوه بر عمق محتوایی آن، همه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسان را پوشش می‌دهد و هیچ گوشه‌ای از زوایای حیات آدمی، بیرون از دامنه سیره قرار نمی‌گیرد. این ویژگی، سبب شده است که سیره اهل بیت عصمت علیهم‌السلام همه ابعاد مختلف زندگی انسان اعم از بعد دینی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن را در بر گیرد. از این رو، امیرمؤمنان علیه‌السلام درباره سیره رسول



خدا ﷻ می فرماید: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَمَسَاوِيهَا؛ برای تو کافی است که راه و رسم زندگی را از شیوه زندگی پیامبر اسلام ﷺ الگو پذیری تا راهنمای خوبی در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن برای تو باشد».

امیرمؤمنان علیه السلام در این سخن خویش، رسول خدا ﷺ را به عنوان الگوی جامع زندگی معرفی کرده و تأسی به سیره آن حضرت را در شناخت بدی‌ها و خوبی‌های دنیا و همه شئون زندگی کافی دانسته است به گونه‌ای که شخصیت آن بزرگوار، منحصر به زمان خاصی نبوده و نیست، بلکه یک حقیقت فرا زمانی و جاودانه است که برای هر نسلی مطابق با واقعیت‌های زندگی آنان، تبلور پیدا می‌کند و هر کس می‌تواند به اندازه استعداد و توان خود، از آن منبع جوشان کمالات الاهی توشه‌ای برگیرد.

سایر خاندان نبوت و ائمه معصوم علیهم السلام نیز همانند خود پیامبر اکرم ﷺ اسوه جامع هدایت و الگوهای شایسته و نیکو برای همه بشریت می‌باشند. از این جهت هیچ تفاوتی میان آن انوار مقدس وجود ندارد. آن گونه که امام سجاده علیه السلام به نقل از جدش رسول

خدا ﷻ فرمود: «كُلُّنَا وَاحِدٌ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَرُوحُنَا مِنْ أَمْرِ اللَّهِ أَوْلُنَا مُحَمَّدٌ وَأَوْسَطُنَا مُحَمَّدٌ وَآخِرُنَا مُحَمَّدٌ وَكُلُّنَا مُحَمَّدٌ؛ همه ما از یک نور هستیم و روح ما از امر یگانه نشأت می‌گیرد و اول و وسط و آخر ما محمد است، بلکه همه ما محمد هستیم».

بنا بر این، سیره اهل بیت عصمت و طهارت با رسول خدا ﷺ یکی و تفکیک ناپذیر است و همگی در قالب گفتار و رفتار حکیمانه، مجموعه واحد و روشمندی را به نام سیره قولی و فعلی تشکیل می‌دهد به گونه‌ای که با وجود این انوار مقدس، انسان نیازی به الگوهای دیگری نخواهد داشت بلکه سیره جامع و فراگیر آن بزرگواران، برای همه بشریت راهگشا بوده و مصداق کامل اسوه حسنه‌ای است که قرآن کریم همگان را به الگو پذیری از آنان فراخوانده است ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾<sup>۱</sup>؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند».

۱. همان، ج ۲۶، ص ۱۶.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

### ضرورت الگوپذیری از سیره ائمه معصوم علیهم السلام

امامان معصوم علیهم السلام هر کدام راهنمای بشریت و صراط مستقیم هدایت اند «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصُّرَاطُ الْأَقْوَمُ»<sup>۱</sup>، بدون شک، آشنایی با چگونگی سیرت و سنت و الگوپذیری از آن چراغ‌های هدایت، به ویژه سیره و شیوه زندگی امام مهدی علیه السلام مایه روشنایی مسیر زندگی منتظران آن حضرت خواهد بود.

همان گونه که قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به تبع او امامان معصوم علیهم السلام را اسوه‌ای نیکو برای همه بشریت معرفی کرده و همگان را به الگوپذیری و تبعیت از سیرت آنان فراخوانده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۲</sup> تحقیقاً رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شما الگوی بس نیکو و پسندیده است.

از این رو، خداوند، تبعیت از پیامبر مکرم اسلام را، نشانه محبت واقعی نسبت به خداوند یاد فرموده است: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي»<sup>۳</sup>.

در روایات نیز سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین و کامل ترین شیوه

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۴.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

خوانده شده است: ﴿خَيْرَ السُّنَّةِ سُنَّةُ مُحَمَّدٍ ﷺ﴾<sup>۱</sup> بهترین سنت، سنت و روش حضرت محمد ﷺ است. چه آنکه سیرت پیامبر اکرم ﷺ آخرین و ماندگارترین سنت یاد شده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَأَنْبِيُّ بَعْدِي وَلَا سُنَّةَ بَعْدَ سُنَّتِي؛<sup>۲</sup> مردم بدانید که پیام آوری پس از من نیست و پس از سنت من، سنت شایسته پیروی دیگری، نخواهد بود».

از آنجایی که سنت رسول خاتم ﷺ کامل ترین سنتی است که از سوی پیامبران الهی ﷺ برای بشریت به ارمغان آورده شده و قرآن کریم نیز همگان را به اقتدای به آن وجود مقدس سفارش کرده است: ﴿مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾<sup>۳</sup> امام معصوم ﷺ نیز الگوی امت اسلامی می باشند چرا که آنان هم خود بر پایه سنت رسول خدا ﷺ عمل می کند و هم دیگران را به پیروی از سیرت و سنت رسول مکرم اسلام فرا می خواند، آن گونه که امیرمؤمنان ﷺ فرمود: «اقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَصْدَقُ الْهُدَى وَاسْتَتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا

۱. الاختصاص، ص ۳۴۲.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶۳.

۳. سوره حشر، آیه ۷.

أَهْدَى السُّنَنُ؛ به رهنمون پیامبر تان اقتدا کنید که او راستگو ترین راهنما است و به شیوه او رفتار کنید که سنت او هدایت بخش ترین راه و روش است».

بر پایه آیات و روایت یاد شده همه بندگان نیازمند الگو پذیری از سیره پیشوایان معصومند؛ همان گونه که خود رسول خدا صلی الله علیه و آله آن وجودات مقدس را چراغ‌های هدایت برای بشریت و راهنمایان به سوی خدا معرفی فرمود: «أَهْلُ بَيْتِي مَنَارُ الْهُدَى وَالِدَّالُّونَ عَلَى اللَّهِ»<sup>۲</sup> چرا که راه یابی به صراط حق، جز در پیروی از رهنمودهای هدایت بخش خاندان وحی ممکن نمی‌باشد.

### شباهت‌ها و تفاوت‌های سیره مهدوی، نبوی و علوی

بر اساس روایات سیره حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور همان سیره جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر اجداد طاهرینش خواهد بود. با این تفاوت که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه علیهم السلام موانع و محدودیت‌هایی برای تحقق سیره قولی و رفتاری آن بزرگواران وجود داشته است، اما در زمان ظهور امام

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۱۰.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۳.

مهدی علیه السلام این محدودیت‌ها و موانع از سر راه آن حضرت برداشته می‌شود و زمینه تحقق کامل سیره و منش الاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام فراهم می‌گردد.

در این بخش از کتاب، با توجه به دو دستگی روایات مربوط به این موضوع، ابتدا به بیان روایات ناظر به همگونی و تفاوت سیره مهدوی با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌پردازیم، سپس به شباهت‌ها و برخی تفاوت‌های اشاره شده درباره سیره آن حضرت با سیره امیرمؤمنان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام خواهیم پرداخت:

### الف) امام مهدی علیه السلام و سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله

احادیث و روایات مربوط به سیره امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، دو گونه است؛ بیشتر این روایات، بیانگر همانندی سیره مهدوی و نبوی و تبعیت حضرت مهدی علیه السلام از سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اما ظاهر تعدادی از روایات دیگر، گویای برخی تفاوت‌ها در شیوه‌های رفتاری حضرت مهدی علیه السلام با سیره رایج در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. به چند نمونه از این دو دسته روایات اشاره می‌گردد:

### روایات دسته اول

دسته نخست روایاتی است که در آن با عناوین «سنت» یا «سیره» به همگونی سیره مهدی و نبوی اشاره شده است. در این گونه روایات، اگرچه در برخی تعبیر «سنت» و در برخی دیگر واژه «سیره»

به کار رفته است؛ اما روشن است که اصطلاح «سنت» چنانکه قبلاً اشاره شد ناظر به سیره قولی و عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که مفهوم «سیره» را نیز دربر می‌گیرد.

برخی روایات که از تاسی حضرت مهدی علیه السلام به سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همانندی سیره مهدوی و نبوی خبر داده است، عبارت اند:

۱. ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي<sup>۱</sup>؛ [مهدی] به سنت و روش من عمل می‌کند».

۲. جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وَ هُوَ رَجُلٌ مِّنِّي اسْمُهُ كَأَسْمِي يَحْفَظُنِي اللَّهُ فِيهِ وَ يَعْمَلُ بِسُنَّتِي  
يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا<sup>۲</sup>؛ او [مهدی] مردی از نسل من است  
و نامش همانم من است خداوند من را به وسله او استمرار  
می‌بخشد و او به سنت و روش من عمل می‌کند و زمین را  
پُر از عدل و داد خواهد کرد.

۳. نیز امام باقر علیه السلام درباره سیره امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور فرمود:

«يَدْعُو النَّاسَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ وَ الْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

۱. عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، ص ۴۳۴.

۲. علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۶۱.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَابْرَاءَةٌ مِنْ عَدُوِّهِ؛<sup>۱</sup> [مهدی] مردم را به سوی کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم ﷺ و ولایت علی بن ابی طالب ﷺ و بیزاری از دشمنان او دعوت می‌کند».

۴. هشام بن سالم از امام جعفر صادق ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت به نقل از جدش رسول خدا ﷺ فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي وَ مَنْ أَنْكَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ فَقَدْ أَنْكَرَنِي وَ مَنْ كَذَّبَهُ فَقَدْ كَذَّبَنِي وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ صَدَّقَنِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو الْمُكَذِّبِينَ لِي فِي أَمْرِهِ وَ الْجَاهِدِينَ لِقَوْلِي فِي شَأْنِهِ وَ الْمُضِلِّينَ لِأُمَّتِي عَنْ طَرِيقَتِهِ؛<sup>۲</sup> قائم از فرزندان من است. نامش نام من و کنیه‌اش کنیه من و شمائلش شمائل من و شیوه آدابش شیوه و آداب من می‌باشد. مردم را به دین و شریعت من وادارد و آنها را به سوی قرآن مجید دعوت کند. هر کس از وی پیروی نماید از من پیروی نموده و آن کس که از فرمان او سر باز زند از فرمان من سرپیچی نموده است، هر کس در زمان غیبتش منکر وی شود انکار وجود او

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۵.



نموده و هر کس او را تکذیب کند، تکذیب من کرده است و آن کس که تصدیق وی کند مرا تصدیق کرده است و به خدا شکوه می‌برم از کسی که آنچه من درباره او گفتم تکذیب کند یا منکر شود و یا امت مرا از راه او برگرداند.

۵. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت

فرمود:

إِذَا أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِقَائِمٍ فِي الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ وَ أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ؛ هنگامی که خداوند متعال به حضرت قائم علیه السلام اذن خروج دهد، بالای منبر رود و مردم را به پیروی از خود فراخواند و آنان را به خدا سوگند دهد که برای ایفای حقش او را یاری رسانند تا در میان آنان به سیره رسول خدا صلى الله عليه وآله عمل کند و راه و روش او را انجام دهد.

۶. محمد بن مسلم می‌گوید:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْقَائِمِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ إِذَا قَامَ بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامَ. قُلْتُ: وَ مَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَ

۱. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۳؛ إعلام الوری بأعلام الهدی،

فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَ كَذَلِكَ الْقَائِمُ ﷺ إِذَا قَامَ يُبْطِلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ يَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ؛ از حضرت باقر علیه السلام پرسیدم: قائم چگونه در میان مردم رفتار می کند؟ فرمود: به روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل می نماید تا آنکه اسلام را آشکار می سازد. عرض کردم: روش پیامبر چگونه بود؟ فرمود: پیامبر آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کرد. قائم هم موقعی که قیام می کند هر عمل نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان اسلام در میان مسلمین مرسوم گشته از میان میبرد و مردم را به عدالت گستری رهبری می نماید.

۷. ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «إِذَا قَامَ سَارَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَّا أَنَّهُ يُبَيِّنُ آثَارَ مُحَمَّدٍ؛ هنگامی که قیام کند مطابق سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می کند مگر آنکه او آثار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تبیین و نشر می دهد».

۸. عبدالله بن عطا می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور پرسیدم که شیوه و رفتار آن حضرت چگونه است؟ «سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ؟ قَالَ: يَصْنَعُ مَا صَنَعَ

۱. تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۱۶۴.

رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛ امام علیه السلام فرمود: همان کاری را می‌کند که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله کرد. (آن‌گاه امام در توضیح این سخن فرمود) آن‌چه را در گذشته بوده از اساس ویران خواهد کرد؛ همان‌گونه که رسول خدا صلى الله عليه وآله جاهلیت را از بین برد و اسلام را از نو آغاز می‌کند؛ گو این‌که چیز جدیدی پدید آورده است»<sup>۱</sup>.

### روایات دسته دوم

دسته دیگر روایات، حاکی از تفاوت سیره حضرت مهدی علیه السلام با سیره و روش پیامبر صلى الله عليه وآله است:

۱. زراره می‌گوید: محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قُلْتُ لَهُ صَلَاحٌ مِنَ الصَّالِحِينَ سَمَّهَ لِي أُرِيدُ الْقَائِمَ عليه السلام فَقَالَ عليه السلام: اسْمُهُ اسْمِي قُلْتُ: أَمْ يَسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ عليه السلام: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةُ مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ! قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ لِمَ؟ قَالَ عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۵؛

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲. مشابه این روایت را عبدالله بن عطا از امام باقر علیه السلام نیز نقل کرده است با اندک تفاوتی

در برخی عبارات. وی می‌گوید: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ علیه السلام فَقُلْتُ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام بِأَيِّ سِيرَةٍ يَسِيرُ فِي النَّاسِ؟ فَقَالَ: يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً. (الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۲).

اللَّهُ ﷻ سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَالْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ، بِذَلِكَ أَمْرٌ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا يَسْتَتِيبَ أَحَدًا وَيَلُ لِمَنْ نَاوَاهُ؛ به محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم که صالحی از صالحان را برایم نام ببر و منظورم حضرت قائم علیه السلام بود، پس فرمود: اسم او اسم من است، عرض کردم: آیا همچون رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می‌کند؟ فرمود: هرگز هرگز ای زراره، رفتار او را پیش نمی‌گیرد، عرض کردم: فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله در امت خود چنان رفتار می‌کرد که توأم با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منت خود می‌ساخت) و دل‌های مردم را به خود جذب می‌نمود، یعنی با مهر رفتار می‌کرد؛ اما رفتار قائم با آنان (به سبب ظلم فراوان) با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

۲. ابی بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود:

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا بِالسَّيْفِ لَا يَسْتَتِيبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ

لَوْ مَتَّ لَأْتِمُ؛ قائم علیه السلام به امر جدید و کتاب جدید و حکم جدید که بر عرب دشوار است قیام می کند، کار وی شمشیر (و جنگ) است؛ توبه هیچ کس را قبول نمی کند، و ملامت دشمنان او را از هدفش باز نمی دارد.

### ب) امام مهدی علیه السلام و سیره امیرمؤمنان علیه السلام

روایات مربوط به مقایسه سیره امام مهدی علیه السلام با سیره امیرمؤمنان علیه السلام نیز دو دسته اند: برخی بر همانندی سیره امام مهدی علیه السلام با سنت و سیرت امام علی علیه السلام دلالت دارد و دسته ای دیگر از روایات، دو گونه‌گی و تفاوت سیره مهدوی و علوی را می‌رساند.

#### روایات دسته اول

روایاتی که از همگونی رفتار و سیره امام مهدی علیه السلام با سیره امیرمؤمنان علیه السلام در برخی امور، خبر داده است، عبارت اند:

۱. امام صادق علیه السلام درباره مواجهه و درگیری سپاه امام مهدی علیه السلام با لشکریان سفیانی می‌فرماید:

يُقَدِّمُ الْقَائِمُ علیه السلام حَتَّى يَأْتِيَ النَّجْفَ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ مِنَ الْكُوفَةِ جَيْشُ  
السُّفْيَانِيِّ... فَعِنْدَ ذَلِكَ يَنْشُرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا نَشَرَهَا  
انْحَطَّتْ عَلَيْهِ مَلَائِكَةٌ بَدْرٌ فَإِذَا زَالَتْ الشَّمْسُ هَبَّتِ الرِّيحُ لَهُ فَيَحْمِلُ

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴.

عَلَيْهِمْ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ فَيَمْنَحُهُمُ اللَّهُ أَكْتَانَهُمْ وَ يُؤَلُّونَ فَيَقْتُلُهُمْ حَتَّى يُدْخِلَهُمْ أَيْتَاتِ الْكُوفَةِ وَ يُنَادِي مُنَادِيَهُ أَلَا لَّا تَتَّبِعُوا مُؤَلِّيَا وَ لَّا تُجْهِزُوا عَلَيَّ جَرِيحٍ وَ يَسِيرُ بِهِمْ كَمَا سَارَ عَلِيُّ عليه السلام يَوْمَ الْبَصْرَةِ؛ حضرت قائم علیه السلام وارد نجف می شود در آن هنگام لشکریان سفیانی مستقر در کوفه در برابر او قرار می گیرد، آنگاه (که جنگ در می گیرد از سوی آن حضرت) پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله بر افراشته می شود و فرشتگان حاضر در جنگ بدر از آسمان فرود می آیند، پس هنگامی که آفتاب غروب کرد همانند باد بر سفیانیان یورش برده و سپاه سفیانی پس از شکست سخت می گریزد و امام مهدی علیه السلام آن ها را می کشند تا این که فراریان به خانه های کوفه پناه می برند، منادی آن حضرت فریاد برمی آورد که هیچ فراری را تعقیب نکنید و مجروحی را از پا در نیاورید، همانند رفتار علی علیه السلام در روزه بصره (با اهل جمل).

۲. حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام گزارش کرده است که فرمود:

حَضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ ذَكَرْتَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ الْخَشِينَ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ وَ نَرَى عَلَيْكَ اللَّبَاسَ الْجَدِيدَ فَقَالَ لَهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ ذَلِكَ فِي زَمَانٍ لَّا يُنْكَرُ عَلَيْهِ وَ لَوْ لَبَسَ مِثْلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ شَهْرًا بِهِ فَخَيْرٌ لِبَاسٍ كُلِّ زَمَانٍ لِبَاسِ أَهْلِهِ

غَيْرَ أَنْ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عليهم السلام إِذَا قَامَ لِبَسِ ثِيَابَ عَلِيِّ عليه السلام وَ سَارَ بِسِيرَةِ عَلِيِّ عليه السلام؛<sup>۱</sup> نزد حضرت صادق علیه السلام حاضر شدم، مردی به آن حضرت عرض کرد: خداوند شما را به صلاح رهنمون گرداند، فرمودی که علی بن ابی طالب لباس خشن می پوشید. پیراهن چهار درهمی و مانند آن؛ اما شما لباس های نیکو پوشیده اید! امام در پاسخ فرمودند: علی بن ابی طالب آن گونه لباس را در زمانی می پوشید که پوشیدن آن ناپسند نبود و اگر آن حضرت مثل لباس های امروزی را می پوشید، به آن شهره می شد. پس بهترین لباس هر دوره ای لباس مردم همان دوره است، ولی چون قائم قیام نماید لباس علی علیه السلام را خواهد پوشید و به روش او رفتار خواهد نمود.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمَنَا مَا أَقَامَ النَّاسُ عَلِيَّ الطَّلَاقِ إِلَّا بِالسَّيْفِ وَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سِيرَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام؛<sup>۲</sup> اگر قائم ما قیام کند مردم را جز با شمشیر بر طلاق بپا نخواهد داشت و این رویه را در پیش نگیرد مگر برای آنکه سیره علی بن ابی طالب را پیشه خود کند».

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۲. شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار عليهم السلام، ج ۳، ص ۳۷۳.

## روایات دسته دوم

دسته دیگری از روایات، از تفاوت سیره حضرت مهدی علیه السلام با سیره امیرالمؤمنین علیه السلام سخن می‌گویند. از جمله روایاتی که بر این مطلب دلالت دارند عبارتند از:

۱. حسن بن هارون نباط (نمط فروش) گزارش کرده است که:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَالِسًا فَسَأَلَهُ الْمُعَلِيُّ بْنُ خُنَيْسٍ أَيْسِيرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيٍّ فَقَالَ نَعَمْ وَذَاكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِيِّ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرْ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛<sup>۱</sup> من در محضر امام صادق علیه السلام نشسته بودم که معلی بن خنیس از آن حضرت پرسید آیا امام قائم علیه السلام هرگاه قیام کرد، رفتارش بر خلاف رفتار علی علیه السلام خواهد بود؟ حضرت در پاسخ وی فرمود: آری به جهت آنکه علی علیه السلام رفتارش منت نهادن و دست برداشتن (آزاد سازی مخالفین) بود، زیرا می‌دانست که پس از او شیعیانش مغلوب دست دشمن خواهند شد، ولی امام قائم که قیام کند برخوردش با آنان با شمشیر و کشتن و اسارت کردن است چون می‌داند که پس از او شیعه آن حضرت هرگز مغلوب دست دشمن نخواهد شد.

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۲.



۲. ابی بکر خضرمی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَسِيرَةُ عَلِيٍّ عليه السلام فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِيعَتِهِ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ إِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ لَسُبَّتْ شِيعَتُهُ قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْقَائِمِ أَيْسِرُ بِسِيرَتِهِ؟ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام سَارَ فِيهِمْ بِالْمَنْ لِمَا عَلِمَ مِنْ دَوْلَتِهِمْ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِيهِمْ خِلَافَ تِلْكَ السَّيْرَةِ لِأَنَّهُ لَا دَوْلَةَ لَهُمْ؛ از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: سیره و رفتار علی بن ابی طالب علیه السلام در مواجهه با اهل بصره از آنچه خورشید بر آن می تابد برای شیعیانش بهتر بود. او می دانست برای آن گروه قدرتی خواهد بود. پس اگر امام علی علیه السلام آنها را به اسارت می گرفت آنها نیز شیعیانش را اسیر می کردند. راوی می گوید: پرسیدم: آیا قائم علیه السلام نیز به سیرت امام علی علیه السلام رفتار خواهد کرد؟ فرمودند: خیر، همانا علی درود خدا بر او باد با آنها با گذشت رفتار نمود چون از به غلبه و قدرت رسیدن آنها آگاهی داشت امام قائم علیه السلام رفتاری غیر از این رفتار خواهد داشت چون آنها را پس از آن غلبه ای نخواهد داشت.

۱. المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۵؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۵۰.

۳. رُقید، غلام ابن هبیره گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

قَالَ لِي يَا رُقَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا  
فَسَاطِيطَهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ  
الشَّدِيدِ؟ قَالَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ؟ قَالَ: الذَّبْحُ. قَالَ قُلْتُ: بَأَيِّ  
شَيْءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ قَالَ:  
لَا يَا رُقَيْدُ إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام سَارَ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَهُوَ الْكَفُّ وَهُوَ  
يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِي  
الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ الذَّبْحُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ؛<sup>۱</sup> ای  
رفید، چگونه خواهی بود هنگامی که بینی یاران قائم  
خیمه‌هایشان را در مسجد کوفه بپا کرده‌اند آن‌گاه مثال جدید  
که بر عرب گران است بیرون آورده می‌شود؟ پرسیدم: فدایت  
شوم؛ مثال جدید چیست؟ فرمودند: کشتن. پرسیدم: قائم علیه السلام در  
میان آن‌ها چگونه رفتار خواهد کرد؟ آیا سیره علی بن ابی طالب  
در مواجهه با اهل عراق را خواهد داشت؟ فرمودند: خیر ای  
رفید، همانا علی علیه السلام با آن‌ها به آنچه در جفر  
سفید (خویشتن‌داری) بود رفتار نمود، زیرا می‌دانست به زودی  
پس از خودش شیعیانش مغلوب می‌شوند، ولی قائم علیه السلام به

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص ۱۵۵.

آنچه در جفر سرخ (کشتن) است رفتار خواهد نمود، زیرا می‌داند پس از آن هیچ‌گاه شیعیانش مغلوب نخواهند شد.

۴. این روایت از رفید بدین گونه نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رفید می‌گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَسِيرُ الْقَائِمُ بِسِيرَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ؟ فَقَالَ: لَأَ يَا رُقَيْدُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ سَارَ فِي أَهْلِ السَّوَادِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَإِنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ فِي الْعَرَبِ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ. قَالَ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَفْرُ الْأَحْمَرُ؟ قَالَ: فَأَمْرٌ إِصْبَعَهُ عَلِيٌّ حَلَقَهُ فَقَالَ: هَكَذَا يَغْنِي الذَّبْحُ؛ به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول الله! قربانت گردم آیا قائم به روش علی بن ابی طالب علیه السلام در میان اهل عراق رفتار می‌کند؟ فرمود: ای رفید علی بن ابی طالب علیه السلام مطابق آنچه در جفر سفید بود عمل می‌نمود، ولی قائم در میان عرب طبق آنچه در جفر سرخ است عمل می‌نماید. عرض کردم: قربانت گردم! جفر سرخ چیست؟ حضرت انگشت مبارک را به گلوی مبارکش کشید. یعنی با ذبح و کشتن دشمنان دین خدا، حکومت خواهد کرد.

بر پایه این گونه روایات، امیرمؤمنان علیه السلام در مواجهه با اهل بغی تنها

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ص ۱۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۳.

به دلیل رعایت مصلحت شیعیان با مدارا و عطوفت رفتار نموده است؛ چرا که این برخورد از سر مدارا و گذشت آن حضرت آثار فراوانی برای شیعیان داشته است. چنانکه امام صادق علیه السلام در گفتگو با عبدالله بن سلمان، آثار و حکمت‌های برخورد عطوفت آمیز حضرت علی علیه السلام با دشمنان را چنین بیان فرموده است:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ النَّاسَ يَرُؤُونَ أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام قَتَلَ أَهْلَ الْبَصْرَةِ وَ تَرَكَ أَمْوَالَهُمْ، فَقَالَ إِنَّ دَارَ الشُّرْكِ يَحِلُّ مَا فِيهَا وَ دَارُ الْإِسْلَامِ لَا يَحِلُّ مَا فِيهَا. فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام إِنَّمَا مَنَّ عَلَيْهِمْ كَمَا مَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى أَهْلِ مَكَّةَ وَ إِنَّمَا تَرَكَ عَلِيٌّ عليه السلام أَمْوَالَهُمْ لِأَنَّهُ كَانَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَكُونُ لَهُ شِيعَةٌ وَ أَنَّ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ سَتَظْهَرُ عَلَيْهِمْ فَأَرَادَ أَنْ يُقْتَدَى بِهِ فِي شِيعَتِهِ... وَ لَوْ قَتَلَ عَلِيٌّ عليه السلام أَهْلَ الْبَصْرَةِ جَمِيعاً وَ أَخَذَ أَمْوَالَهُمْ لَكَانَ ذَلِكَ لَهُ حَلَالاً لَكِنَّهُ مَنَّ عَلَيْهِمْ لِيَمَنَّ عَلِيٌّ عليه السلام شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ؛ مردم می‌گویند امام علی علیه السلام اهل بصره را کشت، ولی اموالشان را رها کرد. حضرت فرمودند: علی علیه السلام بر آنها شفقت ورزید هم‌چنان‌که پیامبر خدا صلى الله عليه وآله بر اهل مکه منت گذارد و همانا علی علیه السلام اموال آنها را رها کرد چرا که می‌دانست به زودی شیعیانی خواهد داشت و دولت باطل بر آنها تسلط خواهد یافت و علی علیه السلام خواست که در مورد

شیعیانش به او اقتدا شود. و اگر علی علیه السلام همه اهل بصره را می‌کشت و اموالش را می‌گرفت، این کار بر او حلال بود لکن حضرت بر آنها منت نهاد تا پس از او شیعیانش در امنیت زندگی کنند.

اما در زمان ظهور، سیاست مدهانه و مماشات با دشمنان پایان می‌یابد و امام مهدی علیه السلام با مخالفانش از موضع قهر و غلبه برخورد خواهند کرد. از این رو امام مهدی علیه السلام در مواجهه با خروج‌کنندگان بر آن حضرت روشی متفاوت با روش امام علی علیه السلام خواهد داشت؛ زیرا سیره امام علی علیه السلام مبتنی بر حکمت‌هایی بود مانند مغلوب شدن شیعیان که آن علت در زمان امام مهدی علیه السلام وجود نخواهد داشت.

### جمع بندی روایات

با تأمل در این دو دسته از روایات وارد شده در خصوص همانندی سیره حضرت مهدی با سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام می‌توان به جمع بندی رسید که سیره امام مهدی علیه السلام از نظر اصول و چار چوب کلی، بر پایه قرآن و سنت استوار است و با سیره رسول خدا و دیگر ائمه علیهم السلام یکی می‌باشد؛ اما در حیطة اجرای احکام و عمل به شئون مختلف دین، به دلیل تفاوت شرایط عصر ظهور با دوران صدر اسلام، تفاوت خواهند داشت. از این رو، دو دستگی روایات در این باره را می‌توان ناظر به این دو گونه‌گی شرایط گذشته و آینده و

تفاوت‌های جدی جامعه پیش از ظهور با جامعه عصر ظهور در تأسی و الگو پذیری از سیره الاهی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دانست. در حقیقت روایات دسته دوم، بیانگر آن است که در زمان حاکمیت مخالفان و محکومیت شیعه، شرایطی پدید آمده بود که جامعه شیعی در وضعیت تقیه قرار داشت، اما در عصر ظهور، امام مهدی علیه‌السلام همه این محدودیت‌ها را برداشته و اسلام و عدالت واقعی را حاکم می‌گرداند.

درباره دو دستگی روایات مربوط به سیره امام مهدی علیه‌السلام با سیره امیرمؤمنان علیه‌السلام نیز می‌توان گفت که امیرمؤمنان علیه‌السلام به خاطر رعایت تقیه و مصلحت اندیشی نسل‌های آینده شیعه، از اجرای حکم واقعی درباره اهل بغی خود داری کرد. آن حضرت با رفتار همراه با مدارا و منت خود بهانه اعمال خشونت علیه شیعیان را از دست زمامداران خون‌خوار اموی و عباسی خارج ساخت تا آن‌ها نتوانند به بهانه تبعیت از سیره امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و به انگیزه مقابله به مثل و فرونشاندن کینه‌های کهنه خود به تعقیب و گریز و کشتار شیعیان پردازند گرچه بدون این بهانه نیز از ظلم و بیداد بر شیعیان مظلوم چیزی فروگذار نکردند. اما عصر ظهور، زمان پایان یافتن رعایت تقیه است؛ زیرا تقیه یک روش تاکتیکی بوده است برای حفظ نیروها در شرایط سیطره اکثریت باطل و بیم از هدر رفتن نیروها، در حالی که در دوران حکومت جهانی امام مهدی علیه‌السلام هیمنه باطل شکسته می‌شود و

مؤمنان از امنیت کامل برخوردار خواهند شد هم‌چنانکه در آیه **﴿وَلَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾**<sup>۱</sup> امنیت فراگیر از مهم‌ترین شاخصه‌های دولت مهدوی شمرده شده است. و بیم‌شان را به ایمنی مبدل گرداند.

بر این اساس، میان روایاتی که بر همگونی همه‌جانبه سیرت علوی و مهدوی و روایاتی که بر تفاوت فی الجمله سیره امام علی علیه السلام و امام مهدی علیه السلام دلالت دارند، هیچ تعارضی نیست، چرا که میان عام و خاص و مطلق و مقید تعارضی وجود ندارد و جمع این دو دسته روایت به تقیید عموم و اطلاق دسته اول به وسیله احادیث دسته دوم است؛ یعنی امام مهدی علیه السلام در تمام ابعاد، سیرت و سنتی همانند امام علی علیه السلام خواهند داشت به جز مسئله مواجهه با کسانی که بر او خروج کرده و شوریده‌اند که در این خصوص شیوه‌ای نوین در پیش خواهند گرفت. با این عده در میدان کارزار مقاتله می‌شود و افزون بر این فراریانشان تعقیب شده از پا درمی‌آیند و مجروحانشان نیز کشته می‌شوند.

در این روایات، به فلسفه و حکمت این تفاوت‌ها به خوبی اشاره شده و امام علیه السلام کاملاً توضیح می‌دهد که چرا رفتار و سیره امام قائم علیه السلام

با سیره پیامبر اکرم ﷺ و حضرت امیر ﷺ تفاوت می‌کند. امام روشن می‌کند که شرایط تغییر کرده و شرایط زمان امام زمان ﷺ با زمان پیامبر اکرم ﷺ و امام علی ﷺ یکسان نیست؛ در نتیجه در رفتار او تغییر و تحولی دیده می‌شود. با تأمل و دقت در این روایات روشن می‌شود که امام کاملاً حقیقت را بازگو کرده و توضیح داده است.

بنابراین، تحلیل محتوایی این گونه روایات نیز نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها در شیوه‌های اجرایی احکام دین در شرایط مختلف، تا حدی طبیعی نیز هست؛ چراکه با طولانی شدن زمان غیبت و عدم دسترسی مردم به منبع معصوم، عوامل مختلف جهل و هواخواهی مردم سبب ایجاد بدعت‌هایی در دین می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تاویل و تفسیر می‌شود؛ بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌گردد به گونه‌ای که گویا اصلاً از اسلام نبوده است، لذا وقتی حضرت مهدی ﷺ ظهور می‌کند، بدعت‌ها را ابطال می‌کند و احکام خدا را به همان شکل که صادر شده ظاهر می‌نماید. حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند و چون در طول تاریخ، زمامداران نالایق و متظاهر به اسلام، پیرایه‌هایی به اسلام بسته‌اند و بدعت‌ها و تحریفات زیادی ایجاد می‌کنند، لذا اگر امام ﷺ حقیقت را آشکار کند مردم خیال می‌کنند مکتب جدید، روش جدید و قضاوت جدیدی غیر از اسلام آمده است. از این رو تازگی این



برنامه‌ها و روش‌ها نه به خاطر آن است که مذهب جدیدی با خود می‌آورد بلکه آن چنان اسلام را از میان انبوه خرافات و تحریف‌ها و تفسیرهای نادرست و تلقی‌های غلط بیرون می‌آورد که بنایی کاملاً نو و جدید جلوه می‌کند. و یکی از رسالت‌های آن حضرت پیرایش اسلام از این وصله‌ها و پیرایه‌ها و به تعبیر دیگر نوسازی و تجدید بنای شکوهمند آن است که مجموعه این نوسازی در عرصه‌های مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن چنان زیاد و دگرگون کننده است که در روایات از آن به «دین جدید» یا «روش جدید» تعبیر شده است.

در سخنی که امام صادق علیه السلام به ابو عبیده فرموده است نیز به این همگونی سیرت ائمه علیهم السلام اشاره شده است: «يَا أَبَا عَبِيدَةَ، إِنَّهُ لَأَيُّمُوتُ مِنَّا مَيِّتٌ حَتَّى يُخَلَّفَ مِنْ بَعْدِهِ مَنْ يَعْمَلُ بِمِثْلِ عَمَلِهِ، وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ، وَ يَدْعُو إِلَى مَا دَعَا إِلَيْهِ؛<sup>۱</sup> ای اباعبیده کسی از ما چشم از جهان فرو نمی‌بندد مگر این که پس از خود کسی را قرار می‌دهد که مانند او عمل می‌کند و به روش او رفتار می‌نماید و به آنچه او می‌خوانده فرامی‌خواند».

از این فرمایش امام صادق علیه السلام می‌توان نتیجه گرفت که میان سیره

امامان علیهم السلام نه تنها تعارض و تضاد وجود ندارد بلکه سیره یکایک  
امامان علیهم السلام بر محور سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استوار بوده و همه امامان  
معصوم علیهم السلام از سیرتی یکسان و سنت و شیوه‌ای همگونی برخوردارند.

\*\*\*

## بخش دوم: سیره مهدوی

اصول کلی در سیره و روش امام مهدی علیه السلام همان روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اجداد طاهرینش علیهم السلام می باشد، اگرچه در مقام اجرا در برخی روش ها بنا به تفاوت شرایط عصر ظهور با دوران پیشین صدر اسلام متفاوت است و حضرت حکم واقعی را به اجرا می گذارد در حالی که اجداد طاهرینش بنا به مصالحی، رویه مماشات و تقیه را در پیش می گرفت؛ اما در اصل تحقق آموزه های متعالی قرآن و سنت، سیره آن حضرت همانند سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برنامه دولتش، بازیابی عظمت قرآن و احیای آموزه های عالی اسلام است. حضرت مهدی علیه السلام با ظهور خود، با جاهلیت قدیم و جدید، برخورد می کند و ارزش های اسلامی و الهی را در جامعه عصر ظهور تحقق می بخشد؛ به همین دلیل آن حضرت، شرط بیعت خویش را، استواری مردم در

پیروی از آن حضرت برای اجرای برنامه‌ها و دستورات قرآن و سنت، قرار می‌دهد: «يُبَايِعُ الْقَائِمُ بِمَكَّةَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ؛<sup>۱</sup> مردم مکه با حضرت قائم علیه السلام بیعت می‌کنند تا بر طبق کتاب و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن حضرت پیروی نمایند».

حضرت مهدی علیه السلام تحقق بخش بشارت شیرینی است که خداوند منان به مستضعفان عالم وعده داده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾؛<sup>۲</sup> خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

آن حضرت، وارث همه پیامبران و اوصیاء علیهم السلام و مصداق کامل رهبر الاهی است؛ رهبری که محبوب مردم بوده و در بین آنها و مانند آنها زندگی می‌کند، دردهای آنها را به خوبی می‌شناسد و درمان آنها را می‌داند و تمام همت خود را برای بهبودی حال آنها به کار می‌گیرد و در این راه تنها به رضایت الاهی می‌اندیشد.

حذیفه بن یمان گوید: رسول خدا ﷺ به من فرمود:

يا حذيفه! إِذْ بَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَطَائِبِ عِزَّتِي وَ أَبْرَارِ ذُرِّيَّتِي  
عَدْلًا مُبَارَكًا زَكِيًّا لَا يُغَادِرُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ، يُعِزُّ اللَّهَ بِهِيَ الدِّينَ وَالْقُرْآنَ وَالْإِسْلَامَ  
وَأَهْلَهُ، وَ يُذِلُّ بِهِ الشُّرْكَ وَأَهْلَهُ، يَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذَرٍ، لَا يَغْتَرُّ بِقَرَابَتِهِ، لَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجَرٍ، وَلَا يَشْقَعِرُ أَحَدًا فِي  
وَلَايَتِهِ بِسُوطٍ إِلَّا فِي حَدٍّ، يَمْحُو اللَّهُ بِهِ الْبِدْعَ كُلَّهَا، وَ يُمِيتُ بِهِ  
الْفِتْنَ كُلَّهَا، يَفْتَحُ اللَّهُ بِهِ كُلَّ بَابِ حَقٍّ، وَ يَغْلِقُ بِهِ كُلَّ بَابِ بَاطِلٍ،  
يُرُدُّ اللَّهُ بِهِ سَبِيَّ الْمُسْلِمِينَ حَيْثُ كَانُوا، قُلْتُ: فَسَمَّ لَنَا هَذَا الْعَبْدُ  
الَّذِي قَدْ اخْتَارَهُ اللَّهُ لِأُمَّتِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ؟ فَقَالَ ﷺ: ... لَوْ لَمْ يَبْقَ  
مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَجَعَلَ اللَّهُ مِقْدَارَ مَا يَكُونُ فِيهِ جَمِيعَ مَا  
ذَكَرْتُ؛ أَي حذيفه، هنگامی که خدا مردی را از پاکیزگان و  
بهترین فرزندان من برانگیزد که عادل و مبارک و زکی است و  
به قدر ذره و مثقال خیانت نمی‌کند و خدا به وسیله او دین و

قرآن و اسلام و اهل آن را عزیز خواهد کرد و به واسطه او است که خدا شرک و اهل آن را ذلیل می نماید، او از خدا می ترسد و به واسطه قرابتی که به من دارد مغرور نخواهد شد. حرمتی را به حرمتی ضایع نمی کند، در زمان حکم فرمائی خود کسی را با تازیانه نمی زند مگر اینکه بخواهد حد جاری کند، خدا به وسیله آن بزرگوار کلیه بدعت‌ها را محو و نابود می نماید، فتنه‌ها را ریشه کن خواهد کرد، خدا به واسطه آن حضرت، باب حق را مفتوح و باب باطل را می بندد و اسرای مسلمین را هر جا که باشند به وسیله او به مکان خود باز می گرداند. عرض کردم: نام آن بنده‌ای را که خدا از ذریه تو برای امت تو برگزیده است برای ما بگو؟ فرمود: اسم او مانند اسم من و اسم پدرش چون اسم پدرم است، اگر از دنیا بیشتر از یک روز باقی نباشد خدا آن روز را به قدر این‌هائی که من گفتم قرار خواهد داد.

با توجه به گستردگی ابعاد سیره امام مهدی علیه السلام در این بخش با استفاده از آیات و روایات، به تبیین ابعاد گوناگونی سیره آن حضرت در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، می پردازیم.

### سیره فردی امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در سلوک شخصی و رفتار فردی خویش، همانند جدش رسول الله صلی الله علیه و آله برای همگان اسوه و الگوی نمونه است. آن

حضرت اگرچه حاکم مطلق همه جهان است اما همانند امیرمؤمنان علیه السلام حکومت در نگاه ایشان وسیله‌ای برای خدمت به بندگان خدا و تربیت مردم و رشد و تعالی جامعه به قله‌های کمال است، نه چیز دیگر.

آن حضرت سرآمد همه در علم و دانش و وجود نازنین شان چشمه‌سار برکت و پاکی است؛ با اینکه فرمانروای مطلق جهان است، اما این فرمانروایی و سلطنت بر دنیا، هرگز مانع از تهجد و عبادت آن حضرت نمی‌شود.

درباره عبادت و تهجد و شب زنده داری حضرت مهدی علیه السلام یحیی بن فضل نوفلی گوید: در بغداد محضر امام موسی بن جعفر علیه السلام رسیدم دیدم که حضرت پس از نماز عصر دستان مبارکش را به دعا برداشت و برای تعجیل فرج امام مهدی علیه السلام دعا فرمود. وقتی من از آن حضرت در این باره پرسیدم در پاسخ فرمود:

ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام ... أَسْمَرُ اللَّوْنِ يَغْتَاذُهُ مَعَ سُمْرَتِهِ  
صُفْرَةً مِنْ سَهَرِ اللَّيْلِ بَابِي مَنْ لَيْلَهُ يَرْعَى النُّجُومَ سَاجِداً وَ رَاكِعاً  
بَابِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْ مَةَ لَأَيْمٍ مِصْبَاحُ الدُّجَى بَابِي الْقَائِمُ بِأَمْرِ  
اللَّهِ! او مهدی علیه السلام از آل محمد علیه السلام است ... با وجود اینکه رنگ  
چهره اش گندمی است، بر اثر تهجد و شب زنده‌داری، رنگش به

زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شبها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را نظاره می‌کند. و پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا، سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای در او اثر نمی‌گذارد، هم او که روشنی بخش تاریکی است. پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می‌نماید.

امام رضا علیه السلام در توصیف روحیه تعبد امام مهدی علیه السلام در برابر خدای متعال فرمود: «يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛ او در برابر خدای جلیل از همگان متواضع تر است».

نیز آن حضرت در توصیف خشوع شدید حضرت مهدی علیه السلام در برابر خدا می‌فرمایند: «المهديّ خاشعٌ لله كخشوع النسر لجنّاحه؛ مهدی علیه السلام در برابر خداوند فروتن است، همچون عقاب در برابر بالش». در این کلام حضرت رضا علیه السلام، خشوع کردن حضرت مهدی علیه السلام در برابر خداوند به انعطاف پذیری شیشه تشبیه شده است، شاید منظور این باشد که همان طور که شیشه زود می‌شکند و خورد می‌شود همان طور هم مهدی علیه السلام در مقابل خدا خورد می‌شود و خشوع می‌نماید.

امام مهدی علیه السلام بسیار سخت کوش و بردبار و اهل صبر و مجاهدت و مبارزه و شتابنده به سوی نیکی‌هاست. در حدیث لوح که امام

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۲. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۱۵۳.



صادق علیه السلام آن را از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام و او از جابر بن عبد الله انصاری و او از حضرت فاطمه علیها السلام نقل کرده است، پس از بر شمردن دیگر اوصیای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امام مهدی علیه السلام چنین آمده است:

وَالْخَازِنَ لِعِلْمِي الْحَسَنَ الْعَسْكَرِيَّ علیه السلام ثُمَّ أَكْمِلُ دِينِي بِابْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبَهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ علیه السلام؛  
سپس خزانة دار علم من حسن عسکری و پس از او دینم به وسیله فرزندش محمد (حضرت مهدی) به کمال و فعلیت می‌رسد؛ همو که دارای کمال موسی علیه السلام و شکوه عیسی علیه السلام و شکیبایی ایوب علیه السلام است.

در دعایی که امام رضا علیه السلام شیعیان را به خواندن آن سفارش فرمود، درباره حضرت مهدی علیه السلام این گونه توصیف شده است:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَى بَرِّيَّتِكَ وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْعَائِدِ بِكَ عِنْدَكَ؛<sup>۱</sup> خدایا از ولی و خلیفه و حجتت بر مردم و زبان گویایی که با اذن تو و بر اساس حکمت تو سخن می‌گوید و

۱. الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۸.

۲. مصباح المتعبد، ج ۱، ص ۴۰۹؛ البلد الأمين و الدرع الحصین، ص ۸۱؛

بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۳۰.

چشم بیدار تو و گواه بر بندگانت وسخت کوش تلاشگر را در  
پناه خودت محافظت بفرما.

امام مهدی علیه السلام اهل سکینه و وقار است. حرث بن مغیره نصری گوید  
به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِمَ يُعْرَفُ صَاحِبُ  
هَذَا الْأَمْرِ؟ قَالَ: بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْعِلْمِ وَالْوَصِيَّةِ؛ چگونه صاحب مقام  
امامت شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: به آرامش دل و وقار و دانش  
و وصیت».

حضرت مهدی علیه السلام در استفاده از بیت المال و امور معیشت، قناعت و  
زهد را پیشه خود می‌کند و در امر خوراک و پوشاک درباره شخص  
خود بسیار سخت گیر و دقیق است، چنانکه در برخی روایات، سیره  
آن حضرت در پوشش و استفاده از غذاها، به شیوه جدش  
امیرمؤمنان علیه السلام تشبیه شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ لَبَسَ ثِيَابَ  
عَلِيِّ عليه السلام وَسَارَ بِسِيرَةِ عَلِيِّ عليه السلام؛ همانا قائم ما اهل بیت، آنگاه که قیام کند،  
لباس علی علیه السلام را بر تن خواهد کرد و بر سیره او عمل خواهد نمود».

---

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۹۰؛ الإمامة و التبصرة من الحيرة،  
ص ۱۲۸.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱؛ ج ۶، ص ۴۴۴.

يعقوب بن شعيب از حضرت صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود:

أَلَا أُرِيكَ قَمِيصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ بَلَى فَدَعَا بِقِمَظٍ  
فَفَتَحَهُ وَأَخْرَجَ مِنْهُ قَمِيصَ كِرَائِسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِي كُمَّهِ الْأَيْسَرِ دَمٌ  
فَقَالَ هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الَّذِي عَلَيْهِ يَوْمَ ضُرِبَتْ رَبَاعِيَّتُهُ وَ  
فِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ فَقَبَّلْتُ الدَّمَ وَوَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِهِ ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام وَرَفَعَهُ؛<sup>۱</sup> آیا نمی خواهی پیراهن قائم را که در آن قیام می  
کند به تو نشان دهم؟ عرض کردم: چرا می خواهم ببینم. حضرت  
دستور داد جعبه‌ای آوردند و در آن را گشود و یک پیراهن  
کرباسی از میان آن بیرون آورد و آن را باز کرد. دیدم آستین چپ  
آن خون آلود است. حضرت فرمود: این پیراهن پیامبر است که در  
روزی که دندان مبارکش را شکستند به تن داشت، قائم هم در  
روز ظهورش این را به تن می‌کند. من آن خون خشکیده را  
بوسیدم و آن را به صورت خود مالیدم. سپس حضرت پیراهن را  
پیچید و برداشت.

معلی بن خنیس از امام صادق عليه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِنَّ عَلِيًّا كَانَ عِنْدَكُمْ فَآتَى بَنِي دِيْوَانَ فَاشْتَرَى ثَلَاثَةَ أَثْوَابٍ بَدِينَارٍ...  
ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَزَلْ يُحَمِّدُ اللَّهَ عَلَى مَا كَسَاهُ حَتَّى  
دَخَلَ مَنْزِلَهُ ثُمَّ قَالَ: هَذَا اللَّبَاسُ الَّذِي يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِينَ أَنْ يَلْبَسُوهُ.

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۴۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ لَكِنْ لَا يَقْدِرُونَ أَنْ يَلْبَسُوا هَذَا الْيَوْمَ وَ لَوْ  
 فَعَلْنَا لَقَالُوا مَجْنُونٌ وَ لَقَالُوا مُرَاءٍ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ ثِيَابَكَ  
 فَطَهَّرُ قَالَ وَ ثِيَابَكَ اِرْفَعَهَا لَا تَجْرَهَا فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا كَانَ هَذَا  
 اللَّبَاسُ؛ همانا علی علیه السلام نزد شما بود، او نزد بنی دیوان آمده و سه  
 لباس به یک دینار خرید... سپس دست به آسمان بلند کرده و  
 پیوسته خداوند را بر آنچه به او پوشانده بود شکر می کرد تا  
 این که به منزل رسید و فرمود این همان لباسی است که سزاوار  
 است مسلمانان آن را بپوشند. امام صادق علیه السلام در ادامه فرمودند:  
 ولی امروز مردم نمی توانند آن لباس را بپوشند و اگر ما چنین  
 کنیم می گویند دیوانه است یا می گویند ریا می کند در حالی که  
 خداوند می فرماید: لباس را بالا بگیر و بر زمین نکش و چون  
 قائم ما قیام کند چنین لباسی خواهد بود.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهُ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ  
 إِلَّا الْجَشِيبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ چرا

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۵۶.

۲. الغیبه، نعمانی، ۲۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴. در نقل دیگر ابی بصیر از امام  
 صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِخُرُوجِ الْقَائِمِ فَوَ اللَّهُ مَا لِبَاسُهُ إِلَّا  
 الْغَلِيظُ وَ لَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ وَ مَا هُوَ إِلَّا السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ؛ چرا به  
 خروج امام قائم شتاب می کنید بخدا قسم به جز جامه ای درشت بافت نباشد و به جز

به فرا رسیدن خروج قائم شتاب می‌کنید، به خدا قسم لباس او جز جامه درشت و خشن نخواهد بود و غذایش جز خوراک ناگوار و ناخوش نباشد و به جز جامه‌ای درشت بافت نباشد و به جز کار زار با شمشیر و مرگ و کشتار چیزی نخواهد بود.

معمر بن خلّاد گوید:

ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا ع فَقَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْخَى بَأْأَ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا: وَ كَيْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمَنَا ع لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالنَّوْمُ عَلَى السُّرُوجِ وَ مَا لِبَاسُ الْقَائِمِ ع إِلَّا الْغَلِيظُ وَ مَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ؛ نزد امام ابی الحسن الرضا ع از قائم یاد شد، پس فرمود: شما امروز آسوده‌تر از آن روز هستید، عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما ع خروج کند جز لخته خون و عرق و بر روی زین‌های اسبان خفتن چیزی در کار نخواهد بود و لباس قائم ع جز جامه خشن و خوراک او جز غذای ناگوار و نامطبوع نخواهد بود.

حضرت مهدی ع با همه این سخت‌گیری‌ها برخوردارش در استفاده از بیت المال، با مردم برخورد سخاوت‌مندانه داشته و نسبت به آنان از همه دلسوزتر و مهربان‌تر است. امام رضا ع اوصاف و خصوصیات

غذای ناگوار نخورد و مرگ در سایه شمشیر است» (الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۳).

۱. الغیبة، نعمانی، ۲۸۵.

فردی امامان معصوم علیهم السلام را که حضرت مهدی علیه السلام یکی از آن بزرگواران است، چنین بر شمرده است:

يَكُونُ أَوْلَىٰ بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ  
أُمَّهَاتِهِمْ وَ يَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ؛<sup>۱</sup> او نسبت به  
مردم از خودشان اولی و احق است و از پدران و مادرانشان  
درباره ایشان مهربان تر و دلسوزتر و در برابر خدا از همگان  
متواضع تر است.

در زیارت صاحب الامر علیه السلام درباره ویژگی نصیحت و خیرخواهی آن  
حضرت نسبت به مردم آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَقِينَةَ النَّجَاةِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ؛<sup>۲</sup> سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده  
و خیر خواه و ای کشتی نجات بشریت و ای چشمه سار  
جاری حیات و زندگی.

\*\*\*

---

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۲. إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۸۵.

### سیره اخلاقی و تربیتی امام مهدی علیه السلام

صفات اخلاقی، فضایل و ملکاتی است که در نفس انسان رسوخ کرده و حالت ماندگار دارد. مراد از اخلاق، ملکه‌ای در نفس یا مجموعه خصلت‌های روحی و نفسانی و باطنی انسان است که منشأ صدور رفتار ظاهری و افعال خیر یا شر، بدون تفکر و تدبر می‌شود.

کاربرد سیره اخلاقی درباره ائمه معصوم علیهم السلام به معنای شناخت سبک، روش و قواعد خاص رفتار امامان معصوم علیهم السلام است که از جنبه‌های گوناگون زندگی آنان قابل استنباط است.

منظور از سیره تربیتی در این جا، دستیابی به قواعد، سبک‌ها و روش‌هایی است که امام مهدی علیه السلام در عرصه‌های مختلف علمی، تربیتی، مدیریتی و غیره از خود بروز می‌دهد. پس رفتاری که از امام سرزده است، چه در محیط فردی و عبادی و چه در محیط اجتماعی و تربیتی به منظور اثرگذاری بر دیگران، منشأ استخراج سبک و روش کلی رفتاری ایشان قرار می‌گیرند.

بنابراین، مقصود از سیره تربیتی امام مهدی علیه السلام عبارت است از هر گونه رفتاری که آن حضرت برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان، اصحاب و غیر اصحاب، کودک و بزرگسال و فرزندان و خانواده خود یا دیگران، در

محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام می دهند. در جامعه مهدوی تربیت و فرهنگ از شأن بالاتری برخوردار است و اقتصاد و ثروت، رنگ حکمت و فرهنگ و قرب به خود می گیرد و توزیع عادلانه آگاهی ها و معرفت ها و مناصب اجتماعی تابع فرهنگ و زمینه ساز تربیت اجتماعی خواهد بود.

در دولت مهدوی، جامعه بشری به سمت و سوی بصیرت، معنویت، تقواگرایی و اخلاق متعالی پیش می رود و بسیاری از انحراف ها، فسادها و رذایل اخلاقی، پوچی ها و بی بندوباری ها از جامعه رخت برمی بندد و بدین سان آسایشی را عرضه می دارد که بشر قرن ها به دنبال آن بوده است و آدمی در سایه آن به تکامل روحی و ادراکی ره می یابد.

در حکومت دین مدار و فضیلت پیشه مهدوی، با اینکه نعمت های مادی فراوان است، مفهوم لذت، نیاز، کمال و ابتهاج تغییر کرده و در راستای قرب و کمال شکل می گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَبَشِّرُوا بِالْمَهْدِيِّ (قَالَهَا ثَلَاثًا) يَخْرُجُ عَلَيَّ حِينَ اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زُلْزَالٍ شَدِيدٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛ شما را به قیام مهدی



مژده می‌دهم (سه بار فرمود)، هنگامی که مردم به جان هم افتند و زلزله سختی پدید آید او ظهور خواهد کرد. زمین را از عدل و داد پر کند چونانکه از ظلم و جور پر شده باشد.

در پرتو تربیت مهدوی، جامعه عصر ظهور از نظر تکامل و بلوغ روحی به مدارج عالی و شایسته نائل می‌شود. جنگ و نزاع و کینه توزی از نابخردی و پایین بودن سطح فرهنگ انسانی سرچشمه می‌گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود، و روابط اجتماعی بر اصل انساندوستی و نوع خواهی استوار می‌گردد، محبت در سطح جامعه بشری گسترش می‌یابد، و آرمان دیرینه انسان دوستان و جامعه شناسان یعنی گسترش دوستی به سراسر جامعه بشری تحقق می‌یابد.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»<sup>۱</sup> چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل بندگان بیرون می‌رود».

حضرت مهدی علیه السلام نماد اخلاق حسنه و مظهر علم، حکمت، سخاوت، شجاعت، حلم، تقوی و عبودیت است. امام رضا علیه السلام فرمود: «يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ

---

۱. الخصال، ص ۶۲۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

وَ أَسْخَى النَّاسِ وَ أَعْبَدَ النَّاسِ؛ او دانشمندترین مردم و حکیم ترین مردم و پرهیزگارترین مردم و حلیم ترین مردم و شجاع ترین مردم و سخی ترین مردم و عابدترین مردم است.»

ویژگی ها و منش اخلاقی امام مهدی علیه السلام همانند جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در همه جهات اسوه حسنه و نماد اخلاق نیکو است. برخی از شباهت های خَلْقی و خُلُقی آن حضرت با جدش رسول الله صلی الله علیه و آله در روایات بیان شده است.

همانندی ویژگی های اخلاقی حضرت مهدی علیه السلام با ویژگی های اخلاقی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از زبان خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام این گونه توصیف شده است: جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «الْمَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا»؛ مهدی از فرزندان من است، نام او همان نام من و کنیه او مانند کنیه من است، او از جهت خَلْق (خلقت ظاهری و جسمانی) و خُلُق (خصلت ها و صفات باطنی) شبیه ترین افراد به من است.»

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۸.

۲. الإمامة و التبصرة من الحيرة، ص ۱۲۰؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۴.

در سخن دیگر فرمود: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِي<sup>۱</sup>؛ شبیه‌ترین مردم به من است». نیز فرمود: «أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَأَقْوَالِهِ وَأَفْعَالِهِ<sup>۲</sup>؛ شبیه‌ترین مردم به من در قیافه و گفتار و رفتار است».

احمد بن اسحاق قمی گوید: از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي  
مَا أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ خُلُقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ  
تَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ وَ يُظْهِرُهُ فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ  
جَوْرًا وَ ظُلْمًا<sup>۳</sup>؛ سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا  
آنکه جانشین مرا به من نشان داد، او از نظر آفرینش و اخلاق  
شبیه‌ترین مردم به رسول خداست. خدای تعالی او را در  
غیبتش حفظ فرماید، سپس او را آشکار کند و او زمین را پر از  
عدل و داد فرماید، هم چنانکه مملو از جور و ستم شده باشد.

امیرمؤمنان علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

---

۱. کفایة الأثر، ۱۲۱.  
۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۷.  
۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۰۸؛ کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۹۵.

نَظَرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عليه السلام إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَالَ إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ  
كَمَا سَمَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَيِّدًا وَ سَيُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ رَجُلًا بِاسْمِ  
نَبِيِّكُمْ يُشْبِهُهُ فِي الْخَلْقِ وَالْخُلُقِ؛ این فرزندم سرور و آقاست  
چنانکه رسول خدا صلى الله عليه وآله او را این گونه نام گذاری کرده است و  
به زودی از نسل او مردی که همنام پیامبر شما است متولد  
خواهد شد که در صورت و سیرت شبیه پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله است.

در روایات دیگر نیز آمده است: «أشبهه الناس برسول الله صلى الله  
عليه وآله<sup>۱</sup>؛ شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلى الله عليه وآله در سیرت و صورت و  
زیبایی و جمال است».

### سیره دینی امام مهدی علیه السلام

سیره دینی امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور همان سیره جدش  
پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله است، چرا که مأموریت اصلی خاتم اوصیاء علیهم السلام تحقق کامل  
دین پیامبر خاتم صلى الله عليه وآله و تعالی و شکوفائی جامعه دینی در عصر ظهور  
است، زیرا اگرچه اکمال و اتمام دین از نظر بیان و تبلیغ با بعثت  
مقدس پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله شکل گرفت، اما در زمان بعثت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله  
شرایط برای اجرای کامل آن، به نحو جهانی و برای جمیع بشریت

۱. الغیبة، نعمانی، ص ۲۱۴. در نقل شیخ طوسی این گونه آمده است «فیشبهه فی الخلق

والخلق؛ پس در صورت و سیرت، شبیه پیامبر صلى الله عليه وآله است». الغیبة، طوسی، ص ۱۹۰.

۲. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۱۴۸.

مهتیا نبوده است، از این رو اجرای کامل آن در سطح جهانی، به وسیله آخرین وصی پیامبر اکرم ﷺ، حضرت مهدی ﷺ انجام می پذیرد.

### الف) احیای دوباره اسلام

امام مهدی ﷺ احیاکننده معارف فراموش شده دین و تحقق بخش کامل احکام اسلام است، همان احکام نورانی که پیش از او مهجور مانده و یا به زیاده و نقصانی آمیخته شده بود و آن حضرت با قیام خود دین را از افکار بشری غیر صحیح غبارروبی می کند. از این رو در برخی روایات از آن حضرت به عنوان مجدد اسلام و احیاگر احکام قرآن یاد شده است.

امام صادق ﷺ به اسحاق بن عمار فرمود:

إِنَّ لِلْقُرْآنِ تَأْوِيلًا فَمِنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ فَإِذَا وَقَعَ  
التَّأْوِيلُ فِي زَمَانٍ إِمَامٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ عَرَفَهُ إِمَامٌ ذَلِكَ الزَّمَانِ؛ هَمَا نَا  
برای قرآن تأویل‌هایی است که برخی آمده است و برخی دیگر  
هنوز نیامده است. هرگاه تأویل آن در زمان یکی از ائمه ﷺ  
بباید فقط امام آن زمان تأویل آن را می داند.

امام صادق ﷺ درباره قرآن فرمود:

إِنَّ الْقُرْآنَ حَتَّىٰ لَمْ يَمُتْ وَإِنَّهُ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَ  
 كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَيَجْرِي عَلَيَّ آخِرِنَا كَمَا يَجْرِي عَلَيَّ  
 أَوْلِنَا؛ همانا قرآن همیشه زنده و هرگز نمی میرد و همانند شب  
 و روز و گردش خورشید و ماه همواره جاری است، همان  
 گونه که بر نخستین ما جاری بود بر آخرین ما نیز جاری است.

امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک بن ضمیره، درباره اجتماع مردم در محور  
 دین واحد در زمان ظهور توسط حضرت مهدی علیه السلام، فرمود:

يَا مَالِكَ بْنَ ضَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا؟ وَ شَبَّكَ  
 أَصَابِعَهُ وَ أَدْخَلَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ. فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ  
 ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ؟ قَالَ: الْخَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ  
 قَائِمُنَا فَيَقْدِمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَيَّ اللَّهُ وَ عَلَيَّ رَسُولُهُ صلوات الله عليهم  
 فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَيَّ أَمْرٍ وَاحِدٍ؛ ای مالک چگونه خواهی  
 بود هنگامی که شیعه، این چنین (و انگشت‌هایش را در میان  
 یک دیگر کرد و درهم و برهم نمود) با هم اختلاف کنند.  
 عرض کردم: یا امیرالمؤمنین در چنین هنگام خیری وجود  
 نخواهد داشت. فرمود: ای مالک همه خیر در آن هنگام است،  
 زیرا که قائم ما قیام می‌کند و هفتاد نفر را که به خدا و رسول او

۱. بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۴۰۴.

۲. الغيبة، نعمانی، ۲۰۶.

دروغ می‌بسته‌اند پیش می‌کشد و به قتل می‌رساند، سپس خداوند همه آنان را بر محور یک امر گرد می‌آورد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَ هَدَاهُمْ إِلَى أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدِي إِلَى أَمْرٍ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ؛<sup>۱</sup> چون قائم علیه السلام قیام کند، مردم را به اسلام جدید دعوت می‌فرماید و به امری که کهنه شده و جمهور مردم از آن گمراه مانده‌اند، هدایت می‌کند و او بدان جهت مهدی علیه السلام نامیده شده چون که به چیزی هدایت می‌کند که گم شده است و او را از آن جهت قائم علیه السلام می‌نامند که قیام به حق می‌فرماید.

در روایت دیگر آن حضرت درباره احیاءگری دینی امام مهدی علیه السلام فرمود:

يَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛<sup>۲</sup> همان کاری که رسول خدا صلى الله عليه وآله انجام داد، انجام می‌دهد و برنامه‌های نادرست پیشین را ویران می‌سازد و اسلام را نوسازی می‌کند، همان‌گونه که پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله عادات جاهلیت را ویران ساخت.

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۵.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۳۶؛ شرح الاخبار، ج ۳، ص ۵۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۳.

بدون شک در این گونه روایات، مراد از تجدید اسلام، آیین تازه و راه و روش جدیدی غیر از اسلام نیست، زیرا همان گونه که تمامی ائمه علیهم السلام از سنت و سیرت واحدی برخوردار بوده‌اند و شیوه زندگی همه امامان معصوم علیهم السلام بر پایه سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله استوار بوده است، دین و سیره حضرت مهدی علیه السلام نیز چیزی جز همان دین و سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نخواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین تعبیرهایی مانند آئین نو و جدید و روش تازه، برای آن است که احکام و معارف فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، در گذشته بنا به عللی تبیین نگشته است یا متناسب با سطح فرهنگ و فکر اجتماعات گذشته نبوده و یا زمینه عملی آنها وجود نداشته است. باز گویی چنین معارف و علوم و مسائلی، بی‌گمان برای جامعه اسلامی، ناشناخته خواهد بود و چون امام مهدی علیه السلام این تعالیم را از ظاهر و باطن قرآن کریم استنباط می‌کند و به مردم می‌آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب جدید انگاشته می‌شود. و چون تعالیم و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است، به گونه‌ای که در جامعه‌های اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است، لذا طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می‌شود.



همچنین بسیاری از اصول و احکام دینی دچار تحریف و دگرگونی معنوی یا موضعی گشته و امام آن‌ها را چنانکه در اسلام اصیل بوده است دیگر باره مطرح می‌سازد، و تحریف و انحرافهای روی داده را روشن می‌کند و مفهوم حکم یا جایگاه آن رامشخص می‌سازد، و این با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه جدید و راه و روش تازه حساب می‌شود.

براین اساس، معنای آیین تازه و کتاب جدید، این چگونگی‌ها است. از این رو می‌توان گفت بیشترین مسائلی را که امام مورد توجه قرار می‌دهد و برای جامعه‌های اسلامی تازه و جدید جلوه می‌کند و ناشناخته و ناآشنا می‌نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است، یعنی موضوعی که انسان گذشته سخت نیازمند به آن بوده و بدان نرسیده است. و همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می‌دهد و اجرای آن یعنی برقرار سازی عدل و دادگری در سراسر گیتی، از اقدامهای اصلی امام مهدی علیه السلام خواهد بود.<sup>۱</sup>

بنابراین، سیره دینی امام مهدی علیه السلام بر اساس حاکمیت دین اسلام و اجرای عدالت استوار است، در دولت عدل مهدوی، اندیشه واحدی

مبتنی بر آموزه‌های اسلام بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش و برنامه‌ها نیز یکی است و مردم همه به سوی سعادت و صلاح حرکت می‌کنند.

### ب) بازگشت به قرآن

دوران ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام بدون شک، نقطه عطف تاریخ بشر به آموزه‌های قرآنی است، همان گونه که وجود مبارک امیرمؤمنان علی علیه السلام دوران ظهور حضرت قائم علیه السلام را نقطه عطف تاریخ به سوی برنامه‌های قرآن، معرفی کرده است:

يُعْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَ يَعْطِفُ  
الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛<sup>۱</sup> او با محور قرار  
دادن قرآن، نظرات و خواسته‌های افراد را به سوی قرآن جلب  
کرده با محک قرآن می‌سنجد، آنگاه که مردم قرآن را مستمسک  
و محملی برای پندارها و توجیه خواسته‌ها و تمایلات خود  
قرار داده‌اند.

این کلام امام علی علیه السلام، به توجیهاات و تأویلهای و برداشتهای نادرست  
از قرآن اشاره دارد که جامعه اسلامی در طول دوران غیبت، در اثر  
نبودن مفسر واقعی قرآن، دچار چنین بدآموزی‌ها و تحریف‌هایی

---

۱. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۹؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۸۷.

می‌شوند. آنچه امروزه در اصطلاح به عنوان «نقطه عطف» به کار می‌رود، برگرفته از همین بیان نورانی می‌باشد. اگر مسیر حرکت جوامع انسانی همچون خطی باشد که در مسیر خود ناگزیر رو به سویی دارد و به سمت غایت و مطلوبی در حرکت است و حوادث اساسی در تاریخ زندگی بشر را هم که هر از گاهی به وقوع می‌پیوندد، بسان نقاطی برجسته بر روی آن در نظر گیریم، خواهیم دید که برخی حوادث (صرف نظر از بار ارزشی آنها) مسیر حرکت جامعه بشریت را تغییر داده و قافله انسانی را به سمت و سویی دیگر جهت بخشیده‌اند؛ گوئیا این خط را به سمت قبله‌ای که خاص آنهاست خم کرده و از مسیر قبلی برگردانده‌اند. این گونه حوادث مهم و اثرگذار را «نقطه عطف» می‌نامند.

گاهی جهت‌گیری و نقطه عطف، بازگرداندن مسیر جامعه انسانی از «عدل» به «ظلم» و «علم» به «جهل» می‌باشد، چنین نقطه عطفی، جز به سقوط جامعه بشر نمی‌انجامد. کسانی که چنین نقاط عطفی در جوامع ایجاد می‌کنند، یا اساساً وحی را انکار می‌کنند و به کناری می‌نهند؛ یا آن را بر اندیشه خام خود عطف کرده و «باوری بی‌بنیان» را به نام دین به جامعه ارائه می‌دهند و مصداق کسانی می‌شوند که

﴿يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾<sup>۱</sup> اینان، هدایت را بر هوس و کلام خدای سبحان را بر رأی خود عطف می‌کنند و از آنجا که معطوف همواره تابع معطوف علیه و فرع بر اوست، رأی خویش را اصل پنداشته و کلام الهی را بر محور زعم خویش تأویل می‌کنند.

در برابر این گروه، انبیای الهی علیهم السلام و امامان معصوم علیهم السلام و برخی از شاگردان آنان نیز تأثیراتی عمیق و حیات‌بخش در تاریخ بشر داشته و جریان حرکت جوامع انسانی را از انحطاط و تیرگی به سوی نور و رستگاری معطوف کرده‌اند. این نقاط درخشان تاریخ، گرچه در سمت و سو بخشیدن به جوامع انسانی به سوی قله‌های واحد همداستان بوده‌اند، دامنه تأثیرشان در گوشه‌های از زمین و زاویه‌های از زمان متفاوت بوده است. ظهور وجود مبارک امام عصر علیه السلام همان نقطه عطف جهان شمولی است که جریان جامعه بشر را در گستره‌ای به وسعت تمامی زمین و تمامیت زمان خود، به سوی هدایت و تعالی معطوف می‌دارد.

فضیل بن یسار گوید: امام صادق علیه السلام درباره دشواری‌های پیش روی حضرت مهدی علیه السلام و مقابله ایشان با توجیهاات دینی مردمان خود

۱. سوره بقره، آیه ۷۹.

خواه، فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ. قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخُشْبَ الْمَنْحُوتَةَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ؛ آزاری که قائم ﷺ به هنگام رستاخیز خویش، از جاهلان آخرالزمان بیند، بسی سخت تر است از آن همه آزار که پیامبر اکرم ﷺ از مردم جاهلیت دید. راوی می گوید: گفتم این چگونه می شود؟ امام فرمود: پیامبر به میان مردم آمد در حالی که ایشان سنگ و صخره و چوب و تخته های تراشیده شده را می پرستیدند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند مردمان همه از کتاب خدا برای او دلیل می آورند و آیه های قرآن را تاویل و توجیه می کنند.

از آن جا که دو جنبه علم و عمل یا اندیشه و انگیزه، تأمین کننده تمام فراز و فرودهای جوامع انسانی است، وجود مبارک امام عصر ﷺ در هر دو جنبه تأثیری شگرف می نهد و نقطه عطفی نهایی می آفریند. در بُعد اندیشه و علم، آن حضرت با اثاره عقول بشر، حس و خیال و وهم را تحت فرمانروایی عقل و عقل را نیز به خدمت وحی

درمی آورد و به نور کلام الاهی هدایت می کند؛ بدینسان تمامی مجاری ادراکی جامعه را به حق معطوف می کند و به تعالی می رساند. در بعد انگیزه یا عمل نیز گرایش‌ها و گریزها، جذب‌ها و دفع‌ها، شهوت‌ها و غضب‌ها را تحت اراده و اداره عقل عملی می‌برد و آن‌گاه عقل عملی را به رهبری وحی تکمیل و تتمیم می‌سازد و بدینسان هر کجراه‌های را بر راه مستقیم نور و هدایت منعطف می‌کند و بدین‌گونه جهانی‌ترین نقطه عطف عالم بشر را شکل می‌دهد؛ نقطه عطفی که هوای نفس را بر هدایت و آرای بشر را بر محور وحی برمی‌گرداند و سعادت جامعه بشر را تأمین می‌کند.<sup>۱</sup>

طبیعی است که در چنین فضای آکنده از اخلاق و نورانیت که روابط فردی و اجتماعی بر پایه تربیت و اخلاق و آموزه‌های دینی و قرآنی، شکل می‌گیرد، ریشه‌های فساد و تباهی خشکیده و فضایل اخلاقی جای‌گزین آن خواهد شد.

### ج) برداشتن تقيه

عصر ظهور امام مهدی علیه السلام عصر اقتدار و عظمت شیعه در جهان است. از این رو در عصر تقيه که به خاطر حفظ جان شیعه به عنوان

---

۱. امام مهدی موجود موعود علیه السلام، ص ۲۶۸.

یک روش اضطراری در طول تاریخ شیعه بر پیروان اهل بیت علیهم السلام حاکم بود با ظهور آخرین حجت الاهی حضرت مهدی علیه السلام رخت بر بسته و جامعه شیعی در اوج شکوه و عزت زندگی خواهند کرد. در آن زمان اساساً زمینه‌ای برای تقیه نمی‌ماند.

امام صادق علیه السلام سده ذوالقرنین در قرآن را بر تقیه در دوران قبل از ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام تطبیق کرده است. مفضل بن عمر گوید:

سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ: ﴿أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾<sup>۱</sup> قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّقِيَّةُ. ﴿فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا﴾<sup>۲</sup> قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا إِذَا عَمِلَ بِالتَّقِيَّةِ لَمْ يَقْدِرُوا فِي ذَلِكَ عَلَى حِيلَةٍ وَ هُوَ الْحِصْنُ الْحَصِينُ وَ صَارَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَعْدَاءِ اللَّهِ سَدًّا لَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُ نَقْبًا<sup>۳</sup>؛ اما با ظهور آن حضرت هر یا جوج و مأجوج صفتی یا ساکن و یا ساکت می‌گردد و جایی برای سدسازی با تقیه نیست.

نیز آن حضرت وعده الاهی را که سبب برجیده شدن آن سده می‌شود، بر قیام آخرین حجت الاهی علیه السلام و روز ظهور او تطبیق فرموده

---

۱. سوره کهف، آیه ۹۵.

۲. سوره کهف، آیه ۹۷.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۱.

است: «وَسَأَلْتَهُ عَنْ قَوْلِهِ ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ﴾<sup>۱</sup> قَالَ عليه السلام: رَفَعَ التَّقِيَّةَ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ؛ هُنْكَامَ قِيَامِ قَائِمٍ عليه السلام تَقِيَّةَ برداشته می‌شود و از دشمنان خدا انتقام گرفته می‌شود».

با برپایی حکومت عدل و حق به دست آخرین حجّت خدا نه تنها پایانی بر شرک و بت‌پرستی، بلکه پایانی بر تجمّلات و تشریفات زائدی است که نه تنها راهگشای سعادت بشری نیست، بلکه رهنز اوست؛ به ویژه تشریفات و تجمّلاتی که راه عقل بشر را از فهم عمیق دین و عمل بر طبق آن به بیراهه ظاهرگرایی منحرف می‌سازد، چرا که سعادت بشر در گرو دینداری است و تقویت دینداری، در خوب فهمیدن و درست عمل کردن و خوب حمایت کردن از دین است؛ نه تشریفاتِ چون تذهیب و نوشتن متن وحی به آب طلا یا تزیین و تذهیب تجمّلاتی مساجد و کارهایی که صبغه ریا و تظاهر دارد.

### (د) اصلاح انحرافات

از کارکردهای مهم دیگر امام مهدی علیه السلام در عرصه دینی، زدودن بدعت‌ها، تصحیح انحرافات و حذف برداشت‌های غیراسلامی و نادرستی است که به نام اسلام و به مرور زمان به جامعه القا شده و در

۱. سوره کف، آیه ۹۸.

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۰۷.



مبانی دین تحریف معنوی یا موضعی پدید آورده است.

از روایت‌هایی که حرکت‌های فکری و فرهنگی حضرت را در عصر ظهور بیان می‌کند، دانسته می‌شود که در این روزگار توجیهات، تأویلات، تحریفات، انحرافات و پیرایه‌ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب را تهدید می‌کند و ساخته‌های ذهنی مدعیان دین، به عنوان باورهای دینی ترویج می‌شود. در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شود که گویا اصلاً از اسلام نبوده است. وقتی حضرت ظهور می‌کند، بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا را به همان گونه که صادر شده ظاهر می‌نماید و حدود اسلامی را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛ هیچ بدعتی نمی‌ماند مگر این که مهدی علیه السلام آن را از بین می‌برد و هیچ سنت تعطیل شده‌ای نیست مگر آنکه آن را برپا می‌کند».

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

---

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۴؛ جامع الاحادیث الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۸۱.

الْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابُهُ يُمَلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ  
الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّقَّةُ  
الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ لِلظُّلْمِ؛<sup>۱</sup> حضرت مهدی علیه السلام و یاران او هستند  
که خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد  
نمود و دین را به دست آنها غالب می‌کند و باطل و دین‌های  
ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می‌دارد چنانچه  
پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت  
کشیده است؛ به طوری عدالت گسترش می‌یابد که اثری از ظلم  
باقی نمی‌ماند.

در دعای ندبه چنین می‌گوییم: «أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ؟»  
کجاست آن آقای که برای اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی  
مورد انتظار است؟».

با توجه به این که گذشت قرن‌ها و غرض ورزی‌های گوناگون در  
خلال دوران تاریخ گذشته اسلام، و غیبت مفسر واقعی قرآن و  
بدآموزی حکومت‌های به ظاهر اسلامی و تفسیرها و برداشت‌های  
ارتجاعی روحانیان کوتاه فکر و واپس‌گرا، یا وابسته به دربارها و  
قدرت‌های مسلط سیاسی، یا جیره خوار طبقات مرفه و اشراف و

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲. المزار الکبیر، ابن المشهدی، ص ۵۷۹.

سرمایه داران، دگرگونی‌هایی را در مفاهیم قرآنی و آموزش‌های اسلامی پدید آورده است، به گونه‌ای که چه بسیار آیات و احادیث و احکام را به سود خود و به نفع طبقات مرفه تفسیر کردند، و معنا یا موضع احکام الهی را دچار تحریف و انحراف ساختند؛ نیاز به آمدن چنین مصلحی به خوبی احساس می‌شود.

جریان خودرأی و تفسیر به رأی در مورد قرآن و احکام الهی مخصوص دوران خاصی نیست، بلکه از زمان رحلت پیامبر اکرم ﷺ چیزی نگذشته بود که این کار آغاز شد، و حکومت‌گران ضروری دیدند که بخشی از تعالیم قرآنی و نبوی را برای استقرار حاکمیت خویش دگروار و واژگونه تفسیر کنند. و بر این کار افرادی به ظاهر عالم و حدیث شناس گمارده شدند و راه برای بازی با دین و آیین خدا بازگشت و ادامه یافت، و این تا سپیده دم ظهور و قیام مفسر واقعی قرآن حضرت مهدی ﷺ ادامه خواهد داشت، و با مانعی جدی روبرو نخواهد گشت. در این دوران طولانی هر فرقه و دسته و گروهی بر طبق امیال و خواسته‌های خود قرآن و احادیث را توجیه کردند، و آیه‌های قرآن و سخنان پیامبر اکرم ﷺ و امامان را با همان تفسیرهای انحرافی به مردم آموزش دادند، و در بسیاری از موارد معانی انحرافی و تفسیرهای نادرست چنان جا افتاده و در ذهنها جایگزین گشت، که به دشواری می‌توان اصل دین را از زیر لایه‌های

غلیظ افکار و اندیشه‌های انحرافی بیرون آورد، و به راحتی به بازشناسی دین سره و خالص پرداخت. این جریان یکی از موانع بزرگ در سر راه امام مهدی علیه السلام است، زیرا که در این جریان امام تنها با توده‌های ناآگاه رویاروی نیست، بلکه عاملین اصلی توجیه‌ها و تأویل‌ها و انحراف‌ها و تحریف‌ها نیز پشت سر آنان قرار دارند و همواره به تحریک افکار و فتنه‌گری مشغولند.<sup>۱</sup>

### هـ) حاکمیت فراگیر دین اسلام

همان گونه که دین اسلام آخرین دین الاهی و جهانی است، حضرت مهدی علیه السلام نیز عهده دار تحقق این دین در جهان است و رسالت او همانند رسالت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله جهانی است. عناصر محوری رسالت آخرین ذخیره الاهی، همان عناصری است که در رسالت تمام انبیا بوده است.

در دنیای کنونی اگرچه جلوه‌هایی از دین‌داری به چشم می‌خورد و بیشتر جمعیت جهان از متدینان به یکی از ادیان ابراهیمی‌اند، اما در روزگار حکومت آن حضرت، گرایش عمومی بشر به حق و عدل که جوهره اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است، بزرگ‌ترین جلوه‌های دین‌داری

را می‌آفریند، به گونه‌ای که تمام انسان‌ها تحت پرچم اسلام ناب که در دست آخرین حجت‌الاهی است گرد می‌آیند.

بر همین اساس، امام صادق علیه‌السلام رسالت امام عصر علیه‌السلام را همسان با رسالت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر انبیا، انهدام رسوم جاهلی و حاکمیت یکپارچه توحید در جامعه بشری می‌داند. رِفاعه بن موسی گوید: «از امام صادق علیه‌السلام شنیدم که در تفسیر آیه ﴿وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾<sup>۱</sup> فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَنَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»<sup>۲</sup> هنگامی که مهدی علیه‌السلام قیام کند، زمینی نمی‌ماند مگر این که در آن جا بانگ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بلند می‌شود».

برای تحقق این رسالت بزرگ، گام نخست واژگون کردن حاکمان خود کامه و سلطه طلب از اریکه قدرت و تشکیل مدیریت قدرتمند مرکزی است. این مدیریت به تربیت انسان‌ها می‌پردازد و اصول والا و ارزش‌های متعالی الاهی را در سراسر آبادی‌های زمین نشر می‌دهد و یگانگی‌ها، یکدلی‌ها، محبت‌ها و ایثارها را جایگزین بیگانگی‌ها، کینه توزی‌ها و خود خواهی‌ها می‌سازد. به همه انسان‌ها و همه اجتماعات

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۲.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

یکسان می‌نگرد و مساوات و عدالت را در همه پهنه گیتی حاکم می‌سازد و همه امتیازها را زیر پا می‌نهد. و این چنین است که حکومت فراگیر می‌شود و مورد پذیرش همه آحاد انسانی قرار می‌گیرد. از این رو، امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم علیه السلام ظهور و قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».

با عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام نه تنها توحید و معنویت و ایمان به الله و پرستش یگانه معبود حقیقی عالم، سراسر جهان را می‌گیرد بلکه توحید ناب و کامل عالمگیر می‌شود و دین مبین اسلام بر سرتاسر کره‌ی زمین گسترش پیدا کرده و دین رسمی جهان، دین اسلام ناب و اصیل محمدی صلی الله علیه و آله خواهد بود.

قرآن کریم خبر از جهانی شدن اسلام و غلبه‌ی آن بر تمام ادیان داده است و در سه جای قرآن این مطلب را تکرار نموده که حاکی از اهتمام به این امر است و فرموده: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۲</sup>؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۲. سوره توبه، آیه ۲۳.

نظیر آن را در سوره‌ی صف<sup>۱</sup> و قریب به این مضمون در سوره‌ی فتح<sup>۲</sup> نیز آمده است، و تردیدی نیست که این وعده‌ی الاهی تا به حال جامه‌ی عمل نپوشیده و در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تحقق خواهد یافت چنانکه در روایات این مطلب بیان شده است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه پیشین فرمود: «أَنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمُهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ فَلَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ<sup>۳</sup>؛ مفاد این آیه در زمان ظهور مهدی از آل پیامبر اکرم علیه السلام محقق می‌شود پس کسی باقی نماند جز آنکه اقرار کند به رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم».

بر اساس این سخن امام باقر علیه السلام پیروزی آئین آسمانی اسلام بر همه‌ی ادیان در زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌شود و در آن زمان در هیچ گوشه‌ی جهان هیچ خانه‌ای سنگی و گلی و چادرهای پشمی و کرکی نخواهد ماند، مگر اینکه خداوند کلمه‌ی اسلام را به آن وارد خواهد کرد. طبیعی‌ترین راه آن همین است که حکومت جهان به دست امام مهدی علیه السلام باشد و همه‌ی انسان‌ها از طریق

۱. سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره فتح، آیه ۲۸.

۳. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳۸.

رسانه‌های عمومی پیشرفته متناسب با آن زمان، اسلام را در خانه‌های خود بشنوند و با آن آشنا شوند.

امام مهدی علیه السلام به توسعه و گسترش اسلام ناب بر روی زمین اقدام خواهد نمود و سایر توسعه‌ها مانند توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی به پیروی از توسعه‌ی اسلام و در سایه توسعه دین پدید خواهد آمد. او آئین اسلام را در جهان گسترش می‌دهد. وقتی امام عصر علیه السلام ظهور کند در دنیا هیچ یهودی و نصرانی و هیچ کس از آنان که غیر خدا را پرستش می‌کنند، باقی نخواهند ماند مگر اینکه به آن حضرت ایمان آورده و او را تصدیق خواهند نمود و آن روز یک دین در سراسر عالم خواهد بود و آن دین مقدس اسلام است.

امام صادق علیه السلام در بیان گسترش دین اسلام در عصر ظهور فرمود:  
«وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ؛ آنگاه که قائم ما قیام کند حتما دین پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله به همه جای عالم خواهد رسید به گونه‌ای که در روی زمین اثری از شرک وجود نداشته باشد».

رِفَاعَةُ بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «يَقُولُ صلى الله عليه وآله وَ



لَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا<sup>۱</sup> قَالَ: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَنَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِي فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛<sup>۲</sup> هنگامی که قائم ما قیام کرد جایی در روی زمین باقی نمی ماند، مگر اینکه در آنجا صدای اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله بلند می شود».

امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَلَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا أَحَدٌ مِمَّنْ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَيَكُونُ الْمِلَّةُ وَاحِدَةً مِلَّةَ الْإِسْلَامِ»<sup>۳</sup> هیچ یهود و نصرانی باقی نمی ماند مگر این که به او ایمان می آورند و تصدیقش می کنند و در آن روزگار تنها دین، دین اسلام خواهد بود».

در روایت دیگر از ایمان همه یهودیان و مسیحیان به حضرت مسیح علیه السلام و پیوستن به حضرت مهدی علیه السلام خبر داده است:

إِنَّ عِيسَى يَنْزِلُ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّةٍ يَهُودِيٌّ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيُصَلِّيَ خَلْفَ الْمَهْدِيِّ؛<sup>۴</sup> عیسی علیه السلام پیش از قیامت از آسمان فرود می آید. پس هیچ یهودی و نصرانی باقی نمی ماند، مگر این که پیش از مرگش به

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۲؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵۲، ص ۲۴۰.

۳. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۱۷۶.

۴. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۸.

او ایمان می آورد و عیسی علیه السلام پشت سر مهدی علیه السلام نماز می گزارد.

در پرتو حاکمیت دینی عصر ظهور، جامعه‌ی انسانی به عبادات و شریعت و دیانت روی آور می‌شوند و نمازها را به جماعت برگزار می‌کنند و بازار دین و دین‌داری گرم و پر رونق می‌شود و اقبال عمومی به دین پیدا می‌شود و به مصداق این حدیث امیرمؤمنان علیه السلام که فرمود: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ؛<sup>۱</sup> هر گاه پادشاه تغییر کند، زمانه تغییر می‌نماید»، طبعاً تأثیر عملی گذاشته و جهت‌گیری عمومی جامعه به سمت و سوی دین خواهد بود و دینداری مایه‌ی فضیلت و ارزش و برتری می‌گردد؛ زیرا تغییر سلطان سبب تغییر اندیشه و کردار حاکم بر جامعه می‌شود و تغییر در اندیشه سبب تغییر در برنامه‌هاست که تغییر و تحول در اوضاع و احوال را در پی دارد. پس وقتی سلطان تغییر کرد و صالح شد زمان هم تغییر می‌کند و صالح می‌شود، چون سلطان عادل حاکم می‌شود و خود بیش از همه اهل عبادت خدا است: «وَيَعْبُدُ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ»<sup>۲</sup> در جامعه‌ی نبوی امام مهدی علیه السلام این آرمان در کل جهان بشریت پیاده می‌شود و

۱. نهج البلاغه، ص ۴۰۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

مسابقه در خیرات و مسارعت به سوی عوامل آمرزش الاهی آغاز می‌شود و بر فراز بام جهان شهادت به توحید و رسالت خاتم انبیاء ﷺ داده می‌شود.

البته منظور از حاکمیت جهانی دین اسلام این نیست که در جامعه عصر ظهور مهدوی ﷺ هیچ فردی کافر و بی‌دین نیست و بدون استثناء همه‌ی انسانهای عالم موحد و مسلمان می‌شوند و یهود و نصارا و غیره باقی نمی‌ماند، بلکه منظور این است که: شرایط حاکم و چهره‌ی عمومی جامعه خالی از شرک و کفر و بت‌پرستی می‌شود، حکومت مشرکان و کافران و حزب آنها سرکوب می‌شوند و موانع هدایت و ایمان انسانها از سر راه برداشته می‌شود و گرنه مادامی که انسان دارای آزادی اراده است همیشه چنین خواهد بود و تا انسان انسان است آزادی اراده و انتخاب دارد و سلب آن از انسان از قبیل سلب شیء از خودش یا سلب لوازم شیء از شیء است که از محالات است. از این رو امکان دارد در بهترین جوامع انسانی هم احياناً افراد منحرفی وجود داشته باشد.

اینکه خداوند فرمود: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛

---

۱. سوره انسان، آیه ۳: (ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!).

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾<sup>۱</sup> زبان حال طبیعت بشر را بازگو می کند و یک قاعده فراگیر و فرازمانی است و برای همه ادوار تاریخ بشر است. چه اینکه به عکس در حکومت کافران و طاغوتها و بدترین و منحط ترین جوامع هم ممکن است افراد صالح و مؤمنی وجود داشته باشند آنگونه که در حکومت فرعون بودند و آسیه همسر فرعون یکی از بهترین بانوان اهل بهشت به حساب آمده است ﴿وَوَضَّرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنِ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَتَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾<sup>۲</sup> و اصولا ایمان، امری قلبی است و با زور سرنیزه نتوان آن را در قلبها جای داد و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم که بالاتر از امام مهدی علیه السلام بود چنین سیطره ای نداشت: ﴿لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ﴾<sup>۳</sup>. بنابراین آنچه مسلم است این است که هیچ خانه ای در شهر و بیابان نمی ماند مگر آنکه توحید در آن نفوذ می کند یعنی اسلام به

۱. سوره کهف، آیه ۲۹ (بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می خواهد ایمان بیاورد) و این حقیقت را پذیرا شود، و هر کس می خواهد کافر گردد).

۲. سوره تحریم، آیه ۱۱ (و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»)

۳. سوره غاشیه، آیه ۲۲.

صورت یک آئین رسمی همه‌ی جهان را فرا خواهد گرفت و قانون اسلام بر جهان حکومت خواهد کرد ولی مانعی ندارد که اقلیتی از یهود و نصارا و غیرهم در پناه حکومت مهدی با مشروط اهل ذمه زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند چنانکه الان در حکومت‌های اسلامی ما چنین است و قبلاً در حکومت امام علی علیه السلام و رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بوده است زیرا حضرت مهدی علیه السلام مردم را از روی اجبار مسلمان نمی‌کند بلکه به منطق پیش می‌رود و توسل به زور و قدرت و نیروی نظامی برای بسط عدالت و براندازی حکومت‌های ظلم و قرار دادن جهان در زیر پرچم عدالت اسلام است نه برای اجبار به پذیرفتن آئین اسلام.

خداوند متعال با ظهور حضرت مهدی علیه السلام بر مستضعفان عالم منت می‌نهد، همان‌گونه که با بعثت و رسالت بر مؤمنان منت می‌گذارد: ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ﴾<sup>۱</sup> و پرچم امامت را که میراث الاهی آنان است به آنها خواهد سپرد: ﴿وَوَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ آن‌گاه پهنه زمین پس از مرگ طولانی که ثمره رواج ستم

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲. سوره قصص، آیه ۵.

بوده است، احیا می‌گردد و از عدل لبریز می‌شود.

افروختن چراغ وحی و اصلاح بصیرت و احیای عقل بشر، نخستین سرفصل‌های حکومت حق مهدوی است. او که خود وارث مقام ولایت و امامت و همتا و ترجمان کتاب الاهی است، چراغ درخشان وحی را پرفروغ می‌سازد و پرده غرور را از بصیرت و حجاب وهم را از چهره عقل بشر می‌زداید، تا انسان به چشم بصیرت و تعقل و در پرتو نور وحی سعادت خویش را باز شناخته و حرکت خویش را اصلاح کند و در طریق مستقیم قدم گذارد و نهایت خوشبختی خویش را دریابد.

ارتقای عقول بشر و ایجاد روح استغنا در انسان‌ها از اموری است که وجود مبارک امام عصر علیه السلام در رأس برنامه‌های حکومت الاهی خویش بدان خواهد پرداخت و نیز مقابله و مبارزه با اندیشه فرعون‌ی و آنان که فراعنه عصر ظهورند می‌تواند نقطه آغازین برنامه رسمی قیام آن حضرت باشد، چنانکه هنگام ولادت با تلاوت آیه: ﴿وَأُتِرِدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾<sup>۱</sup> بدان اشاره فرمود. قرائت این آیه که درباره پیروزی مستضعفان بنی‌اسرائیل بر مستکبران آل فرعون است، نشان می‌دهد که قیام آن حضرت نیز با مشیت الاهی، وضعی مشابه قیام موسای کلیم علیه السلام در

برابر دستگاه زرمदार و زورمحور فرعونى خواهد داشت و همان گونه که با پای مردی مؤمنان موحد و مجاهد بنی اسرائیل و ایثارها و نثارهای آنان به رهبری ولی الاهی عصر، مؤمنان از اسارت فرعونیان رهایی یافتند و فرعون و پیروانش از صفحه زمین نابود گردیدند و حکومت عدل و داد به دست آنان سپرده شد، در مطلع فجر قیام امام عصر علیه السلام مؤمنان منتظر با تکیه بر ایثار و نثارهای مجاهدان گذشته و پای مردی در راه نورانی حق و بهره‌مندی از هدایت و رهبری معصومانه امامشان طومار حیات فرعونیان آن عصر را به هم پیچیده و حکومت حق و عدل را به دست آخرین حجّت بالغه خداوند برقرار خواهند کرد؛ حکومتی که به بهای ریختن خون‌های بهترین بندگان خدا به ثمر می‌نشیند، تا شجره طیّب انسانی و عبودیت به بار نشسته و ثمر دهد.

احادیث گران بهایی که هندسه مدینه مهدوی را ترسیم و ویژگی‌های شهروندان آن را تصویر می‌کنند، هم از عدل جامعه خبر می‌دهند و هم از غنای قلوب مردمش، هم نوید عدل می‌دهد و هم مزده تقویت روح استغنا، هم چنانکه نبی اعظم صلی الله علیه و آله سیره و سنت او را چنین معرفی فرموده‌اند: «يَمْلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى

الله عَلَيْهِ وَآلِهِ غِنَى<sup>۱</sup>؛ یعنی خداوند (به برکت وجود حضرت مهدی) دل‌های امت پیامبر صلی الله علیه و آله را از روح بی‌نیازی آکنده می‌کند و گستره عدل آن حضرت به همگان می‌رسد.<sup>۲</sup>

در آن روز یکتاپرستی و توحید، سراسر گیتی را فرا می‌گیرد و طومار شرک برچیده می‌گردد، هر معبودی جز او به آتش چیرگی حق بر باطل می‌سوزد و نابود می‌گردد. مفاد آیه شریفه ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup> وعده تخلف ناپذیر الاهی است؛ یعنی دین مرضی او بر همه ادیان فائق می‌شود و ظفرمندان بر عالم و آدم فروغ توحید می‌افکند، به گونه‌ای که فرزندان آدم دینی جز دین واحد نداشته باشند؛ همان دینی که پسند او باشد و چنین دینی جز اسلام نیست: ﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾<sup>۴</sup> این وعده حتمی و قطعی، هنگامی محقق می‌گردد که ولی الله الاعظم علیه السلام ظهور و تجلی کند.

۱. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۸۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

۲. امام مهدی علیه السلام موجود موعود، ص ۲۵۴.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹ (او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند).

۴. سوره مائده، آیه ۳. (و پسندیدم برای شما اسلام را آئین زندگی شما)



زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه: ﴿وَقَتَلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾<sup>۱</sup> سؤال شد، آن حضرت در پاسخ فرمود: «إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سِيرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ: (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا)<sup>۲</sup>؛ همانا تاویل این آیه تا کنون نیامده است و هرگاه قائم ما قیام کند خواهند دید کسانی که او را درک می کند که تاویل این آیه گونه است و حتما دین پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله تا جایی پیش خواهند رفت که شب در آن جا راه دارد (کنایه از کل زمین) به گونه ای که هیچ پرستش غیر خدا در روی زمین نخواهند ماند همان گونه خدا خود فرموده است که همگان من را عبادت کنند و هیچ چیزی را شریک من قرار ندهند».

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ فرمود: وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَأَ يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى

۱. سوره انفال، آیه ۳۹ (و با آنها پیکار کنید، تا فتنه [= شرک و سلب آزادی] برچیده شود، و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد).

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۸۱؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۶۶۷.

يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ  
بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ  
لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَسِرْنِي وَاقْتُلْنِي؛ به خدا سوگند تاویل  
این آیه هنوز نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم علیه السلام قیام  
کند و چون خروج کرد کافران به خدای عظیم و مشرکان به امام را  
ناخوش آید و اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای باشد آن صخره  
بگوید: ای مؤمن! در دل من کافری است آن را بشکن و او را به  
هلاکت برسان.

امیرمؤمنان علیه السلام عصر ظهور را عصر فراگیر شدن اسلام دانسته که  
همگان در برابر حضرت مهدی علیه السلام تسلیم می‌شوند؛ کافری نمی‌ماند  
مگر این که ایمان می‌آورد و بدکاری نمی‌ماند مگر این که به نیکی‌ها  
رو می‌آورد. می‌فرماید:

يَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ كَلَبَ مِنَ الدَّهْرِ وَ جَهْلٍ مِنَ  
النَّاسِ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِمَلَائِكَتِهِ وَ يَعْصِمُ أَنْصَارَهُ وَ يَنْصُرُهُ بِآيَاتِهِ وَ  
يُظْهِرُهُ عَلَىٰ أَهْلِ الْأَرْضِ حَتَّىٰ يَدِينُوا طَوْعًا وَ كَرْهًا يَمَلَأُ الْأَرْضَ  
قِسْطًا وَ عَدْلًا وَ نُورًا وَ بُرْهَانًا يَدِينُ لَهُ عَرَضُ الْبِلَادِ وَ طُولُهَا لَا

يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ لَّا طَالِحٌ إِلَّا صَلَاحٌ؛<sup>۱</sup> خداوند در آخر الزمان؛ روزگار سخت و دشوار و جهل غالب مردم، مردی را مبعوث فرماید که او را توسط فرشتگانش تأیید و یارانش را حفظ نموده و با آیات و معجزات خود او را نصرت بخشد، و او را بر تمام اهل زمین غالب و چیره سازد بنوعی که همه مطیع او شوند چه با میل چه با کراهت، او زمین را پر از قسط و عدل و نور و برهان نماید، تا جایی که تمامی سرزمین‌ها پیرو او شوند، همه کافران به او ایمان آورده و مردم تبه‌کار؛ صالح شوند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ»؛<sup>۲</sup> گویا یاران قائم علیه السلام را می‌بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده‌اند و همه چیز در فرمان آنها است.

ابو بصیر گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

إِنَّ سُنَنَ الْأَنْبِيَاءِ عليهم السلام مَا وَقَعَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْغَيْبَاتِ جَارِيَةٌ فِي الْقَائِمِ  
مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَذْوُ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ وَ الْقُدَّةُ بِالْقُدَّةِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ فَقُلْتُ  
لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ

۱. الإحتجاج على أهل اللجاج، ج ۲، ص ۲۹۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳.

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً  
يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ  
مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام  
فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ  
عُبِدَ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلَّهُ  
لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ<sup>۱</sup> تمام غیبت‌های پیامبران در زندگی  
قائم ما اهل بیت علیهم السلام نیز دقیقاً جاری است. عرض کردم: آیا  
قائم از شما اهل بیت است؟ فرمود: ای ابو بصیر او پنجمین  
فرزند پسر موسی کاظم علیه السلام و فرزند بانوی کنیزان عالم است.  
غیبتش چندان طولانی گردد که اهل باطل دچار تردید شوند.  
سپس خداوند او را ظاهر کند و شرق و غرب جهان را بدست  
او بگشاید و عیسی بن مریم از آسمان فرود آید و پشت سر او  
نماز گذارد. زمین با نور خداوند منور گردد و جایی در روی  
زمین نمی‌ماند که در آن غیر از خداوند عز و جل پرستش شود  
همه ادیان از میان برود و فقط دین خدا می‌ماند هر چند  
مشرکین نپسندند.

بر اساس آیات و روایات، در عصر ظهور، دین اسلام حاکم بر جهان  
خواهند شد و حکومت اسلامی مهدوی همه عالم را فرامی‌گیرد. از

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

این رو آنچه مسلم است این است که در حکومت امام مهدی عج جهان از وجود اهل کتابی که بر عقاید شرک آمیز خود اصرار بورزند پیراسته خواهد شد. اما اکثر اهل کتاب در عصر حکومت امام مهدی عج اسلام می آورند و هیچ گونه قرینه عقلی یا نقلی که بر کشته شدن اکثر اهل کتاب در عصر حکومت امام مهدی عج دلالت کند وجود ندارد؛ بلکه شواهد و قراین، خلاف این مسأله را ثابت می کنند. و طبیعتاً در جنگ و درگیری هایی که میان سپاه امام عج و اهل کتاب که در جریان فتح دنیا رخ خواهد داد، تعداد اندکی از اهل کتاب به جهت مقاومت در برابر سپاه امام عج به قتل خواهند رسید. لیکن علاوه بر گروه کثیری که اسلام می آورند و تعداد اندکی که در جریان فتح دنیا کشته می شوند، گروه کمی نیز باقی خواهند ماند.

بر این اساس، درباره سرنوشت اهل کتاب در عصر ظهور، دو نکته می باید مورد نظر قرار گیرد:

اولاً بحث از سرنوشت اهل کتاب در حکومت امام مهدی عج ناظر به کسانی اند که با وجود فرصت های فزاینده و تأکید فراوانی که بر انتشار دین اسلام در میان تمامی انسان ها، باز هم بر آیین یهودیت و نصرانیت، باقی مانده اند.

ثانیاً آنچه مسلم و قطعی است آن است که نظام حاکم در عصر

ظهور اسلام و شریعت محمدی صلی الله علیه و آله است پیروان دیگر ادیان سهمی از حکومت ندارند و حضرت برای برپایی حاکمیت الهی در جامعه با سرکشان طغیانگر و نیز مفسدان تبهکار برخورد انعطاف ناپذیر خواهند داشت.

از آیات قرآن<sup>۱</sup> نیز استفاده می‌شود که در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام حکومت و قدرت در سراسر جهان از کفار غیر کتابی و مادیین گرفته می‌شود و در دست مسلمین و رجال شایسته جهان قرار می‌گیرد و نور اسلام تمام ادیان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بر آن‌ها غالب می‌گردد.

همچنین احادیث نیز دلالت دارد بر اینکه در عصر دولت امام مهدی علیه السلام دستگاه شرک و کفر از زمین برچیده می‌شود و یکتا پرستی و توحید بر جهان حکم فرما می‌شود. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «الثَّانِي عَشْرَ مِنَّا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ... وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ»<sup>۲</sup> برای دوازدهمین از خاندان ما امام مهدی علیه السلام خداوند هر دشواری را آسان می‌گرداند و به دست او هر

۱. مانند سوره انبیاء علیهم السلام آیه ۱۰۵؛ سوره صف، آیه ۹؛ سوره قصص آیه ۴.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۹.

جبار سرسختی نابود و هر شیطان سرکشی هلاک می‌گردد».

بنابراین اسلام خاستگاه دین و ارزش‌های الهی را ناشی از امری ماورایی می‌داند، بنابراین در عصر ظهور جایی برای ادیان ساخته بشری و یا غیرتوحیدی نمی‌ماند. اما اینکه آیا در عصر ظهور برخورد امام مهدی عج با کسانی که با وجود ترویج و تبلیغ دین اسلام، حقیقت اسلام را نمی‌پذیرند و بر ادیان اسلاف خویش پابرجا می‌مانند، چگونه خواهد بود؟ در این باره باید گفت تردیدی نیست که برخورد امام مهدی عج با ملحدان و منکران حضرت حق، قاطعانه و قهر آمیز خواهد بود و هیچ‌گونه مدارا و مسامحه‌ای را در حق آنان روا نمی‌دارد و از آن‌ها جزیه نیز نخواهد پذیرفت بلکه آنان یا باید اسلام را بپذیرند و یا آن‌که کشته شوند و راه دیگری برای آنان وجود ندارد.

ولی درباره برخورد امام مهدی عج با پیروان ادیان الهی و چگونگی تعامل حکومت اسلامی مهدوی با اهل کتاب در عصر ظهور و اینکه آیا پیروان ادیان غیر اسلامی بر دین خود باقی می‌مانند یا اینکه اسلام می‌آورند؟ از روایات استفاده می‌شود که بیشتر اهل کتاب ایمان می‌آورند عده‌ای کمی مقاومت می‌کنند.

۱. پذیرش دین اسلام: بر اساس روایات، اهل کتاب در برابر

حضرت مهدی عج دو دسته خواهند بود؛ اکثریت آنان ایمان می‌آورند

و اقلیت آنان مقاومت می‌کنند. بی‌گمان پس از تمهیدات فراوانی که از سوی امام مهدی علیه السلام برای گرایش اهل کتاب به اسلام واقعی فراهم می‌شود، بسیاری از آنان به این آیین الهی روی خواهند آورد و عده کمی از سر تعصب چشم از حقیقت می‌پوشانند و برکیش آیین منسوخ خود باقی می‌مانند.

براساس برخی روایات، اکثریت اهل کتاب از روی میل و رغبت به اسلام گرویده و به دین حنیف اسلام تشریف می‌یابند، چنان‌که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «فَلَا يَبْقَى يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ وَلَا أَحَدٌ مِّمَّنْ يَعْبُدُ غَيْرَ اللَّهِ إِلَّا آمَنَ بِهِ وَ صَدَّقَهُ وَ يَكُونُ الْمِلَّةُ الْإِسْلَامُ؛ هیچ یهودی و نصرانی و کسی که غیر خدا را می‌پرستد، باقی نمی‌ماند مگر این که به او ایمان آورد و تصدیقش کند و تنها یک آیین (اسلام) وجود خواهد داشت.

اما آن دسته از کسانی که پس از تبلیغ دین اسلام و اتمام حجت، از قوه خرد و فطرت خویش تأثیر نپذیرند و به عناد خویش ادامه دهند، با قوه قاهره به پذیرش دین اسلام وادار می‌گردند و در صورت مقاومت، کشته می‌شوند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:



لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينٍ إِلَّا دَعْوَهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى  
 الْإِسْلَامِ وَ الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ التَّوْحِيدِ وَ وَكَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَمَنْ  
 أَجَابَ مِنْهُمْ وَ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ تَرْكُوهُ وَ أَمَرُوا عَلَيْهِ أَمِيرًا مِنْهُمْ وَ  
 مَنْ لَمْ يُجِبْ وَ لَمْ يَقْرَأْ بِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ لَمْ يَقْرَأْ بِالْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُسَلِّمْ  
 قَتْلُوهُ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْجَبَلِ أَحَدٌ إِلَّا  
 آمَنَ؛<sup>۱</sup> بر پیروان هیچ دینی وارد نمی‌شوند، مگر این‌که آنها را به  
 خدا پرستی و پذیرش اسلام و اقرار به نبوت حضرت  
 محمد ﷺ و پذیرش ولایت ما اهل بیت ﷺ دعوت می‌کنند. پس  
 هر که را اسلام نیاورد، می‌کشند تا این‌که از مشرق تا مغرب و  
 پشت کوه کسی نباشد مگر این‌که ایمان آورد.

بنابراین، رویه غالب در میان اهل کتاب پیوستن به دین اسلام است  
 و بیشتر پیروان دیگر ادیان الهی در عصر ظهور، به پذیرش اسلام  
 روی می‌آورند. آیت الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد: با توجه  
 به این‌که در دوران حکومت آن مصلح بزرگ، همه وسایل پیشرفته  
 ارتباط جمعی در اختیار او و پیروان رشید اوست و با توجه به این‌که  
 اسلام راستین با حذف پیرایه‌ها، کشش و جاذبه‌ای فوق‌العاده دارد، به  
 خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که اسلام با تبلیغ منطقی و پیگیر، از

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۱، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

طرف اکثریت قاطع مردم جهان پذیرفته خواهد شد و وحدت ادیان از طریق اسلام پیشرو عملی می‌گردد.<sup>۱</sup>

از آنجای که امام مهدی علیه السلام بر اساس این رسالت الهی خویش با طرح مباحث فکری و عقیدتی اقدام به اثبات حقایق دین اسلام و آشکار کردن بطلان دیگر مکاتب و نحله‌ها خواهد نمود، بی‌تردید در سایه تلاش‌های حضرت و یاوران او در این زمینه، بسیاری به حقایق آیین اسلام یقین پیدا کرده و به آن خواهند گروید.

علاوه بر کمال ذاتی آئین اسلام، شخصیت ممتاز حضرت مهدی علیه السلام نیز در جذب اهل کتاب به اسلام نقش اساسی دارد زیرا یکی از عواملی که باعث گرایش اهل کتاب و بلکه همه غیر مسلمانان به اسلام و پیروی آنان از امام مهدی علیه السلام می‌شود، شخصیت فوق العاده و استثنایی امام مهدی علیه السلام است. کدام انسان سلیم النفس است که در رویارویی با آن بزرگ مرد آسمانی که منبع زیبایی، خوبی، پاکی، صداقت، محبت، رافت است، دل از کف ندهد و شیفته او نگردد؟ او تجسم انبیای بزرگ الهی همچون حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی علیهم السلام و رسول خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. بدیهی است که

---

۱. حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۸۸.

شخصیت فوق العاده امام مهدی علیه السلام که مظهر کمالات و خوبی‌ها است دل‌های مردمان را تسخیر و مجذوب خویش خواهد نمود.

بنابراین برای رویکرد اهل کتاب به دین اسلام و گرایش آن‌ها به امام مهدی علیه السلام انگیزه‌های فراوانی وجود دارد تا اهل کتاب را به پذیرش اسلام وادارند چنانکه در روایات بدان اشاره شده است.

هشام جوالمقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

لَا يَأْتُونَ عَلَى أَهْلِ دِينِ إِلَّا دَعَوْهُمْ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ إِلَى  
الْإِقْرَارِ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ مَنْ لَمْ يَقِرَّ بِالْإِسْلَامِ وَ لَمْ يُسَلِّمْ قَتْلَهُ حَتَّى لَا  
يَبْقَى بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ مَا دُونَ الْجَبَلِ أَحَدٌ إِلَّا  
أَقْرَأَ؛ حضرت مهدی علیه السلام بر پیروان هیچ دینی وارد نمی‌شوند مگر  
این که آن‌ها را به خدا، اسلام و اقرار به حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
فرامی‌خواند و هر که اقرار به اسلام نکن و تسلیم او نگردد  
کشته می‌شود تا این که از شرق تا غرب کسی باقی نماند جز  
آنکه اقرار به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماید.

ابن بکیر گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره تفسیر این آیه: ﴿وَلَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾<sup>۱</sup> پرسیدم حضرت در پاسخ فرمود:

أَنْزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلَ الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أُسْلِمَ طَوْعًا أَمْرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ؛<sup>۲</sup> این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده، هنگامی که علیه یهود و نصارا و صابئین و مادی‌های ملحد و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می‌کند و اسلام را پیشنهاد می‌نماید هر کس از روی میل پذیرفت دستور می‌دهد که نماز بخواند و زکاه بدهد و آنچه هر مسلمانی مأمور به انجام آنست بر وی نیز واجب می‌کند و هر کس مسلمان نشد گردنش را می‌زند تا آنکه در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس باقی نماند.

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾<sup>۳</sup> فرمود: يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ عليه السلام؛<sup>۴</sup> خدا

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. سوره توبه، آیه ۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶.

شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر مفتوح می کند آن قدر جنگ می کند تا اینکه جز دین محمد دینی باقی نماند».

نیز از آن حضرت روایت شده که فرمود:

يَمْلِكُ الْقَائِمُ ثَلَاثِمِائَةَ سَنَةٍ وَ يَزِدَادُ تِسْعًا كَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْكَهْفِ فِي  
كَهْفِهِمْ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَيَفْتَحُ  
اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينُ  
مُحَمَّدٍ ﷺ؛ قائم ما سیصد و نه سال سلطنت می کند به مدتی که  
اصحاب کهف در غار خود توقف نمودند. او زمین را پر از  
عدل و داد میکند، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. خداوند  
شرق و غرب زمین را برای ما می گشاید. چندان مردم بی دین  
را به قتل رساند که جز دین محمد ﷺ نماند.

بنابراین، یهود و نصاری در عصر دولت مهدی باقی خواهند ماند لیکن  
از عقیده تثلیث و شرک دست برمی دارند و خدا پرست می شوند و تحت  
الحمایه حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می دهند. در عین  
حال دولت های باطل سقوط می کنند و قدرت جهان در دست  
مسلمانان صلاحیت دار واقع می شود و دین اسلام دین جهانی و  
بر تمام ادیان غالب می گردد و بانگ توحید از همه جا بلند می شود.

رفاعة بن موسی گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره آیه مبارکه ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا﴾<sup>۱</sup> فرمود: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛<sup>۲</sup> هنگامی که قائم ما قیام کرد هیچ نقطه ای از زمین نیست جز اینکه آوای شهادت بر یگانگی خدا و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن جا بلند می شود.

امام باقر علیه السلام در بیان معنای آیه مبارکه ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ﴾<sup>۳</sup> فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛<sup>۴</sup> وقتی قائم قیام کرد دولت باطل برای همیشه سقوط می کند».

أبی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ﴾<sup>۵</sup> فرمود:

۱. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۳. سوره اسراء، آیه ۸۱.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۸۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۲.

۵. سوره حج، آیه ۴۱.

فَهَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ إِلَى آخِرِ الْأَيَّامِ وَالْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَيْنَ الظُّلْمِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛<sup>۱</sup> این آیه درباره همه امامان از آل محمد ﷺ نازل شده است و مهدی ﷺ و یارانش را خداوند بر شرق و غرب زمین حاکم می‌گرداند؛ به واسطه آنان دین را تقویت می‌کند و بدعت‌ها و باطل را از بین می‌برد چنانکه نادانان حق را پایمال کرده‌اند به طوری که دیگر از ظلم اثری باقی نمی‌ماند و همگان وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را انجام می‌دهند.

همچنین روایاتی که از رضایت‌مندی همگانی نسبت به حکومت مهدوی خبر می‌دهد بیانگر اقبال عمومی از جمله اهل کتاب به دین اسلام است.

پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛<sup>۲</sup> شما را به آمدن مهدی ﷺ

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۹۲.

بشارت می‌دهم. وی در حالی قیام و خروج خواهد کرد که امت من گرفتار اختلاف و پریشانی شدیدی است. او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، هم‌چنان‌که از ظلم و جور پر شده است. اهل آسمان و ساکنان زمین همگی از آمدن او شادمان و خشنود خواهند بود.

نیز حدیفه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

يَفْرَحُ بِهٖ اَهْلُ السَّمَاءِ وَ اَهْلُ الْاَرْضِ وَ الطَّيْرَ وَ الْوَحُوشَ وَ الْحَيَاتَانَ  
فِي الْبَحْرِ وَ تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْاَنْهَارُ وَ تُضْعِفُ الْاَرْضُ  
اَكْلَهَا وَ تَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ<sup>۱</sup> به سبب ظهور او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی خوشحال می‌شوند. در دولت او آب‌ها فزونی می‌گیرد و رودها پرآب می‌گردد و زمین فراوان حاصل می‌دهد و گنج‌های آن بیرون کشیده می‌شود.

امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ اَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُكَّانُهَا»<sup>۲</sup>  
با خروج او اهل آسمان‌ها و ساکنین‌شان خرسند خواهند شد.

این گونه روایات بر خرسندی جهانیان از قیام امام مهدی علیه السلام دلالت

۱. عقْد الدُّرِّ، ص ۱۴۹.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۱۵.



می‌کند. بی‌تردید این خرسندی زمانی جا دارد که اهل کتاب از او پیروی کنند و به فرمان‌هایش گردن نهند؛ چرا که اگر قصد برافراشتن علم مخالفت و ایستادن در برابر او و اهداف او را داشته باشند جایی برای خرسندی باقی نخواهد ماند.

بر این اساس، هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند نام مبارکش بر سر زبان‌ها خواهد افتاد و وجود مردم سرشار از عشق به اوست؛ به گونه‌ای که جز نام او هیچ نامی در یاد و زبان آنان نیست و با دوستی او روح خود را سیراب می‌کنند. روشن است که این خرسندی و خشنودی در این روایات برای مسلمانان و یا گروه و جماعت ویژه‌ای نیست و تعابیری چون ساکنان زمین و آسمان و یا مردم، عامند و همه را در برمی‌گیرند. گرچه بی‌تردید در این میان دشمنان و منحرفانی نیز وجود دارند که از ظهور او ناخشنود و خشمگین‌اند، ولی با توجه به عمومیت روایات، این عده بخش اندکی از مجموعه عظیم انسان‌ها خواهند بود و اهل کتاب را نیز در بر خواهند داشت.

**۲. پرداخت جزیه:** آن دسته از اهل کتاب و پیروان دیگر ادیان که دین اسلام را نپذیرفته‌اند می‌توانند با پرداخت جزیه در کنار مسلمانان با مدارا و همزیستی مسالمت آمیز زندگی کنند.

از ظاهر بعضی آیات بر می‌آید که کیش یهود و نصاری تا قیامت

برجا خواهند ماند. مانند آنچه که خداوند متعال در سوره مائده می‌فرماید: ﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارِي أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾<sup>۱</sup> ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بینشان انداختیم.

همچنین در آیه دیگر از این سوره می‌فرماید: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾<sup>۲</sup>؛ یهودان گفتند: دست خدا بسته است؛ دست خودشان بسته باد و بسزای این ناروا که به خدا نسبت دادند ملعون شوند، بلکه دست رحمت او گشوده است و هرچه بخواهد انفاق می‌کند. قرآنی که بر تو نازل گشته سرکشی و کفر بسیاری از آن‌ها را افزون می‌کند و تا قیامت در میانشان دشمنی و کینه انداختیم.

۱. سوره مائده، آیه ۱۴.

۲. سوره مائده، آیه ۶۴.

درسوره آل عمران می فرماید: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ خُذْ هَذَا بِالْيَمِينِ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾؛ خدا به عیسی فرمود: من ترا گرفته به سوی خویش برآرم و از کفار دورت نمایم و پیروانت را تا قیامت بالا دست و مسلط بر کفار گردانم.

ظاهر این گونه آیات، بر ماندگاری پیروان دین یهود و نصاری تا قیامت و استقرار دولت مهدی، دلالت می کنند، لازمه ماندگاری کیش یهود و نصاری، همزیستی مسالمت مسلمانان با آنان با پرداخت جزیه از سوی آنان است.

ظاهر برخی احادیث نیز دلالت بر بقای اهل کتاب در عصر ظهور دارد، مانند آنچه جابر بن عبد الله انصاری از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَعَدَلَ فِي الرَّعِيَّةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ مَهْدِيًّا لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيٍّ وَيَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَسَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ غَارٍ بَانُطَاكِيَّةٍ وَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةَ بِالتَّوْرَةِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ

الْقُرْآنَ بِالْقُرْآنِ وَ تَجْمَعُ إِلَيْهِ أَمْوَالُ الدُّنْيَا مِنْ بَطْنِ الْأَرْضِ وَ ظَهْرَهَا  
 فَيَقُولُ لِلنَّاسِ تَعَالَوْا إِلَى مَا قَطَعْتُمْ فِيهِ الْأَرْحَامَ وَ سَفَكْتُمْ فِيهِ الدِّمَاءَ  
 الْحَرَامَ وَ رَكِبْتُمْ فِيهِ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيُعْطِي شَيْئاً لَمْ يُعْطَهُ  
 أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم اهل بیت علیهم السلام قیام کرد، به  
 طور مساوی تقسیم می‌کند و در میان رعیت با دادگری رفتار  
 می‌کند، پس هر که از او اطاعت کند فرمان خدا را برده  
 است و هر که از او نافرمانی کند خدا را نافرمانی نموده  
 است و مهدی برای این مهدی نامیده شده که به امری پنهان  
 هدایت می‌کند و تورات و سایر کتب (آسمانی) خدای عز و  
 جل را از غاری در انطاکیه بیرون می‌آورد و میان اهل  
 تورات (یهود) با تورات و میان اهل انجیل (مسیحیان) با  
 انجیل و بین اهل زبور با زبور و میان مسلمانان با قرآن حکم  
 می‌کند. ثروت‌های روی زمین و گنج‌های درون آن از تمام  
 نقاط جهان به سوی او گرد می‌آیند. آنگاه خطاب به مردم  
 می‌فرماید: بیایید، این همان متاع دنیا است که برای آن با  
 خویشاوندان قطع رحم کردید، خون‌های حرام را ریختید،  
 به حریم گناهان وارد شده، مرتکب محرمات الهی شدید،  
 این ثروت‌ها را کلان کلان در اختیار مردم قرار می‌دهند که  
 چنین رقم‌های درشت در تاریخ بخشش‌های جهان بی‌سابقه  
 خواهد بود.

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷.

برخی آیات و احادیث نیز بر پذیرفتن جزیه از اهل کتاب دلالت دارد چنانکه در قرآن می‌فرماید: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾؛<sup>۱</sup> با کسانی از اهل کتاب که نه به خدا و نه به روز جزا ایمان دارند و نه آنچه را خدا و رسولش تحریم کرده حرام می‌شمرند، و نه آیین حق را می‌پذیرند، پیکار کنید تا زمانی که با خضوع و تسلیم، جزیه را به دست خود بپردازند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ ابو بصیر از پرداخت جزیه توسط اهل ذمه خبر داده است. ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

فَمَا يَكُونُ مِنَ أَهْلِ الذِّمَّةِ عِنْدَهُ؟ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُسَأَلُهُمْ كَمَا سَأَلَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ يُؤْتُونَ الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ؛ پرسیدم آیا در عصر امام مهدی علیه السلام اهل ذمه چه وضعیتی خواهند داشت؟ حضرت در پاسخ فرمود: با آنها مصالحه می‌کند چنانکه رسول خدا صلى الله عليه وآله مصالحه نمود و آنها با خضوع و تسلیم جزیه را به دست خود می‌پردازند.

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: «فَبَيْعَتْهُ مَلَكَ الرُّومِ

۱. سوره توبه، آیه ۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

يَطْلُبُ الْهُدَنَةَ مِنَ الْمَهْدِيِّ عليه السلام وَ يَطْلُبُ الْمَهْدِيَّ عليه السلام مِنْهُ الْجَزِيَّةَ فَيُجِيبُهُ إِلَى ذَلِكَ؛ پس پادشاه روم، نماینده‌ای را می‌فرستد و درخواست صلح می‌کند. مهدی علیه السلام نیز از او می‌خواهد که جزیه بپردازد. پادشاه روم هم می‌پذیرد».

البته برخی روایات وارد شده در منابع روایی شیعه بر عدم اخذ جزیه از اهل کتاب دلالت دارد مانند آنچه از عبد الاعلیٰ حلبی از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

وَلَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ ﴿وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup> وَ لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجَزِيَّةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ ﴿وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ﴾<sup>۲</sup> قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يُقَاتِلُونَ وَ اللَّهُ حَتَّى يُؤَخِّدَ اللَّهُ وَ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ؛<sup>۳</sup> هیچ جایی نمی‌ماند مگر این که مردمان آن به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهند همان گونه که خدا

۱. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۳۸.

۲. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳. سوره انفال، آیه ۳۹.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

فرموده است: تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم اند، و همه به سوی او باز گردانده می‌شوند. و صاحب این امر آن چنانکه رسول خدا ﷺ جزیه گرفت، جزیه نمی‌پذیرد و این تحقق سخن خداوند است که فرمود: و با آنها پیکار کنید تا فتنه [شرک و سلب آزادی] برچیده شود و دین (و پرستش) همه مخصوص خدا باشد.

همچنین روایت محمد بن مسلم از امام باقر ﷺ آمده است:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾<sup>۱</sup> فَقَالَ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعْدُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ رَخَّصَ لَهُمْ لِحَاجَتِهِ وَحَاجَةَ أَصْحَابِهِ فَلَوْ قَدْ جَاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ لَكِنَّهُمْ يُقْتَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ؛<sup>۲</sup> تأویل این آیه هنوز نیامده و محقق نشده است، همانا رسول خدا ﷺ به جهت نیاز خود و اصحابش به آنان رخصت داد، لیکن هنگامی که زمان تأویل و تحقق این آیه فرا رسد، از آنها پذیرفته نمی‌شود. آنها کشته می‌شوند تا

۱. سوره انفال، آیه ۳۹.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۸.

خداوند عزوجل به وحدانیت شناخته شود و دیگر شرکی نباشد.

این روایت صراحت دارد بر اینکه تأویل این آیه هنوز نیامده است و حکم مذکور در روایت، بی سابقه بوده و در زمان‌های پیشین وجود نداشته است. از طرفی روشن است که مراد حکم بی سابقه که قبل از عصر ظهور وجود نداشته است، قتل مطلق اهل کتاب است؛ زیرا حکم قتل فتنه‌گران اهل کتاب و قبول جزیه از آنانی که فتنه‌گر نیستند در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشته است، ظاهر این روایت نیز همانند روایت پیشین بیانگر عدم پذیرش جزیه از اهل کتاب است.

مضافاً بر اینکه برخورد با اخلال‌گران در امر حکومت شیوه مرسوم است که در همه جای دنیا همیشه متداول بوده و هست. اقدام یاد شده (قتل فتنه‌گران اهل کتاب) با موازین و اصول اسلامی نیز منطبق و هم‌خوان است. شبیه این اقدام را در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه می‌توان به جهاد حضرت با یهودیان بنی قریظه و قتل مردان آنها اشاره کرد که این اقدام به جهت پیمان‌شکنی و همراهی آنان با مشرکانی بود که جنگ احزاب



را علیه مسلمانان به راه انداخته بودند.<sup>۱</sup>

مرحوم علامه مجلسی، درباره برخورد مسالمت آمیز حضرت مهدی علیه السلام با اهل کتاب و اخذ جزیه از آنان، این احتمال را مطرح کرده است که ممکن است این برخورد ناظر به مرحله آغازین قیام حضرت باشد. وی در بیان وجه جمع میان روایاتی که دلالت دارد بر اینکه حضرت میان اهل کتاب با کتاب خودشان حکم می‌کند و روایاتی که بر لزوم اسلام آوردن آنان دلالت دارد، می‌نویسد:

لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا الْإِسْلَامَ لِأَنَّ هَذَا مَحْمُولٌ عَلَى أَنَّهُ يُقِيمُ الْحُجَّةَ عَلَيْهِمْ بِكُتُبِهِمْ أَوْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي بَدْوِ الْأَمْرِ قَبْلَ أَنْ يَعْلُو أَمْرَهُ وَيُتِمَّ حُجَّتَهُ<sup>۲</sup>؛ یعنی اینکه حضرت جز اسلام آوردن آنان چیزی مانند جزیه را نمی‌پذیرد.

این عدم پذیرش جزیه ممکن است ناظر به زمان پس از استقرار و تثبیت حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام باشد، زیرا پس از گسترش دین اسلام و برقراری حکومت امام مهدی علیه السلام و تثبیت نظام فراگیر اسلامی، چون بر اهل کتاب اتمام حجت شده است از آنان جز اسلام پذیرفته نخواهد شد.

۱. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۲۷-۱۲۹.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

## (و) گسترش فرهنگ توحید در جهان

از کارکردهای مهم و درخشان دوران حاکمیت امام زمان علیه السلام توسعه و ترویج همه جانبه یگانه پرستی و زدودن مظاهر شرک و کفر در جامعه است، زیرا آن حضرت فرهنگ دینی را بر کلیه سطوح جامعه حاکم می‌گرداند و توحید را در میان مردم نهادینه می‌کند. در سایه حاکمیت ارزش‌های دینی در سطوح جامعه، حضرت مهدی علیه السلام ریشه هرگونه فساد را برمی‌کند و هرگز روش‌های سازش‌کارانه و مصلحت‌اندیشانه نداشته بلکه در حوزه اخلاق نیز روش حضرت در برخورد با فاسدان، تبه‌کاران و فسادهای اجتماعی و اخلاقی، بسیار سخت‌گیرانه و قاطعانه بوده و از هرگونه مسامحه به دور است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «... وَ لِيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»<sup>۱</sup> زمین را از هر انسان نیرنگ‌باز (و فریب‌کار) پاک می‌سازد».

در عصر حکومت الهی امام مهدی علیه السلام نه تنها از شرک و پرستش غیر خدا اثری نیست، بلکه حتی بتخانه‌ها نیز تبدیل به عبادتگاه خدا می‌شوند و نقطه‌ای بر روی زمین نخواهد ماند که در آن مدتی غیر خدا پرستش شده مگر اینکه خدا در آن پرستش خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درهم شکسته شدن نماد صلیب و نمایان کردن دروغ هزاران

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

ساله‌ی مسیحیت تحریف شده را از ویژگی‌های حضرت قائم علیه السلام شمرده، می‌فرماید:

فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَنْ يَذْهَبَ بِالدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ مِنَّا الْقَائِمُ يُقْتَلُ مُبْغِضِينَ وَ لَا يَقْبَلُ الْجَزِيَّةَ وَ يَكْسِرُ الصَّلِيبَ وَ الْأَصْنَامَ؛ خداوند دنیا را به پایان نرساند تا اینکه قائم علیه السلام قیام کند و کسانی را که با ما دشمنی می‌ورزند به قتل برساند و از کفار جزیه قبول نکند و صلیب‌ها را بشکند.

در آن زمان همه مردمان روی زمین، به عبادت خدا می‌پردازند: «وَ كُلِّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ سِوَى اللَّهِ تَعَالَى تُنْزَلُ عَلَيْهِ نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتُحْرِقُهُ؛<sup>۱</sup> و هر آنچه غیر خدا مورد پرستش قرار گیرد آتشی از آسمان بر آن فرود آید و آن را بسوزاند».

در دوران ظهور تازه بشریت از خواب گران هزاران ساله بیدار می‌شود و می‌فهمد که شیاطین جن و انس و عوامل زر و زور و تزویر و طواغیت عالم و ایادی آنها چه کلاه بزرگی بر سر آنها گذاشته و آنها را از خدا جدا کردند و به لجن زار شرک و کفر و الحاد کشاندند. آنها را از خود بیگانه ساخته‌اند، چقدر از شخصیت واقعی تنزل کرده و

۱. الخصال، ج ۲، ص ۵۷۹.

۲. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، ص ۴۳۶.

به قدری خوار و بی مقدار شده‌اند که در برابر بت‌های چوبی و سنگی که به دست خویش ساخته‌اند به کرنش می‌افتند و چیزی را که هیچ سود و زیانی به حال آن‌ها ندارد و حتی قدرت دفاع از خویش ندارد پرستیده‌اند و از خدای واقعی فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌اند. از این رو، در تفسیر آیه مبارکه: «الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا»<sup>۱</sup> آمده است: «الْمَلِكُ لِلرَّحْمَنِ الْيَوْمَ وَقَبْلَ الْيَوْمِ وَبَعْدَ الْيَوْمِ وَ لَكِنْ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَعْبُدْ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ مَلِكٌ وَ فَرَمَان‌رَوایی در گذشته و حال و آینده مخصوص خداست و آنگاه که قائم آل محمد قیام کند در کل دنیا جز خداوند کسی یا چیزی مورد پرستش واقع نمی‌شود».

در آن دوران آنچه الهه پنداشته می‌شدند و ارباب متفرق بودند، خواه بت‌هایی چوبی و سنگی یا غیر آن‌ها، فرجامشان جز نابودی نخواهد بود. و بدینسان حق بر تمام عالم حاکمیتی مطلق می‌یابد، به گونه‌ای که هیچ معاند لجوج و منکر عنودی نمی‌ماند مگر در برابر تیغ عقل تسلیم می‌شود؛ یا با زبان شمشیر با او سخن گفته می‌شود،

۱. سوره فرقان، آیه ۲۶.

۲. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۱، ص ۷۸؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی

عشر علیه السلام، ص ۴۷۱.

به طوری که نه یارای مقاومت و نه توان ایستادگی در برابر حق را داشته باشند.

در جامعه‌ی مهدوی، اثری از شرک، کفر، الحاد، زندقه و بت‌پرستی وجود نخواهد داشت و همانطور که بزرگترین دشمن معنویت و عقیده به ماوراء طبیعت، یعنی مرکز مادیت و ماتریالیسم، شوروی سابق از هم فرو پاشید و نابود شد، کل مکتب‌های کفر و شرک نابود خواهد شد و در سراسر عالم شعار توحید طنین‌انداز خواهد شد و جوامع بشری به خدای یگانه ایمان خواهند آورد و تنها او را خواهند پرستید. بشریت به یمن حکومت امام مهدی عج گمشده‌ی واقعی خویش را خواهد یافت، و به او که کمال مطلق هستی است عشق خواهد ورزید و در برابر او کرنش خواهد نمود، همه یک خدا را می‌پرستند، همه یک کتاب دارند (قرآن)، به یک قبله نماز می‌گذارند (کعبه)، شعار کل دنیا اذان خواهد بود، شیطان و ایادی او کوبیده می‌شوند و رهنی نخواهد کرد بلکه دوباره زمین مرده به نور ایمان و حیات معنوی و مادی زنده خواهد شد، بت‌ها درهم کوبیده می‌شوند، صلیب‌های دروغین شکسته خواهد شد و عیسای مسیح فرود خواهد آمد و به امام مهدی عج اقتدا خواهد نمود و آنروز رسوائی کلیسا برملا خواهد شد.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که درباره قیام حضرت قائم علیه السلام فرمود:

وَأَوَّلُ مَا يُنْطَقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ إِلَيْهِ الْعِقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ وَتْنٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَ<sup>۲</sup>؛ در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اولین سخن او این آیه قرآن است که آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید، سپس می گوید: منم بقیة الله در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده‌ای به او چنین سلام گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد. و در زمین هیچ معبودی

۱. سوره هود، آیه ۸۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۴۴۷ - ۴۴۸.

جز الله تعالی نباشد و در صنم و وثن و غیره آتش در افتد  
و بسوزند.

در حدیث قدسی که ابن عباس از رسول خدا ﷺ نقل کرده است  
آمده است:

وَ بِالْقَائِمِ مِنْكُمْ أَغْمُرُ أَرْضِي بِتَسْبِيحِي وَ تَقْدِيسِي وَ تَهْلِيلِي وَ  
تَكْبِيرِي وَ تَمْجِيدِي وَ بِهِ أَظْهَرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْرَثُهَا  
أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِي السُّفْلَى وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا وَ  
بِهِ أَخِي عِبَادِي وَ بِلَادِي بَعْلَمِي وَ لَهُ أَظْهَرُ الْكُنُوزَ وَ الذَّخَائِرَ  
بِمَشِيَّتِي وَ إِيَّاهُ أَظْهَرُ عَلَى الْأَسْرَارِ وَ الضَّمَائِرِ بِإِرَادَتِي وَ أَمْدُهُ  
بِمَلَائِكَتِي لِتُوَيَّدَهُ عَلَى إِنْفَازِ أَمْرِي وَ إِعْلَانِ دِينِي ذَلِكَ وَلِيِّ حَقًّا وَ  
مَهْدِيَّ عِبَادِي صِدْقًا؛<sup>۱</sup> توسط قائم عج از شما خاندان، زمین را از  
یاد خودم و تسبیح و تقدیس خویش آباد خواهم کرد، و به  
وسیله‌ی او زمین را از لوٹ وجود دشمنانم پاک خواهم گردانید  
و دوستانم را جانشین آنان خواهم کرد و کفر را زبون و خوار  
و کلمه توحید را برتری خواهم داد و به وسیله او بندگان را  
زنده و زمین را آباد خواهم کرد و او را برگنج‌های زمین و  
اسرار نهان آگاه کرده و با فرشتگانم برای اجرای دستورات من  
و آشکار سازی دینم او را پشتیبانی خواهم کرد، این است ولی

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۴۲.

حقیقی من و هدایت گر راستین بندگان من».

بنا بر این گسترش فرهنگ توحیدی در جامعه، یکی از رویکردهای اصلی نظام مهدوی در عصر ظهور است. در این عصر، اگرچه تأمین نیازهای مادی مردم یکی از دغدغه‌های ابتدایی حکومت مهدوی است و تلاش برای رفاه جامعه، ریشه کن کردن فقر و بدبختی، به وجود آمدن امنیت مالی و جانی و ایجاد عدالت قضائی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بالا رفتن و کامل شدن خرده‌ها و پیشرفت علم و دانش و آباد کردن زمین و استخراج منابع آن و تشکیل زندگی، در سرلوحه‌ی برنامه‌های حکومتی آن حضرت به عنوان مصلح بزرگ جهان بشریت قرار دارد، اما این امور هرگز هدف غایی و اصلی نیست، بلکه تمام اینها مقدمه و زمینه است برای یک هدف برتر و بالاتر و آن عبادت و بندگی خدا است که هدف اصلی از خلقت جن و انس می‌باشد: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup> و هدف از عبادت هم رسیدن به کمال انسانی و استقرار در جوار قرب حضرت حق است ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾<sup>۲</sup>. شعار مهدی شعار انبیاء است، هدف او احیاء دوباره‌ی دین و سنن الهی و زدودن بدعتها است، مهدی بزرگ

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. سوره قمر، آیه ۵۵.



منادی توحید در کل عالم است، او دعوت کننده به علم و دانش است، انسانها را به تعقل و خردورزی می خواند، به عدالت فرا می خواند، ﴿لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>، او دعوت کننده به سوی الله است، دعوت کننده به آزادی است، دعوت کننده به وحدت کلمه و بلکه اخوت دینی است، دعوت کننده به عزت اسلامی است، دعوت کننده به مکارم اخلاقی است، دعوت کننده به تقوا و طهارت و پاکی است، دعوت کننده به عبادت خدا و اجتناب از طاغوت است و بالجمله آنچه به عنوان هدف از بعثت انبیاء و مخصوصا خاتم آن ها صلی الله علیه و آله بود هدف حکومت امام مهدی علیه السلام است و در رأس همه ی اهداف پیاده شدن احکام و قوانین دینی است و شگفتا که کسانی که حکومت دینی را در یک نقطه ی عالم نفی می کنند و می گویند: دین به درد اداره ی جامعه نمی خورد، اینان چگونه حکومت جهانی امام مهدی را باور دارند که به وسیله ی حضرت همه ی دین ظهور و بروز و غلبه پیدا می کند، کتاب و سنت زنده می شود: «فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرَةِ وَ يُحْيِي مِثَّ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»<sup>۲</sup> و در کل جهان یک حکومت دینی مبتنی بر قوانین اسلام حاکم می شود آن هم در جامعه ای که

۱. سوره بقره، آیه ۲۷۹.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰.

دنیا آباد است، دانش به بلندترین قله‌اش رسیده، خردها کامل شده، افکار به معنای حقیقی کلمه روشن و منور گردیده است. چرا که دین که از سرچشمه وحی به دست آمده و توسط فرشته امین به پیامبر ابلاغ شده و کم‌ترین احتمال کذب و عصیان و خطا و نسیان و لغزش و انحرافی در آن نیست، به بهترین وجه می‌تواند سعادت بشر را تأمین کرده و نظام زندگی او را سامان بخشد.

\*\*\*

### سیره سیاسی، حکومتی امام مهدی علیه السلام

هر حاکمی در حکومت و بخش های گوناگون مدیریت خود، شیوه و روش خاصی را دارد که از ویژگی های حکومت او به شمار می آید. امام مهدی علیه السلام نیز وقتی حکومت جهان را به دست می گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش خاصی دارد. ایشان تحقق بخش آرزوهای همه پیامبران و امامان علیهم السلام و تشکیل دهنده حکومت عدل اسلامی و اجرا کننده نقشه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صحنه گیتی است.

در حوزه حکومت و سیاست، نظام سیاسی حاکم بر دولت کریمه امام مهدی علیه السلام براساس امامت و ولایت استوار است. با وجود انسان کامل و امام معصوم در رأس حکومت جهانی، سلامت سیاسی نظام حفظ خواهد شد و حضرت با احزاب و اندیشه های سیاسی معاند و مخالف و با گرایش های شک گرا و ضددینی، برخورد قاطع خواهد کرد.

سیاست و حکومت مهدوی بر مبنای سعادت سازی جامعه پایه گذاری می شود. در این رابطه برجسته ترین تعبیر درباره سیاست مهدوی را در دعای شریف افتتاح می توان یافت. در این دعای سیمای دولت کریمه مهدوی به زیبایی ترسیم شده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ  
تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ

الْقَادَةَ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرزُقْنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛<sup>۱</sup> خدایا! ما به سوی تو رغبت داریم در دولت کریمه‌ای که اسلام و مسلمانان عزت یافته و نفاق و منافقان دچار ذلت می‌شوند. که ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خویش و راهنمایان به راه خویش قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما عطا کنی.

### ویژگی‌های سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام

ماهیت نظام سیاسی در حکومت مهدوی، الهی است و اهداف و شیوه حکومتی آن بر پایه دین استوار است و جهت‌گیری نظام سیاسی مهدوی به سمت سعادت واقعی و کرامت انسانی مردم در پرتو عبودیت و اطاعت از ذات اقدس الهی و هدایت مردم به صراط حق حاصل است. در این راستا، جهان شمولی، دین‌مداری، جامعه‌پذیری، امنیت فراگیر و عدالت‌گرایی و... برخی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و کارهای منحصر به فرد سیره حکومتی امام مهدی علیه السلام شمرده می‌شود که آثار و برکات بی‌شماری را برای جامعه بشری به ارمغان خواهد آورد.

---

۱. مفاتیح الجنان، «دعای افتتاح».

## الف) دین مدار

در اندیشه دینی، سیاست با آموزه‌های دین جدا نیست، بلکه درهم آمیخته است، زیرا عالی‌ترین دستورات حکومتی و سیاسی در متن قرآن و سنت آمده؟! دین نه تنها به روابط انسان‌ها با یکدیگر عنایت فراوان کرده بلکه به رابطه‌ی انسان با خودش و رابطه‌ی انسان با خدا هم خیلی اهتمام ورزیده است.

در جامعه‌ی جهانی عصر ظهور که امام مهدی عج حاکم بر تمام جهان است و سیاست او عین حاکمیت دین اسلام و آموزه‌های الهی قرآن و سنت در جامعه است، پرچم اسلام در کل عالم برافراشته می‌شود، کتابی که به عنوان قانون اساسی بر دنیا حکومت می‌کند قرآن است، قوانین جاری متکی به متن اصیل اسلام است، مرزها بر چیده می‌شود و در تمام کره‌ی زمین حکومت واحدی تشکیل می‌شود.

ابی الجارود از امام باقر ع نقل کرده است که آن حضرت در تفسیر آیه مبارکه: ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾<sup>۱</sup> فرمود:

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

هَذِهِ لِيَالِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ این آیه اختصاصاً به آل محمد دارد. حضرت مهدی و اصحابش که خداوند آنها را مالک شرق و غرب می کند و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می نماید و باطل و دین های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می دارد چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است به طوری عدالت گسترش می یابد که اثری از ظلم باقی نمی ماند. امر بمعروف و نهی از منکر می کنند و در اختیار خدا است عاقبت امور.

در روایت معتبر دیگر امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»<sup>۱</sup> فرمود: «يُحْيِيهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا يَعْنِي بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ؛<sup>۲</sup> خداوند زمین را به

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

۲. سوره حدید، آیه ۱۷.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۶۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۲ و بحار الانوار،

ج ۵۱، ص ۵۴.

وسیله قائم علیه السلام زنده می کند و منظور از مرگ اهل زمین کفر اهل آن است، چون کافر مرده است. (هر چند دارای حیات ظاهری و مادی باشد، ولی مرده‌ی متحرک است)».

این سخن امام باقر علیه السلام کنایه از این است که گسترش عدالت مهدوی، جهان مرده به سبب ظلم را با عدل حیات می بخشد. بر اساس این تفسیر حضرت، مرگ زمین به معنای کفر اهل آن است و طبیعتاً احیای آن نیز به ایمان آوردن اهل آن خواهد بود. و احیاء زمین توسط امام مهدی علیه السلام به معنای اتخاذ تدابیری است که به مؤمن شدن کافران بینجامد. این روایت، افزون بر این که به دعوت کافران به پذیرش آیین حق دلالت دارد و نشان دهنده گشوده بودن شاهراه سعادت در برابر گم‌شدگان وادی ضلالت است، از این حقیقت نیز پرده برمی دارد که کافران به دعوت حضرت پاسخ مثبت می دهند و مردگان با دم مسیحایی مقتدای مسیح زنده می شوند.

در جامعه دینی هدف کلان حکومت دینی همان اهداف بعثت انبیاء علیهم السلام؛ یعنی رسانیدن انسان به سعادت و کمال دنیوی و اخروی است. از همین روی به ابعاد جسمانی و روحانی، فردی و اجتماعی، دنیایی و اخروی انسان‌ها توجه دارد. در حقیقت از همان جامعیت وحی برخوردار است.

در حکومت دینی، برای مجریان اوصاف و شرایطی به تناسب مسؤولیت‌ها و شرایط اجتماعی وضع شده است؛ وجود این شرایط و صلاحیت‌ها برای مدیران ارشد همواره شدیدتر می‌شود و با وجود افراد واجد شرایط، دیگران حق جواز تصدی مقامات دولتی را ندارند تا آن جا که رهبریت دولت دینی مشروعیت و حقانیت خود را از رهگذر وجود همین صلاحیت‌ها و شرایطی می‌گیرد که از جانب دین داده شده است. حکومتی که در سازوکار اجرایی‌اش جز عدل حاکم نیست و برنامه فرهنگی‌اش، تربیت قلوب و استغنای روح بشر است، همان گمشده انسان است که طریق سعادت را برایش پیمودنی می‌سازد و زندگی دنیا و آخرت او را آباد می‌کند.

در حکومت دینی اقبال مردم متدین به دولت دینی بسیار با اهمیت است. اگر چه حکومت دینی با مردمی بدون اعتقاد به دین در عالم فرض و تصور ممکن است، ولی در واقعیت و میدان عمل نمی‌توان دولت دینی را بر شانه‌های ملتی بیگانه و غیر معتقد به دین به پاداشت.

حکومت دینی، حکومتی است که نظام آن بر اساس احکام دین استقرار دارد و قوانینی که تصویب و اجرا می‌شود الهام گرفته از احکام دینی است. به عبارت دیگر در حکومت دینی خطوط و



چارچوب‌های کلی حکومت را دین تعیین می‌کند؛ هر چند مصادیق و خطوط جزئی روش‌های خاص حکومت از طریق عقل، تجربه و دانش بشری تنظیم می‌شود. بنابر این، حکومت اسلامی فرعی از حکومت دینی است و حکومت اسلامی حکومتی است که در آن اداره امور کشور و رسیدگی به مسایل جامعه مطابق دستورات و قوانین اسلام است. در حکومت اسلامی حاکمیت بر انسان و جامعه از آن خدا است که به رسول و جانشینان بر حق او داده شده است.

جمیل بن دراج از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش از اجداد طاهرینش از امام امیرالمومنین علیه السلام نقل می‌کند که حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

الدِّينُ وَالسُّلْطَانُ أَخَوَانٌ تَوَاقَمَا لَمْ يَدْ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ  
 وَالدِّينُ أَسٌّ وَالسُّلْطَانُ حَارِسٌ وَمَا لَمْ يَأْسَ لَهُ مِنْهُدِيمٌ وَمَا لَمْ  
 يَحَارِسْ لَهُ ضَائِعٌ؛<sup>۱</sup> اسلام و سلطان دادگر (حاکم عادل) دو  
 برادرند که هیچ یک اصلاح نمی‌شوند مگر به وسیله‌ی دیگری.  
 اسلام اصل و اساس و پایه است و سلطان عادل پاسدار آن

۱. الاختصاص، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۴؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، ص ۲۷۳.

است، بنائی که پایه و اساسی ندارد ویران است، و چیزی که نگهبان ندارد ضایع شونده است.

### ب) عدالت محور

بارز ترین ویژگی و برجسته ترین وجهه حکومتی در سیره امام مهدی علیه السلام عدالت ورزی حضرت است به گونه ای که حکومت مهدوی در میان مردم بیشتر با ویژگی عدالت گستری و برقراری نظام مبتنی بر قسط و عدل در سراسر جهان شناخته می شود. «السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ وَالْعَدْلُ الْمُشْتَهَرُ؛ سلام بر قیام کننده مورد انتظار و عدالت شناخته شده».

امام مهدی علیه السلام مظهر تام «قَائِمِ بِالْقِسْطِ» است و حکومت مهدوی، جلوه ی کامل عدالت و قسط خواهد بود. در جامعه مهدوی، توزیع عادلانه مناصب اجتماعی در رأس قرار می گیرد و به عنوان بُعد اصلی عدالت مطرح می شود. در این جامعه، مناصب و اختیارات اجتماعی بر اساس میزان تقرب اشخاص به خدا تقسیم می شود. در چنین جامعه ای چون قرار است انسان به سعادت برسد مقرب ترین انسان ها که توانایی ساختن جامعه مقربان را دارند در قله مناصب اجتماعی

قرار می‌گیرند. عدالت مهدوی در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و حقوقی، محقق خواهد شد. عدالت در بُعد سیاسی توزیع عادلانه اختیارات و مناصب اجتماعی یا توزیع عادلانه قدرت را در بر می‌گیرد. عدالت در بُعد فرهنگی شامل توزیع عادلانه آموزش و اطلاعات مناسب به مردم و رشد فضائل و ارزش‌ها برای رسیدن شکوفایی را شامل می‌شود. عدالت در بُعد اقتصادی توزیع عادلانه ثروت و امکانات در جامعه را اجتناب ناپذیر می‌کند و عدالت حقوقی و قضایی، درمان ظلم‌هایی است که در جامعه بشری به وقوع می‌پیوندد.

عدالت مهدوی چنان است که ظلم و ستم را به کلی ریشه کن می‌کند و این از مختصات حکومت عدل مهدوی است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ»<sup>۱</sup> چون قائم علیه السلام قیام کند، حکم به عدل می‌فرماید و در روزگار او ظلم و ستم برداشته می‌شود.

حضرت مهدی علیه السلام در اجرای عدالت تا آنجا پیش می‌رود که ظلم به طور کامل از صفحه‌ی زمین رخت بر بسته، محو می‌شود؛ به گونه‌ای

---

۱. إعلام السوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۲؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

که در هیچ گوشه‌ی جهان اثر و نشانه‌ای از ظلم دیده نمی‌شود، آن گونه که امام باقر علیه السلام فرمود: «حَتَّىٰ لَا يُرَىٰ أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ؛ تا جایی که نشانی از ظلم وجود نخواهد داشت».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود: «الْقَائِمُ الَّذِي يَقُومُ بَعْدَ غَيْبَتِهِ فَيَقْتُلُ الدَّجَالَ وَ يُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ ظُلْمٍ؛ او سراسر گیتی را از هر گونه جور و ستمی پاکسازی می‌کند».

وقتی از امام رضا علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام سوال شد، فرمود:

الرَّابِعُ مِنْ وُلْدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جَوْرٍ وَ يُقَدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسُ فِي وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَيْبَةِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛<sup>۳</sup> چهارمین فرزند من زاده سیده کنیزان، خدای به توسط وی زمین را از هر خلافتی پاک کند و از هر ستمی منزّه دارد و اوست همان کسی که مردم در ولادتش شک کنند و او است که پیش از خروجش غیبت دارد و چون خروج کند زمین بنور

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۶.

۳. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۴۳.

او درخشان گردد و ترازوی عدالت میان مردم بگذارد و هیچ کس به دیگری ستم نکند.

هرگاه حاکم و دستگاه حکومت، قوانین مدنی، حقوقی و جزایی، دستگاه‌های مختلف اجرایی و قضایی، برخاسته از حق و بر محور عدل قرار داشته باشند و بر اساس قسط عمل کنند، مردم نیز حق‌پذیر خواهند بود و بر پایه آن عمل خواهند کرد و بدین سان آیه **﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾**<sup>۱</sup> در بالاترین مصداق خود عملی خواهد شد و تمام جامعه تحت رهبری کسی که خود مظهر تام «قَائِمًا بِالْقِسْطِ» است، قیام به قسط خواهد داشت.

بدیهی است مردمان و شهروندان این مدینه عدل و فضیلت با اقتدا به امام خویش در تحقق آن سهم بسزایی خواهند داشت و همان‌طور که مصداق کامل و نهایی آیه **﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ**

---

۱. سوره حدید، آیه ۲۵ (ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند).

الأمور<sup>۱</sup> در آن عصر تحقق می‌یابد، نماز که ستون دین است به‌پا می‌گردد و زکات کاملاً پرداخت و امر به معروف و نهی از منکر با تمام ابعادش اجرا می‌شود و ارتباط مؤمنان با خدا تحت عنوان «اقامه نماز» محکم می‌شود و بخش‌های نیازمند و بی‌نیاز جامعه انسانی و اسلامی با پرداخت زکات به هم پیوند خواهند خورد. خوبی‌ها و زیبایی‌ها با امر به معروف پیوسته مطرح می‌گردد و پلیدی‌ها و زشتی‌ها با نهی از منکر از جامعه مهدوی رخت بر می‌بندد.

در این حکومت فضیلت پیشه و عدالت مدار، روشن است که سرنوشت دشمنان دین و ویران‌گران مراکز نشر و ابلاغ و آموزش فرهنگ دین چیزی جز گرفتاری به وعید عذاب نخواهد بود: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۲</sup>.

۱. همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست! (سوره حج، آیه ۴۱).

۲. کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این کانونهای عبادت شوند. بهره آنها در دنیا فقط رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (سوره

در عصر حاکمیت فرهنگی دینی، آنچه معیار رفتار اجتماعی است عدالت در همه عرصه‌ها است و همه بساط ظلم فرهنگی و اجتماعی برچیده خواهد شد و بر قراری عدالت اجتماعی و بهره‌مندی عمومی از نیازهای ضروری و نیز تعالی روح بی‌نیازی در شهروندان حکومت مهدوی علیه السلام از زیباترین جلوه‌های دینداری در عصر حاکمیت اوست.

در حکومت عدل مهدوی، ابعاد و عرصه‌های عدالت، در امور اقتصادی و رفع فقر و تبعیض خلاصه نمی‌شود، بلکه اقامه قسط، شامل تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و... خواهد شد.

در پرتو عدالت امام مهدی علیه السلام کارگزاران و حکمرانان و صاحبان مناصب کلیدی، هرچه به مقام و منزلت اجتماعی بالاتری دست می‌یابند، برخورداری آن‌ها از امکانات و ثروت کمتر می‌شود؛ یعنی در حکومت مهدوی، تکیه زدن بر جایگاه‌های رفیع، همراه با زهد بیشتر است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ إِلَى أُمَرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ؛<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام والیان و فرمانداران خود را به

---

بقره، آیه ۱۱۴).

۱. حیات الامام المهدی علیه السلام، ص ۲۹۲.

شهرهای جهان اعزام می کند تا عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند».

از این رو هنگامی که نزد امام رضا علیه السلام سخن از ظهور قائم علیه السلام به میان می آید، ایشان می فرماید: «وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا الْغَلِيظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِيبُ؛<sup>۱</sup> لباس قائم علیه السلام جز پارچه زبر و خشن و غذای او جز خوراک ناگوار نخواهد بود».

عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «يُقْسِمُ الْمَالُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛<sup>۲</sup> مهدی علیه السلام مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی نیازی قرار می دهد».

بر این اساس، مساوات، توزیع عادلانه ثروت و رفع تبعیض در میان مردم از شاخصه های عدالت اقتصادی در زمان ظهور است. ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي... يُقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: وَمَا صِحَاحًا؟ قَالَ: السَّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ؛<sup>۳</sup> به شما مژده آمدن

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۸۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.

۲. كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳. الطرائف، ص ۳۵۱؛ كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار،



مهدی علیه السلام را می‌دهم که در آینده میان امت من برانگیخته می‌شود، او اموال را به نحو صحاح تقسیم می‌کند. شخصی پرسید: صحاح چیست؟ آن حضرت فرمود: توزیع یکسان دارایی میان مردم.

اجرای عدالت و مساوات، روحیه برادری اجتماعی را استحکام می‌بخشد و باعث می‌شود که همه احساس برابری کنند:

وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ  
فَيَسْتَغْنِي الْفَقِيرُ وَلَا يَغْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛<sup>۱</sup> رأفت و رحمت را بین مردم  
می‌افکند. پس نسبت به یکدیگر موااسات خواهند داشت و مال را  
به تساوی تقسیم می‌کنند. بدین سبب، فقیر بی‌نیاز می‌شود و  
فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی‌بندد.

تقسیم بالسویه، ناظر به تقسیم اموال عمومی و بیت المال است که از منابع زیرزمینی و اخماس و زکوات و... به دست می‌آید و در اختیار امام مهدی علیه السلام است. در آن زمان بیت‌المال سرشار از اموال عمومی است و مال و ثروت عمومی فراوان می‌شود: «وَيُفِيضُ الْمَالَ فَيُضًا»؛<sup>۲</sup> یعنی اموال در زمان امام زمان مثل چشمه می‌جوشد و پایان

ج ۵۱، ص ۸۱.

۱. إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛

معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰.

ندارد. و خزانه‌های دنیا در دست امام زمان علیه السلام است که هر چه بدهد پایان ندارد و اینها را در میان مردم به طور مساوی تقسیم می‌کند. قطعاً استحقاق افراد مراعات می‌شود و هر صاحب حقی به حقش می‌رسد تا تلاشها و کوششها حرمت نهاده شود.

این نعمتها فقط برای نیکان نیست، بلکه نیک و بد همه از این نعمتهای بی‌پایان و خان‌گسترده‌ی مهدوی استفاده می‌کنند و دادگری امام مهدی علیه السلام نیکان و بدان را به طور یکسان شامل می‌شود. بشر بن غالب از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَعَّ عَدْلُهُ الْبِرَّ وَالْفَاجِرَ؛<sup>۱</sup> آن‌گاه که برپا کننده عدل قیام کند، عدالتش، نیکوکار و فاجر را در بر می‌گیرد».

جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسُّوِيَّةِ وَيَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبِرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرَ؛ هنگامی که قائم ما علیه السلام قیام کند مال را به طور مساوی و معادل بین خلق الله تقسیم می‌کنند، چه اشخاص صالح بوده و چه فاجر باشند».

بدیهی است که ایجاد مساوات در جامعه و برقراری قسط قرآنی، احتیاج به افزایش ثروت و امکانات دارد که این مطلوب، در حکومت

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۱.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱.

مهدوی با عمران و آبادانی زمین محقق خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ... فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا لِبِرِّهِ لِيَشْمُولَ الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام به حکم داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله میان مردم حکم می‌کند. در این هنگام، زمین گنج‌ها و برکات خود را آشکار می‌کند و به سبب توانگر شدن مردم، کسی نیازمند به صدقه و نیکی را نمی‌یابد تا به او صدقه بدهد.

امام مهدی علیه السلام با گسترش عدالت، جهان مرده به سبب ظلم را، حیات دوباره می‌بخشد. امام باقر علیه السلام در تأویل آیه شریفه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾<sup>۲</sup> می‌فرماید: «فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيَا أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ»<sup>۳</sup> خداوند زمین را به دست حضرت قائم علیه السلام زنده می‌کند. او می‌کند. او در زمین به عدالت رفتار می‌کند، از این رو، زمین را با اجرای عدل زنده می‌گرداند، پس از

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۲۴۰.

۲. سوره حدید، آیه ۱۷.

۳. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۱، ص ۹۳؛ ينابيع الموده، ج ۳، ص ۲۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۴۴۲.

آن که به سبب ظلم مرده است».

همچنین امام کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید: «لَيْسَ يُخَيِّهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رَجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِأَحْيَاءِ الْعَدْلِ؛<sup>۱</sup> این چنین نیست که خداوند زمین را باریزش باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه، زمین با احیای عدالت زنده می شود».

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ... لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ؛<sup>۲</sup> مهدی علیه السلام آنگاه که قیام کند، عدالت را به درون خانه های مردم وارد می کند، هم چنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود».

حذیفه می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

المَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وَثِدِي... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛<sup>۳</sup> مهدی علیه السلام مردی از فرزندان من است. او زمین را از عدل و قسط پر کند

۱. الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ نور الثقلین، ج ۴، ص ۱۷۳.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۹۷؛ إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۵.

۳. كشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۶۹؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۰.

چنان‌که از ستم پر شده است، اهل زمین و آسمان و مرغان هوا  
از خلافت او راضی هستند.

ابوسعید خدری از حضرت رسول اکرم ﷺ نقل نموده که فرمود:  
«أُبَشِّرُ وَابِ الْمَهْدِيِّ... يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَيَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛<sup>۱</sup> شما را به  
آمدن مهدی ﷺ مژده می‌دهم، او دل‌های بندگان را پر از حس  
بی‌نیازی می‌کند و دادگری اش همگان را فرا می‌گیرد».

پیامبر اکرم ﷺ درباره آثار و برکات عدالت مهدوی، فرمود:

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ يُرْسِلُ  
السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ تَبَاتِهَا إِلَّا  
أُخْرِجَتْهُ؛<sup>۲</sup> امت من در زمان ظهور مهدی ﷺ چنان از  
نعمت‌های فراوان بهره‌مند خواهد شد که پیش از آن هرگز  
کسی از چنین نعمتی برخوردار نشده است، باران رحمت بر  
آنها فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را بر آنان آشکار می‌کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَيَّ كُلَّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ  
حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ عَدُوَّهُ؛<sup>۳</sup> چون قائم ما قیام کند، هر گنجی  
را بر صاحب آن حرام می‌کند تا آن را به خدمت او آورد و او آن گنج

۱. دلائل الإمامة، ص ۴۸۲.

۲. كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۳.

۳. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۸؛ بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۴۳.

را در راه مبارزه با دشمنان به کار خواهد بست.»

عدالت مهدوی به نیاز فردی، طبیعی و غریزی انسان نظر دارد و در مقابل هر خصلت طبیعی و غریزی، حقی را قائل است و عهده‌دار پاسخ گویی به این حق طبیعی است. این سطح عدالت زمینه ساز پرستش فردی و تسهیل کننده تحصیل پرستش فردی است. اما عدالت مهدوی در این سطح نمی‌ماند و به جامعه راه پیدا می‌کند، چرا که بر اساس انسان شناسی الهی بسیاری از استعداد های آدمی در بستر جامعه رشد می‌یابد. عدالت مهدوی در این سطح هم باقی نمی‌ماند؛ بلکه سطحی دیگر از عدالت نیز در حکومت مهدوی محقق می‌شود و آن عدالت تاریخی است. در زمان حضرت با وقوع رجعت انسانها که بهترین خوبان تاریخ و بدترین بدان تاریخ سر از قبر بر می‌دارند؛ حضرت از اولیای طاغوت و جبهه تاریخی باطل انتقام خواهد گرفت و عدالت قضایی را در مورد آنها اجرا خواهد کرد.

از نظر گستره و حیطة جغرافیایی، عدالت مهدوی، چنان فراگیر است که جهان با همه وسعتش در دایره حاکمیت عدل مهدوی در تمام ابعاد حقوقی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی قرار خواهد گرفت و حکومت اسلامی به منطقه خاصی محدود نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ فرمود: «أَيُّ يُحْيِيهَا اللَّهُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ

عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أُمَّةِ الضَّلَالِ؛<sup>۱</sup> خداوند زمین را پس از مردن آن از ستمکاری پیشوایان و رهبران گمراهی با دادگری قائم علیه السلام به هنگام ظهورش دوباره زنده می‌سازد».

عدالت موعود در جامعه مهدوی به گونه‌ای زیبا و فرح بخش، گسترش می‌یابد که می‌توان جامعه مهدوی را تجلی حیات بهشتی در زمین دانست. حیات طیبه‌ای که جایگاه اوج قرب و چشیدن رضوان الاهی است و نمونه‌ی بی نظیر آن در جامعه مهدوی نمود پیدا می‌کند.

### ه) جهان شمول

حکومت مهدوی، بر خلاف نظام‌های دیگر، منطقه‌ای و قاره‌ای نیست بلکه رویکرد جهانی دارد و گستره آن همه کره خاکی و بلکه همه قلمروهای نفوذ انسان را در بر می‌گیرد.

مرکز حکومت حضرت مهدی علیه السلام اگرچه در کوفه قرار دارد، اما قلمرو آن جهانی و فراگیر است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسید: خانه و قرارگاه مهدی علیه السلام کجاست؟ آن حضرت فرمود:

---

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۵.

دَارُ مَلِكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ الْحُكْمِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الزَّكَّوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيِّينَ؛<sup>۱</sup> محل حکومت او کوفه خواهد بود و جایگاه قضاوت و حکمرانیش مسجد جامع کوفه بیت المال و محل تقسیم غنیمتها مسجد سهل، و جایگاه استراحت و خلوتگاه او در مکان ریگهای سفید نجف خواهد بود.

امام مهدی علیه السلام پس از پیروزی فرمان عدالت و آبادانی سراسری را صادر می کند تا همگان در سطح جهان از مواهب حکومت آن حضرت بهره مند گردند. امام صادق علیه السلام فرمود:

يُفَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَ الْأَخْسَانِ وَ يَجْعَلُهُمْ حُكَّامًا فِي الْأَقَالِيمِ وَ يَأْمُرُهُمْ بِعِمْرَانِ الْمُدُنِ؛<sup>۲</sup> مهدی اصحاب خویش را در تمامی شهرها می پراکند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می دهد، آنان را حاکمان مناطق مختلف قرار داده و به آنان دستور می دهد که به آبادانی و سازندگی شهرها پردازند.

در عصر ظهور، همه جهان تحت حکومت واحد اداره خواهد شد و کارگزاران حکومتی آن حضرت، در همه جای عالم به فرمان او مأمور

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲. یوم الخلاص، ج ۲، ص ۶۵.



خواهند بود که همه شهرها را آباد سازند و شیوه عدالت و احسان را حکمفرما کنند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «وَيُبعَثُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ إِلَى الْآفَاقِ وَيُمِيتُ الْجَوْرَ وَأَهْلَهُ وَتَسْتَقِيمُ لَهُ الْبُلْدَانُ؛<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام لشکرش را به اطراف جهان می‌فرستد و ظلم و اهلش را نابود می‌کند و مردمان کشورها، مطیع او می‌گردند».

دایره حکومت و قدرت امام مهدی علیه السلام شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند به دست امام زمان علیه السلام همه عالم را فتح می‌کند. در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام اسلام هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر نفوذ ظاهری و حکومت بر تمام ادیان پیروز خواهد شد و همه را تحت الشعاع خویش قرار خواهد داد.

ابو الجارود گوید: امام باقر علیه السلام در ذیل آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»<sup>۲</sup> فرمود: «وَهَذِهِ الْآيَةُ لِأَلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَالْمَهْدِيُّ وَأَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُ الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَّهُ الْحَقَّ حَتَّى لَأَ

۱. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۱۳۷.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

يُرَى أَثْرُ لِلظُّلْمِ؛<sup>۱</sup> این آیه تا آخر در شأن آل پیامبر علیهم السلام نازل شده است و حضرت مهدی علیه السلام و اصحابش که خداوند آنان را مالک و حاکم بر شرق و غرب جهان خواهد نمود و دین را به وسیله او بر تمام ادیان پیروز می‌نماید و باطل و دین‌های ساختگی را به همت او و یارانش از میان بر می‌دارد، چنانچه پیش از ظهور او سفاهت و نادانی پرده بر روی حق و حقیقت کشیده است؛ به طوری عدالت گسترش می‌یابد که اثری از ظلم باقی نمی‌ماند».

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛<sup>۲</sup> قائم ما منصور به رعب است و مؤید به نصر، زمین برای او درنوردیده شود و گنجهای خود را ظاهر سازد، و سلطتش شرق و غرب عالم را فرا گیرد و خدای تعالی به واسطه او دینش را بر همه ادیان چیره گرداند، گر چه مشرکان را ناخوش آید.

ابو بصیر گوید: محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم:

۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۰۶.  
 ۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَمَنْ الْقَائِمُ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ: يَا بَا بَصِيرٍ هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا فَيَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛<sup>۱</sup> ای فرزند رسول خدا ﷺ آیا قائم از شما اهل بیت است؟ فرمود: ای ابو بصیر او پنجمین فرزند پسر موسی (امام کاظم ﷺ) و فرزند بانوی کنیزان عالم است غیبتش چندان طولانی گردد که اهل باطل دچار تردید شوند. سپس خداوند او را ظاهر کند و شرق و غرب جهان را به دست او بگشاید.

حضرت مهدی ﷺ بر همه امور اشراف دارد گو اینکه همه دنیا را می بیند، زیرا اگر از همه اطراف و اکناف جهان با خبر نباشد حکومت عادلانه بر همه زوایای عالم ممکن نیست:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؟ هنگامی که امور و کارهای جهان به صاحب این امر ﷺ برسد و به او منتهی شود، خداوند هر نقطه‌ی پستی از

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

این زمین را برای او بالا می‌آورد و هر نقطه مرتفع را پست می‌کند (پیدا است که مراد این نیست که زمین مسطح می‌شود و از کروی بودن در می‌آید، بلکه با امکانات قوی علمی و صنعتی همه‌ی جهان را زیر پوشش و در معرض دید امام زمان قرار می‌گیرد) تا آنجا که کل دنیا به مثابه‌ی کف دست انسان می‌شود، آنگاه کدامیک از شما است که اگر مویی در کف دست تان باشد آنرا نبیند.

### ج) محبوبیت مردمی

جامعه‌پذیری و جلب رضایت عموم مردم، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌ها است. از این نظر یکی از ویژگی‌های برجسته حکومت مهدوی، مردمی بودن و جامعه‌پذیری بی‌نظیر آن است. از این رو، گرچه در استقرار جامعه موعود، نقش کرامت‌الاهی و دست‌اعجاز ولیّ خدا نقش اساسی دارد، اما اراده‌های انسانی نیز در پذیرش ولایت حضرت و برقراری جامعه مهدوی نقش دارند. و چون حکومت مهدوی بر اساس ارزش‌های دینی استوار است و مبنای مناسبات در آن بر اساس ایثار، انفاق، قناعت، زهد و... است، طبیعی است که مردم نیز با مشاهده این حقایق، از جان و دل پذیرای آن خواهند بود؛ چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّخْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا؛ امت اسلامی به مهدی علیه السلام مهر می‌ورزند و به سایش پناه می‌برند آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند».

از این رو در روایات یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام محبوبیت فراگیر آن یاد شده است به گونه‌ای که همه‌ی موجودات اعم از زنده‌ها و مردگان، ذوی العقول و غیر ذوی العقول، آسمانیان و زمینیان و در یک کلام خالق و مخلوق او را دوست دارند و به حکومت او راضی و خشنود می‌شوند و لااقل در مورد انسانها این نکته مسلم است که عملکرد حضرت و اقامه قسط و عدل جهانی باعث می‌شود تا همه از حضرت راضی باشند و به حضرت عشق بورزند، و روایات در این باب فراوان است که برای نمونه مواردی را می‌آوریم:

حذیفه بن یمان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي... يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوِّ؛<sup>۱</sup> مهدی از فرزندان من است، او چنان زمین را پر از عدل و داد کند که

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام ج ۲، ص ۴۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۱.

ساکنان آسمانها و زمین و پرندگان هوا همگی به خلافت و حکومت او راضی می شوند (و با طیب نفس آنرا می پذیرند و بدان گردن می نهند و از آن اطاعت می کنند نه اینکه اکراه و اجبار و زور سرنیزه در ظاهر آنها را وادار به کرنش نماید).

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَبْرِهِ وَ ذَلِكَ حَيْثُ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ؛<sup>۱</sup> هیچ مرده‌ای باقی نمی ماند مگر اینکه آن خوشحالی در قلب او داخل می شود و در جهان برزخ و خانه‌های قبرشان به دیدار یکدیگر رفته و به یکدیگر مژده می دهند که قائم آل محمد علیهم السلام قیام کرده است. (آری آنها در جهان برزخ زنده‌اند و از اوضاع و احوال این جهان مطلع‌اند، ولی ما از آنها اطلاعی نداریم).

ابوسعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلَ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛<sup>۲</sup> شما را به آمدن مهدی علیه السلام بشارت می دهم که در میان امت من ظهور خواهد

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۲. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴.

کرد در حالی که مردم دچار اختلاف و دگرگونی است، پس او زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است. او کسی است که ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می‌شوند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «يَفْرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَأَهْلُ الْأَرْضِ وَالطَّيْرَ وَالْوَحُوشَ وَالْحَيْتَانَ فِي الْبَحْرِ؛ به وسیله او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا همه خوشحال و از آمدن او همه شادمان می‌شوند».

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام وَقَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ حَتَّى سِيَاغُ الْأَرْضِ وَ سِيَاغُ الطَّيْرِ يَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مَرَّةً بِي الْيَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام؛ گویا یاران قائم علیه السلام را می‌بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده‌اند و همه چیز در فرمان آنها است تا درندگان زمین و پرندگان درنده خشنودی آنها را در هر باره می‌جویند تا جایی که زمینی

۱. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۱۴۲؛ منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، ص ۴۷۲.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳.

به زمین دیگر می‌بالد و می‌گوید امروز یکی از یاران قائم بر من گذشته است.

هرگاه حکومت بر پایه رابطه‌ی زور و قدرت استوار باشد و مردم از ترس جان و مال و آبرویشان در برابر حاکم خم و راست شوند، ارزشی و فضیلتی شمرده نمی‌شود، زیرا در جهان وحش و حیوانات جنگلی هم ضعیف‌تر از قوی‌تر می‌ترسد و در برابر او تسلیم می‌شود. ولی اگر رابطه قلبی و معنوی شد و حاکم از صمیم قلب امت را دوست داشت و درصدد اصلاح امور آنان برآمد و امت هم از عمق باطن او را دوست داشتند و رابطه‌ی عشق و محبت و صفا و وفا میان آن‌ها حاکم بود این ارزش دارد. حکومت بر جان‌ها و قلب‌ها مهم است و گرنه حکومت بر ابدان با سرنیزه هم میسر است و یکی از تفاوت‌های عمده‌ی حکومت‌های الهی با حکومت‌های طاغوتی و استکباری در همین است.

در جامعه و نظام سیاسی مهدوی، رابطه قدرت بازیچه منافع نیست؛ بلکه در واقع جامعه‌ای است که انسان‌ها تلاش خواهند کرد تا به سعادت نائل شوند. از این رو، مردم در تحقق نظام مهدوی و حمایت و یاری حضرت مهدی علیه السلام نقش مهم و تعیین‌کننده خواهند داشت.



بر اساس آنچه که از سنت اسلامی بر می آید در مدینه فاضله اسلامی، چون رابطه قدرت بر اساس منفعت جویی افراد، گروه‌ها و جریانات نیست، طبعاً ماهیت زندگی سیاسی هم متفاوت است. در دنیای غیر فاضله طیف بندی احزاب، جریانات، جناح های سیاسی و گروه بندی های سیاسی به خاطر برداشت و نگرش متفاوت از منفعت، توسط احزاب و گروه‌ها از یک سو و از سوی دیگر محدودیت به دلیل منابع موجود، این احزاب و جریانات با یکدیگر رقابت می کنند. پس در زندگی غیر فاضله، قدرت معطوف به منافع است تا انسان‌ها بتوانند در قالب احزاب، تشکل‌ها، جریانات و جناح‌های سیاسی، منافع بیشتر را تصاحب کنند. از همین رو ماهیت رقابت سیاسی هم صرفاً معطوف به همین منافع قدرت است.

مهمترین ویژگی نظام سیاسی مهدوی نقش و حضور تعیین کننده انسان کامل و امام معصوم علیه السلام یا همان منجی موعود، حضرت مهدی علیه السلام به عنوان رهبر و رئیس اول نظام سیاسی است. با توجه به این که در نظام‌های سیاسی فاضله، قدرت معطوف به سعادت است، امام معصوم برای تأمین چنین سعادت‌ی نقش کلیدی دارد، زیرا به دلیل ویژگی‌های خاصی که خداوند در او را نهاده است، راهبر مردم به سوی سعادت است. در چنین ساختاری مردم

هم حضور فعال دارند؛ اما حضور فعال و متعهدانه ای که هدف آن تصاحب منافع دنیوی بیشتر نیست، بلکه رقابت برای سبقت جویی در سعادت و ایمان است.

در واقع در نظام سیاسی مهدوی به دلیل علم کامل امام معصوم علیه السلام و عدم برداشت‌ها و قرائت‌های مختلف، بین مردم برای رسیدن به زندگی نیک اختلافی نخواهد بود. البته تفاوت سلیق و شیوه‌ها، امری طبیعی است و در مورد نظام سیاسی مهدوی هم قابل طرح است. اما اصول و کلیات نظام سیاسی مهدوی در سایه تبعیت همه مردم از یک انسان کامل با هدف سبقت جویی در رسیدن به خیر و فضیلت، ماهیت رقابت و زندگی سیاسی را دگرگون خواهد نمود.

با این توضیحات می‌توان گفت: بازی جناحی، سیاسی و گروهی در نظام سیاسی مهدوی منطبق خود را از دست داده و جناح‌بندی‌ها و احزاب به این صورتی که در نظام‌های غیر فاضله وجود دارد، در نظام فاضله قابل تصور نیست؛ ماهیت زندگی سیاسی دگرگون و متفاوت می‌شود و رقابت بر سر منافع، به سبقت در خدمت تبدیل می‌شود. در این نظام رقابت در رسیدن به سعادت و فضیلت است. در نظام سیاسی مهدوی به دلیل نزدیکی انسان‌ها به کمال نظام سیاسی بر اساس سبقت جویی در خدمت شکل

خواهد گرفت.

در نگرش اسلامی و در مدینه فاضله مهدوی اصل وجود منجی و هادی غیبی یک اصل اساسی است و همه انسان‌ها به این آگاهی خواهند رسید که عقل آنها محدود است و نیازمند همراهی یک معلم و انسان کامل هستند تا تلاش خودشان را برای نیل به سعادت انجام بدهند و زندگی سیاسی معطوف به منفعت و قدرت دنیوی نیست، بلکه رقابت بر سر رسیدن به سعادت است، زیرا ماهیت زندگی سیاسی دگرگون و متفاوت می‌شود و رقابت بر سر منافع، به سبقت در خدمت تبدیل می‌شود.

با چنین نگرشی نقش و جایگاه مردم در مدینه فاضله مهدوی کاملاً دگرگون و منقلب می‌شود. در نظام سیاسی مهدوی که مبتنی بر حضور رهبر صالح و انسان کامل است، مشارکت متعهدانه و فعال مردم، هم برای رسیدن به سعادت خودشان است و هم زمینه‌سازی سعادت دیگران. در این نظام حضور انسان کامل و آگاهی مردم به محدودیت خود سبب می‌شود آنها با شیفتگی و درایت از رهبر و امام معصوم علیه السلام پیروی نمایند. مشارکت سیاسی مردم در نظام مهدوی، مشارکتی فعال و متعهدانه است یعنی هم یک تعهد است و هم یک حق که فعالیت بکند

در نظام مردمی مهدوی، شخص امام معصوم علیه السلام در رأس

حکومت است، الگوی اعلا، نمایش عملی، تجسم ظهور برنامه‌های اسلامی و آموزه‌های آن، و نیز نسخه سعادت بخش جامعه بشری به شمار می‌آید. در این نظام، هم قوانین بر اجرای عدالت و حق نظر دارد، و هم حاکم و نظام حکومتی از راه و روش عدل منحرف نمی‌شود. حکومتی که در مدتی کوتاه، بر دشواری‌ها چیره گردد و نابسامانی‌ها را از بین ببرد و با برچیدن ناامیدی از دل‌ها، بذر امید در آن‌ها بکارد، از پشتیبانی مردمی برخوردار خواهد بود. حکومتی که آتش جنگ‌ها را خاموش کند و امنیت را برقرار سازد، حکومت بر دل‌هاست.

### (د) امنیت گرا

از دیگر ویژگی‌های بسیار مهم حکومت عدل جهانی امام مهدی علیه السلام که در قرآن و احادیث بر آن تأکید شده است، مسأله امنیت است. حکومت مهدوی چون یک حکومت عدل محور و دارای مقبولیت مردمی است، امنیت مثال زدنی را به جامعه بشری هدیه خواهند کرد.

در پرتو حکومت عدالت گستر مهدوی، جامعه عصر ظهور از نعمت امنیت و آسایش فکری بهره‌مند خواهد شد. در آن زمان امنیت از جمیع جهات در حد اعلا تأمین است: امنیت مالی، امنیت جانی، امنیت آبرویی، امنیت فکری و فرهنگی، امنیت اقتصادی،

امنیت اعتقادی، امنیت نظامی، امنیت روحی و روانی، امنیت اجتماعی و... آرامش خاطر بر آن جامعه حکم فرما است و مرزهای امنیت انسانها مورد تهدید واقع نمی‌شود و در کمال آرامش و صلح و صفا به زندگی انسانی مشغول هستند.

عدالت و امنیت از برترین و مقدم‌ترین نعمت‌ها و دستاوردهایی است که توسط امام مهدی عج به بشریت در فراخنای گیتی هدیه خواهد شد. از این نظر می‌توان طعم شیرین امنیت را از آثار عدالت فراگیر حکومت مهدوی بر شمرد، زیرا اگرچه در هر عصری اثری از امنیت نسبی مشاهده می‌شود، اما امنیت مطلق که عقاید، ایمان، جان، مال و ناموس مردم از گزند هر ضرر و اضرائی در امان باشد، آرزوی دیرینه‌ای است که تنها در پرتو حکومت مهدوی نصیب جامعه بشری خواهد شد؛ همان امنیت فراگیری که خداوند وعده داده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾<sup>۱</sup> خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را

حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، منظور از آیه را عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام دانسته است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «تَزَلَّتْ فِي الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»<sup>۱</sup> این آیه در شأن حضرت قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.

در این آیه تأکید بسیار بر تبدیل خوف و نگرانی مؤمنان به امنیت است که در سایه‌ی حکومت و خلافت صالحان این امنیت مطلق تأمین می‌شود؛ البته امنیت هدف نیست، بلکه مقدمه‌ای است برای اینکه انسانها با خاطری آسوده خدای یکتا را بپرستند و هیچ چیز را شریک او در عبادت قرار ندهند.

امنیت خاطر از هر جهت، از ارکان یک زندگی سالم و انسانی است

---

۱. الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۰؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۴؛ معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۸۲.

و حد اعلای آن به دور از هر کم و کاستی در آن زمان بروز و ظهور خواهد کرد و امنیت و آرامش خاطر در جمیع جهات زندگی را به ارمغان خواهد آورد. در دولت کریمه مهدوی شهروندان آن از هر ستمی در امان اند؛ آن چنانکه در پرتو این عدالت دشمنی‌ها به دوستی، نزاع‌ها به صلح و کینه‌ها به محبت بدل می‌شود. صفا و مهر نه تنها میان بشر بلکه بین حیوانات نیز شایع می‌گردد و میوه شیرین امنیت عمومی، محصول عدالت‌گستری حکومت مهدوی علیه السلام خواهد بود.

احساس امنیت، چنان فراگیر و با ثبات است که همه راه‌ها امن می‌شود. دامنه قسط و داد حضرتش امنیت و ثبات را در تمام شئون زندگی انسان‌ها حاکم می‌سازد آن چنانکه بانویی به تنهایی فاصله عراق تا سوریه را با تمام ملزومات خویش طی می‌کند، بی آنکه از تعرض انسان یا حیوانی هراسی به دل راه دهد؛ یا کسی یا چیزی به او تعرضی روا دارد.

در این زمینه امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ  
لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى

تَمْشِي الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَأَ تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ  
وَعَلَى رَأْسِهَا زَيْتُهَا لَأَ يُهَيِّجُهَا سَبْعُ وَا لَأَ تَخَافُهُ؛<sup>۱</sup> چون قائم ما قیام  
کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود و حتی درندگان نیز باهم  
سازگاری کند، امنیت چنان فراگیر شود که زنی همراه با  
زیورآلات خود، از عراق تا شام سفر کند، بدون این‌که هیچ  
دغدغه و نگرانی از خطر داشته باشد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ  
بِالْعَدْلِ وَارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَآمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ؛<sup>۲</sup> آن‌گاه که قائم  
قیام کند، به عدالت حکم راند و در زمان او، ستم رخت بربندد و به  
واسطه او، راه‌ها ایمن شود».

در عصر ظهور همه اقوام و ملل و فرد فرد انسان‌ها بدون هیچ‌گونه  
تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند  
چشید. بشر و تمام ساکنان و جنبندگان آسمان‌ها و زمین با  
آغوشی باز و خشنودی بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر  
امن قرآنی و الهی در سایه عدالت گستری حضرت مهدی محقق  
خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد

۱. الخصال، ص ۶۲۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۲؛ کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۳،

ص ۴۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.



رسید و ایمان به عنوان سرچشمه اصلی امنیت، بر قلبها و جانها طمأنینه و آرامش را حکمفرما خواهد ساخت.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی، امنیتی غالب بر عدالت و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر رویکرد و مشی الاهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و پذیرش کامل مردم سود می‌برد. همین امر به جذب بیش‌تر قلب‌های مردم به سوی امام عصر و نهضت جهانشمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت و حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد و ترس و هراس و ناامنی و بی‌عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کرده؛ فرمود:

يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا يَمَلَأُ  
الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا حَتَّى يَكُونَ النَّاسُ عَلَى مِثْلِ أَمْرِهِمُ  
الْأَوَّلِ لَا يُوقَظُ نَائِمًا وَلَا يُرِيقُ دَمًا؛ امت اسلامی به مهدی ﷺ  
مهر می‌ورزند و به سویش پناه می‌برند، آن چنان‌که زنبوران

عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند. عدالت را در پهنه گیتی می‌گستراند و صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می‌گرداند، خفته‌ای را بیدار نمی‌کند تا مزاحم آسایش کسی شود و خونی را به ناحق نمی‌ریزد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾<sup>۱</sup> فرمود: «فَمَنْ بَايَعَهُ وَدَخَلَ مَعَهُ وَمَسَحَ عَلَى يَدِهِ وَدَخَلَ فِي عَقْدِ أَصْحَابِهِ كَانَ آمِنًا»<sup>۲</sup> یعنی هر کس با او بیعت کند و در سلک پیروان او باشد از ذلت و خواری و تیره بختی دنیا و آخرت ایمن خواهد بود.»

بنابراین، در جامعه‌ای که حق مظلوم باز ستانده نشود و صاحبان زر و زور مانعی را بر سر راه کامجویی‌های خود نبینند، امنیت اجتماعی و فراگیر، رؤیایی است که تعبیر روشنی نخواهد داشت؛ زیرا ناامنی، ظلم، تجاوز و تعدی، آفات ویرانگر اجتماعی است که محصول بی‌عدالتی است. در حکومت عدل مهدوی، اثری از ناامنی و ظلم و تجاوز نخواهد ماند، در عصر ظهور او عدالت به شکل همه‌گیر اجرا می‌شود، به گونه‌ای که همه از شهروندان دولت

۱. سوره آل عمران، آیه ۹۷.

۲. علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۱.

جهانی مهدوی از امنیت و عدالت بهره‌مند می‌گردند، چرا که حقجویان امت نبوی که با آن وجود گرامی بیعت کرده و به برکت او از کمال عقل و روح استغنا برخوردار گردیده‌اند، هم عادلانه رفتار خواهند کرد و هم امنیت مدینه مهدوی را پاس خواهند داشت.



### سیره قضائی امام مهدی علیه السلام

مهم ترین رسالت حضرت مهدی علیه السلام به عنوان خاتم اوصیای رسول اکرم صلی الله علیه و آله اجرای کامل احکام و قوانین اسلام است، بدون شک سیره قضایی آن حضرت نیز چیزی جز احیای سنت جدش و تحقق کامل دستورات معطل مانده دین اسلام در جامعه نخواهد بود.

#### (الف) قضاوت به ظاهر (بینه)

حضرت مهدی علیه السلام مأموریتی ویژه در اقامه عدل و احقاق حق مظلومان بر دوش دارد، از این رو، بر اساس روایات داوری های آن حضرت نیز دو گونه است؛ هم بر اساس ظواهر و بینه و شاهد که سیره اجداد طاهرینش می باشد حکم می کند و هم در مواردی که لازم بداند بر اساس علم خود بدون بینه و شاهد حکم می کند، همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود:

إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْإِيمَانِ وَبَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَإِنَّمَا رَجُلٌ قَطَعْتُ لَهُ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْئًا فَإِنَّمَا قَطَعْتُ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ؛ من تنها بر اساس سوگندها و اقامه شواهد و گواهی در میان شما به داوری می پردازم و چون در مقام دلیل آوردن، بعضی از شما زیرک تر از برخی دیگر است، پس اگر

در مواردی من بر اساس بینه و سوگند، برای فردی از مال برادرش چیزی مقرر کردم و در واقع این گونه نبود، تکه‌ای از آتش را برایش مقرر کرده‌ام.

در واقع حضرت می‌فرماید اگر حکمی صادر کردم که مثلاً فلان زمین از آن فلان شخص است، ولی در واقع این گونه نباشد، گو اینکه قطعه‌ای از آتش را برای او بریده‌ام (یعنی او حق تصرف در آن را ندارد و در واقع برایش حلال نمی‌شود).

### ب) قضاوت به باطن (علم)

طبق ظاهر برخی روایات، حضرت مهدی علیه السلام در زمان ظهور، بر اساس حکم واقعی و علم به آن قضاوت می‌کند و بینه و شاهد نمی‌خواهد. در حالی که اجداد گرامی‌اش، در منازعات قضایی، بر اساس ظاهر و با استناد به شهادت و قسم، حکم می‌کردند.

امام صادق علیه السلام در بیان شیوه قضاوت حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور فرمود: «لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِّنِّي يَحْكُمُ بِحُكْمَةِ آلِ دَاوُدَ لَا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَةٍ يُعْطِي كُلَّ نَفْسٍ حُكْمَهَا؛ دنیا پایان نیابد تا آنکه مردی از فرزندان من بیرون آید که طبق حکومت آل داود حکم کند،

گواه نخواهد و حق هر کس را به او عطا کند».

نیز ابو عبیده حذاء نقل می کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود: «يَا أَبَا عُبَيْدَةَ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَمَّا يَسْأَلُ بَيِّنَةً؛ ای ابا عبیده! زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، به حکم داود و سلیمان حکم دهد و گواه نطلبد».

امام عسگری علیه السلام در توصیف شیوه قضایی فرزندش حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «فَإِذَا قَامَ قَضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ؛<sup>۲</sup> چون او قیام نماید، بین مردم بر اساس دانش خود حکم کند، همانند قضاوت حضرت داود، و درخواست شاهد نمی کند».

جابر گوید: مردی خدمت حضرت باقر علیه السلام رسید و من نیز آنجا حاضر بودم؛ حضرت فرمود:

فَإِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يَهْدِي لِأَمْرِ خَفِيٍّ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَةَ وَ  
سَائِرَ كُتُبِ اللَّهِ مِنْ غَارٍ بَانْطَاكِيَّةٍ فَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ  
بِالتَّوْرَةِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ  
وَ بَيْنَ أَهْلِ الْفُرْقَانِ بِالْفُرْقَانِ؛ بدین جهت «مهدی» نامیده اند که

۱. الکافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۸۶.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۰۹؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۳۱؛ الخرائج و الجرائع، ج ۱، ص ۴۳۲.

۳. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۶۱. همان گونه که جد بزرگوارش امیر

مردم را به امر مخفی و نهانی هدایت می‌فرماید، آن جناب تورات و تمام کتب آسمانی دیگر را از غاری که در انطاکیه هست بیرون آورده و بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل و بین اهل زبور به زبور و بین اهل فرقان به فرقان حکم می‌فرماید.

علی بن عقبه از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلُ دِينٍ حَتَّى يُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ يَعْتَرِفُوا بِالْإِيمَانِ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾<sup>۱</sup> وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ عليه السلام؛ هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند بر اساس عدل قضاوت خواهد کرد و ظلم و جور در ایام حکومت او رخت بر بسته و هر حقی به اهل آن باز می‌گردد و اهل هیچ

مؤمنان علیهم السلام این چنین فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ تَنَبَّأَ لِي الْوَسَادَةُ لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ؛ به خدا قسم اگر مسند برایم بیندازند و بر آن نشینم به اهل تورات و اهل انجیل و اهل زبور و اهل قرآن به کتاب خودشان قضاء و داوری نمایم» (الإحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۳).

۱. سوره آل عمران آیه ۸۳.

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ روضة السواعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛

کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۶۵.

کیش و آئینی به جای نماز و غیره اینک همگی اظهار اسلام کنند و اعتراف به ایمان نمایند، مگر نشنیده‌ای که خدای سبحان فرماید: «و برای او اسلام آورد هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و به سوی او بازگردانیده می‌شوند» و به حکم حضرت داود علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در میان مردم حکومت کند.

حضرت داود علیه السلام بر اساس علمی که خدا در اختیارش گذاشته بود. در داوری میان افراد و قضاوت بین متخاصمین به علم الاهی خود عمل می‌کرد و طبق آن حکم صادر می‌کرد، نه آنکه از مدعی، شاهد بخواهد. گاهی در شیوه‌های رایج، مدعی شاهد ندارد، یا شاهد دروغین در محکمه گواهی می‌دهند، یا قسم‌های دروغ می‌خورند و حق و نا حق می‌شود. اما حضرت بر اساس علم معصومانه و غیبی خود حکم صادر می‌کند و هیچ حقی ضایع نمی‌گردد.

در عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام چونان داود نبی علیه السلام و جدش حضرت محمد صلی الله علیه و آله حکم و قضاوت خواهد نمود. حکم داودی، حکم بر اساس حق و عدالت است؛ چنانکه قرآن فرمود: ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾



سَبِيلِ اللَّهِ<sup>۱</sup> و حکم محمدی ﷺ قضاوت بر اساس عدالت و دستور الاهی است: ﴿وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ﴾<sup>۲</sup>؛ ﴿فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِمَا لَآهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ﴾<sup>۳</sup>. محوریت عدالت و دستورات الاهی در سیره قضایی حضرت مهدی ﷺ سبب می‌شود که در هیچ گوشه‌ای از جهان بر کسی ظلم و ستم روا نگردد و همگان از نعمت عدالت بهره‌مند گردند.

داوری امام مهدی ﷺ بر طبق قانون دادرسی رسول خدا ﷺ و داود<sup>۴</sup> و سلیمان<sup>۵</sup> به این نکته اشاره دارد که آن حضرت، هم از موازین ظاهری دادرسی اسلامی همچون اقرار و گواهی گواهان و مانند آن استفاده می‌کند و هم از شیوه‌های روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی آن چنانکه پاره‌ای از نمونه‌های آن در عصر داود<sup>۶</sup> نقل شده است بهره‌می‌برد. به علاوه در عصر او به موازات

۱. ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف سازد (سوره ص، آیه ۲۶).

۲. اگر میان آنها داوری کردی، با عدالت داوری کن (سوره مائده، آیه ۴۲).

۳. پس بر طبق احکامی که خدا نازل کرده، در میان آنها حکم کن! از هوی و هوسهای آنان پیروی نکن و از احکام الاهی روی مگردان! (سوره مائده، آیه ۴۸).

پیشرفت علوم و دانش‌ها و تکنیک و صنعت آنقدر وسایل کشف جرم تکامل می‌یابد که کمتر مجرمی می‌تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد.

از این رو، امام مهدی علیه السلام بر پایه علم غیبی خود و با استفاده از شیوه‌های روان‌شناسی، مجرمان را شناسایی کرده و درباره او داوری می‌کند، چنانکه عبدالله بن عجلان از امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بِيَحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ وَ يُخْبِرُ كُلَّ قَوْمٍ بِمَا اسْتَبْطَنُوهُ وَ يَعْرِفُ وِلِيَّهُ مِنْ عَدُوِّهِ بِالتَّوَسُّمِ؛ آن زمان که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند، مانند داوود میان مردم قضاوت می‌کند و به بیینه و شاهد نیاز ندارد چون خداوند به او الهام می‌کند و او براساس علم خدادادی خود به قضاوت می‌پردازد و از باطن همگان اطلاع می‌دهد و از روی قیافه، دوستش را از دشمنش تشخیص می‌دهد.

---

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۶؛ إعلام السوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۴.

البته حکم بر اساس علم غیب و واقع، بر خلاف شیوه معمول در زمان پیامبر اکرم ﷺ و دیگر ائمه علیهم السلام می‌باشد، چون قضاوت رایج در زمان ائمه علیهم السلام و زمان قبل از ظهور بر اساس حکم ظاهر بوده است؛ چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَالْأَيْمَانِ؛ من تنها بر اساس سوگندها و اقامه شواهد و گواهی در میان شما به داوری می‌پردازم»؛ اما سیره قضایی آخرین امام علیه السلام با آن تفاوت دارد. شاید دلیل این تفاوت این باشد که حکم به واقع و داوری بر پایه علم امام علیه السلام با دو محذور مواجه بوده است: یکی اینکه در عصر غیبت امام علیه السلام، قاضیان علم به واقع ندارند و شاید در بسیاری از موارد علم شان در حقیقت جهل مرکب باشد. دوم اینکه مردم نیز تحمل حکم به واقع را ندارند و داوری داودی برای بسیاری از مردم غیر قابل تحمل است، لذا از حکم به واقع چشم پوشی شده و حکم به بی‌تنبه و قسم، به عنوان روش قضاوت کردن معین گردیده است.

اما در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام با توجه به تحول ژرف، عمیق و همه جانبه‌ای که به یمن وجود حضرت پدید می‌آید، زمینه اجرای این حکم اولی اسلام، یعنی حکم به واقع پدید می‌آید و دو مانعی که این حکم بر سر راه دارد، برداشته می‌شود. از این رو، با شرایطی که در زمان ظهور پدید می‌آید زمینه حکم به واقع فراهم می‌گردد و حضرت در زمان ظهور طبق واقع حکم می‌کند و بینه و شاهد نمی‌طلبد. بنابراین، جواز داوری به واقع در صورتی که قاضی مانند امام معصوم از واقع با خبر باشد هیچ ایرادی ندارد و اگر قضاوت طبق واقع صورت نمی‌گیرد به دلیل عدم تحمل مردم و عدم علم قاضی به واقع است.

مرحوم مجلسی اول نیز در این باره معتقد است که حق داوری به واقع، برای امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین علیه السلام برای آن است که آنان علم به واقع دارند، اگرچه داوری به واقع بر آنان واجب نیست مگر در زمان حضرت قائم علیه السلام، زیرا در اخبار متواتر آمده هنگامی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند، مانند آل داوود

قضاوت می‌کند و بینه نمی‌طلبد.<sup>۱</sup> به عقیده مرحوم محمد تقی مجلسی، روایات مربوط به داوری داوودی حضرت مهدی علیه السلام در حد تواتر است.

\*\*\*

---

۱. «الحکم بالواقع من الائمة المعصومین سیما امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم لعلمهم بالواقع فی الوقایع و ان کان لم یجب علیهم ذلك الا فی زمان القائم علیه السلام (روضه المتقین، ج ۶، ص ۵۹).

### سیره جهادی امام مهدی علیه السلام

اسلام دین رحمت و رشد و تعامل انسان‌ها است، از این رو جنگ را نه به عنوان هدف و آرمان، بلکه به عنوان راه و وسیله برای تحقق هدف پذیرفته است. قرآن کریم نیز هدف از جنگ را رفع فتنه بیان فرموده است: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِئْتَنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ﴾؛ و با آنها پیکار کنید تا فتنه (و بت پرستی، و سلب آزادی از مردم،) باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد.

فتنه، همه ناآرامی‌ها، و مزاحمت‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد که جامعه و مردم را از سیر طبیعی خود باز می‌دارد، لذا در راه هدف ارزشمند و انسانی نابودی فتنه‌ها و آشوب‌ها به معنای وسیع آن باید جنگید تا ارزشهای الهی و انسانی در جامعه محقق شود و کفر و شرک که اساس فتنه و بدبختی انسان‌هاست از عرصه زندگی برچیده شود.

بدون شک، کفر و شرک، موانع اصلی باز دارندگی انسان از حرکت به سوی کمال و تربیت و رشد معنوی و مادی است و در منطق قرآن کریم، زدایش این موانع، هدف اصلی از تجویز جنگ است.

همچنین این سخن رسول خدا ﷺ نیز ناظر به این رویکرد اصلاحی است که فرمود: «الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَ تَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَ لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ وَ السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ؛ تمام نیکی‌ها و خیرات در جنگ و در زیر سایه شمشیر است و مردمان را جز شمشیر راست نکند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ است».

### الف) برجیدن بساط کفر

سیره جهادی و مبارزاتی امام مهدی ﷺ برای زدودن مظاهر فتنه و شرک و کفر و براندازی همه نظام‌های طاغوت و حاکمیت مطلق دین الاهی در سراسر جهان است.

عبد العظیم حسنی، از امام جواد ﷺ نقل کرده است که حضرت فرمود: «الْقَائِمَ الَّذِي يُطَهِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ أَهْلِ الْكُفْرِ وَ الْجُحُودِ؛ مهدی ﷺ کسی است که خداوند به وسیله او اهل کفر و عناد را ریشه کن کرده و زمین را از وجود آنان پاک می‌کند».

ابی الجارود از امام باقر ﷺ نقل کرده است که فرمود: «يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ

۱. أمالی صدوق، ص ۵۷۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۸. واژه «يُطَهِّرُ» در این کلام حضرت و هم چنین در سخن امیر مؤمنان ﷺ که فرمود: «وَ لِيُطَهِّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ» (بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰) بیان گر خباثت و پلیدی کفار و انسان‌های ناپاک است که زمین را آلوده کرده است و باید تطهیر شود.

شَرِقَ الْأَرْضِ وَ غَرِبَهَا وَ يَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّى لَا يَبْقَى إِلَّا دِينَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله؛<sup>۱</sup>  
 خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و چندان از مردم  
 بیدین به قتل می رساند که جز دین محمد صلى الله عليه وآله باقی نماند».

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ  
 مَغَارِبَهَا وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ  
 تُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرُ  
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ  
 الْمُشْرِكُونَ؛<sup>۲</sup> سپس خداوند او را ظاهر کند و شرق و غرب  
 جهان را به دست او بگشاید و عیسی بن مریم از آسمان فرود  
 آید و پشت سر او نماز گذارد. زمین با نور خداوند منور گردد  
 و جایی در روی زمین نمی ماند که در آن غیر از خداوند عز و  
 جل پرستش شود؛ همه ادیان از میان برود و فقط دین خدا  
 می ماند هر چند مشرکین نپسندند.

امام مهدی علیه السلام اگرچه در مواجهه با کفار از حمایت نیروی غیبی و  
 کمک های آسمانی و فرشتگان برخوردار است، اما این گونه نیست  
 که پیروزی حضرت بر مخالفان و گسترش حکومت عدل اسلامی در

۱. الغیبة، طوسی، ص ۴۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.



سراسر جهان، تماماً متکی به اعجاز و قدرت خارق العاده الاهی باشد، بلکه نصرت حضرت مهدی علیه السلام بر دشمنان به طور طبیعی و عادی خواهد بود، گرچه این نصرت همراه با تأییدات جزئی و خاصی از جانب خداوند است، زیرا همان گونه که می دانیم بشر در عصر ظهور مورد ظلم و ستم فراوان است، و از طرفی، از حیث فرهنگی و رشد عقلانی، عموم بشر به بالاترین سطح خود رسیده است و لذا به دنبال چنین رهبری الاهی است تا با لبیک به دعوتش از او پیروی نماید. هرگز ابرقدرتها با همه امکاناتی که دارند نمی توانند در مقابل اراده ملت‌ها بایستند. اگر مردم همگی یکپارچه و یک صدا فریاد برآورند، دشمنانشان به زانو در خواهند آمد. مگر در صدر اسلام نبود که مردم فوج فوج داخل اسلام شده و دعوت پیامبر را پذیرفتند؟ در عصر ظهور نیز هنگامی که مردم دنیا از وسایل ارتباط جمعی خبر قیام مصلحی جهانی را بشنوند به او گرویده و از او حمایت خواهند کرد، و کسی نمی تواند در صورت اقبال مردم با اراده آنها مقابله کند. بلی، هر کجا که حضرت با مانع خاصی روبرو شد خداوند متعال با اعجاز به کمکش آمده و از آن حضرت حمایت خواهد نمود.

با ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر آنچه مایه اقتدار و قدرت و دولت برای اهل باطل شمرده می شد، از بین می رود و دین اسلام و نظام ولایی امامت جایگزین می گردد. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ

ذَهَبَ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم علیه السلام ظهور و قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «كَأَنِّي بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ فَلَيْسَ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَهُوَ مُطِيعٌ لَهُمْ؛<sup>۲</sup> گویا یاران قائم علیه السلام را می‌بینم که به سراسر زمین از مشرق تا مغرب احاطه کرده‌اند و همه چیز در فرمان آنها است».

### ب) قاطعیت در سیره جهادی حضرت

سیره جهادی امام مهدی علیه السلام براساس آیه مبارکه: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾<sup>۳</sup> همانند جدش رسول الله صلی الله علیه و آله مهربانی با مؤمنان و شدت عمل با کفار و معاندان است.

امام مهدی علیه السلام مظهر تحقق رحمت و قهر الاهی در آخر الزمان است. او در قدم نخست، امام رحمت و مهربانی است و برای هدایت و سعادت انسان‌ها قیام می‌کند، نه برای کشتن و خون‌ریزی و ویران کردن. آن حضرت اگرچه در برابر گردن‌کشان، قاطع و انعطاف‌ناپذیر

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳.

۳. محمد صلی الله علیه و آله که فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود بسیار مهربانند (سوره فتح، آیه ۲۹).

است، اما برای عموم مردم امام مهربانی است و مانند روش پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ ابتدا با رحمت و مهربانی فراوان به بیان حقیقت دین و پیام اسلام برای جهان می‌پردازد و گروه فراوانی توبه کرده انسان‌های پاکی می‌شوند، حتی غیرمسلمانان سخن ایشان را می‌پذیرند و گرد او جمع می‌شوند. حضرت، به کمک و یاری آنها نهضت خود را شروع می‌کند. این گونه نیست که به کسی مهلت تفکر و توبه ندهد، بلکه وقتی حضرت مهدی ﷺ ظهور کند، کسانی که سخن امام را نپذیرفته‌اند، اگر به این دلیل باشد که هنوز دلایل کافی ندیده‌اند و اطمینان ندارند، به آنها مهلت داده می‌شود تا خوب بیندیشند و کسی معترض آنها نمی‌شود. اما اگر بعد از اتمام حجت و اقامه دلیل، باز هم به دشمنی خود ادامه دهند و بی‌دلیل به مخالفت برخیزند، امام با آنها برخورد قاطعانه و عبرت آمیز خواهند کرد.

بر اساس روایت‌ها، بسیاری از کافران به ویژه اهل کتاب، به حقانیت امام و راه نورانی او پی‌می‌برند و به آن حضرت ایمان می‌آورند. بسیاری از کافران مقاومت نمی‌کنند، بلکه تسلیم می‌شوند. به ویژه مسیحیان که با نزول حضرت مسیح ﷺ و پشتیبانی او از امام زمان ﷺ، تسلیم شده و مسلمان می‌شوند.

بر اساس روایات، حرکت جهادی حضرت مهدی ﷺ از یک نقطه

خاص؛ یعنی مکه و با یک گروه اندک و محدود؛ یعنی سیصد و سیزده نفر یاران ویژه (هسته مقاومت) آغاز می‌شود تا اینکه به تدریج بر تعداد پیروان آن حضرت افزوده می‌شود، چون هر حرکت اصلاحی و اجتماعی در ابتدا از یک نقطه محدود و کوچک شروع می‌شود و به تدریج پیش می‌رود. پیش‌روی‌ها و پیروزی‌های حضرت مهدی علیه السلام نیز به تدریج صورت می‌گیرد و کم کم پیروزی‌های آن حضرت توسعه می‌یابد و با نیروهای تازه که به آن حضرت ملحق می‌شوند، به سراغ فتح مواضع جدید می‌رود. آنگاه سپاهیان حضرت با یک سازمان دهی منظم، به فتح شهرها و کشورها می‌پردازند.

در این راستا، ابتدا به آزادسازی حجاز می‌پردازد: **فَيَفْتَحُ اللَّهُ أَرْضَ الْحِجَازِ، وَيَخْرُجُ مَنْ كَانَ فِي السِّجْنِ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، وَتَنْزِلَ الرَّايَاتِ السُّودِ الْكُوفَةَ، فَيَبِيعُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ، فَيَبِيعُ الْمَهْدِيُّ جُنُودَهُ إِلَى الْبُلْدَانِ؛** اول سرزمین حجاز را فتح می‌کند، و زندانیان از ابنای بنی هاشم از زندان آزاد می‌شوند، پرچم‌های سیاه (گمراهی) از کوفه به زیر کشیده می‌شوند، (صاحب رایت) برای بیعت به سوی مهدی علیه السلام برانگیخته می‌شود، و حضرت مهدی علیه السلام لشکریانش را به سوی شهرها و کشورها می‌فرستد.

پس از آزاد سازی مکه و مدینه، دامنه فتوحات حضرت به سوی عراق و دیگر شهرها گسترش می‌یابد. یعقوب بن سراج از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «يُقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَأْمَنُ أَهْلَهَا وَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا؛<sup>۱</sup> صاحب الامر علیه السلام به سوی عراق روی می‌آورد و سپاهی را به مدینه می‌گمارد تا امنیت را برای اهالی مدینه برقرار کند و آنانی را که از مدینه مهاجرت کرده‌اند به خانه‌هایشان بازگردند».

در هنگام ورود حضرت به عراق، پیکار سختی میان سپاه حضرت با جمعی از مقدس نمایان معاند رخ می‌دهد. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرُجُ مِنْهَا بِضْعَةَ عَشَرَ أَلْفَ نَفْسٍ يُدْعَوْنَ الْبُتْرِيَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَاحُ فَيَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَيْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي بَنِي فَاطِمَةَ فَيَضَعُ فِيهِمُ السَّيْفَ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ يَدْخُلُ الْكُوفَةَ فَيَقْتُلُ بِهَا كُلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَ يَهْدِمُ قُصُورَهَا وَ يَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عِزًّا وَ عِلًّا؛<sup>۲</sup> زمانی که قائم علیه السلام به کوفه وارد شود، چندین هزار تن که بتریه (گروهی شبیه خوارج) خوانده می‌شوند، در مقابل حضرت می‌ایستند و

۱. الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵؛ الغیبة، نعمانی، ص ۲۷۹.

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ روضة الواعظین، ص ۲۶۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

به او می گویند: «برگرد. ما به فرزندان فاطمه احتیاجی نداریم!»  
 آن گاه امام علیه السلام ناگزیر دست به شمشیر برده و همه آنان را از دم  
 تیغ می گذراند. سپس وارد کوفه شده و بقایای اهل فتنه و نفاق  
 را می کشد و کاخ های آنان را وازگون کرده و آنقدر از  
 جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی شود.

بیشتر جنگ های حضرت در عراق و شامات، با لشکریان سفیانی  
 است. امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِيُّ أَنَّ الْقَائِمَ قَدْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ مِنْ نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ  
 يَتَجَرَّدُ بِخَيْلِهِ حَتَّى يَلْقَى الْقَائِمَ... ثُمَّ يُصْبِحُونَ لِلْقَائِمِ علیه السلام  
 بِالْحَرْبِ فَيَقْتُلُونَ يَوْمَهُمْ ذَلِكَ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَمْنَحُ الْقَائِمَ وَ  
 أَصْحَابَهُ أَكْتَانَهُمْ فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنَوْهُمْ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ  
 يَخْتَفِي فِي الشَّجَرَةِ وَالْحَجَرَةِ فَتَقُولُ الشَّجَرَةُ وَالْحَجَرَةُ يَا  
 مُؤْمِنُ هَذَا رَجُلٌ كَافِرٌ فَاقْتُلْهُ فَيَقْتُلُهُ قَالَ: فَتَشْبَعُ السَّبَاعُ وَالطُّيُورُ  
 مِنْ لَحْمِهِمْ فَيَقِيمُ بِهَا الْقَائِمُ علیه السلام مَا شَاءَ! هنگامی که سفیانی  
 متوجه می شود که حضرت قائم علیه السلام از سمت کوفه به سوی او  
 می آید...، فردای آن روز به جنگ با حضرت می پردازد که تمام  
 روز طول روز می کشد. خداوند حضرت قائم علیه السلام و یارانش را  
 قدرت داده و یاری می نماید، تا آن که تمامی دشمنان را

می‌کشند و نابود می‌سازند؛ تا آن‌جا که اگر یکی از آنان پشت سنگ یا درختی پنهان شود، سنگ و درخت به زبان آمده و به سپاه امام می‌گویند: «ای مؤمن! کافری پشت من پنهان شده، او را بکش! و او هم آن کافر را می‌کشد، تا جایی که درندگان و پرندگان از گوشت آنان سیر می‌شوند.

حضرت مهدی علیه السلام پس از پیروزی و تارومار کردن لشکریان سفیانی، منطقه را از وجود دشمنان پاک سازی کرده و سپاهیان را برای فتح دیگر مناطق جهان اعزام می‌کند:

ثُمَّ يَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ عليه السلام ثَلَاثَ رَايَاتٍ لِيَوَاءَ إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّةِ يَفْتَحُ  
 اللَّهُ لَهُ وَ لِيَوَاءَ إِلَى الصِّينِ فَيَفْتَحُ لَهُ وَ لِيَوَاءَ إِلَى جِبَالِ الدَّيْلَمِ  
 فَيَفْتَحُ لَهُ؛<sup>۱</sup> سپس حضرت قائم علیه السلام سه پرچم را می‌بندد، یکی را به سوی قسطنطنیه می‌فرستد و خداوند آن‌جا را برای او می‌گشاید، دومی را به سوی چین اعزام می‌کند و آن‌جا را فتح می‌کند و سومی را به مناطق کوهستانی دیلم می‌فرستد و در آن‌جا پیروز می‌شود.

### ج) انعطاف ناپذیری در برابر دشمنان

امام مهدی علیه السلام در برخورد با دشمنان دین، قاطع و سازش ناپذیر

است و در اجرای حدود و احکام الاهی و مبارزه با ستمگران، چشم پوشی و مسامحه‌ای در راه و روش او نیست. نیز از ملامت ملامتگران نمی‌هراسد، از هیچ مقام و قدرتی نمی‌ترسد و بدون هیچگونه ملاحظه‌ای تبه‌کاران را کیفر می‌کند و صالحان زاهد و ساده زیست و بی‌آلایش را در مصادر امور می‌گمارد.

سازش ناپذیری و قاطعیت خصلت همه رهبران راستین الاهی است و این خصلت در امام مهدی علیه السلام در حد اوج و کمال است، چرا که معیار پاکسازی اجتماعات بشری و تحقق یافتن عدالت فراگیر و ریشه سوزی هر ظلم و ستم باید بدون کمترین ترحم و ارفاق صورت گیرد به طوری که در هیچ جای جهان علت فساد و عامل بیدادی برجای نماند تا کسی نتواند با توطئه و کار شکنی در کار سامان بخشیدن امور جامعه بشری، اخلال ایجاد کند.

امام مهدی علیه السلام با دو گروه، برخورد قهر آمیز و انعطاف ناپذیر دارد؛ یکی معاندان لجوج که بدون دلیل بر عقاید خود پا می‌فشارند و دلیل‌های روشن امام را نمی‌پذیرند و به مخالفت بر می‌خیزند. دوم سران ظلم و شرک که دنیا را از آن خود می‌دانند و با آزادی و سعادت مردم مخالف‌اند و همه چیز را برای خود می‌خواهند و حقوق مردم را رعایت نمی‌کنند و خواستار ظلم، فساد و گناه هستند.

حضرت با آن عده از کافرانی که ایمان نمی‌آورند، برخورد می‌کند.



این جنگ‌ها در کشورهای گوناگون رخ می‌دهد. حضرت مهدی علیه السلام برای از بین بردن آن‌ها به کشورها سفر نمی‌کنند، بلکه به فرماندهی حضرت جنگ‌هایی رخ می‌دهد و دشمنان سرکوب می‌شوند.

در این مبارزه قهر آمیز، حضرت کار معاندان و سران کفر را یک سره می‌کند. از این نظر عصر ظهور آخرین حجت الاهی علیه السلام را می‌توان عصر عزت و سربلندی مظلومان و خواری و شکست نهایی ستمگران دانست، چون در اعصار گذشته، یا سیاست‌های حاکمان جور و کفر، عرصه را بر امامان هدایت تنگ کرده و بسته بود؛ یا بیعتی از خویش را بر وجود مبارکشان تحمیل کرده بود و آنان نیز به اقتضای مصالح اسلام و مسلمانان آن را مراعات می‌کردند؛ اما چون آن حضرت، حکومت حق را تأسیس کند، هیچ بیعتی از کسی بر عهده ندارد و در برابر هیچ طاغوتی متعهد نیست، از این رو با هیچ ستمگری مسامحه یا مصالحه نمی‌کند و جز از در هدایت یا تسلیم، با آن‌ها برخورد نکند.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «يَقُومُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَأَ عَقْدٌ وَ لَأَ بَيْعَةٌ؛<sup>۱</sup> قائم علیه السلام هنگامی که قیام می‌کند، عقد بیعت و تعهد و قراردادی از کسی به گردن او نیست.»

آن گاه در برابر معاندان حق ستیز که جز ظلم و جهل و استثمار ثمر دیگری ندارند، تیغ انتقام می کشد و در مقام مظهریت اسم «منتقم» الاهی از آنان انتقام می کشد و مایه تشفی دل های رنج دیده و ستم کشیده مؤمنان می گردد، آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیث قدسی فرمود: «وَهَذَا الْحُجَّةُ الَّتِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا وَيَشْفِي صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ؛<sup>۱</sup> و این است حجت الاهی، همان کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد و دل های مؤمنان را تشفی خواهد بخشید».

در دوران ظهور آخرین حجت الاهی، این واقعیت نادیده گرفته نمی شود تا پاکسازی ریشه های جامعه بشری تحقق خارجی یابد و از هر شکست و ناتوانی و سستی در امان ماند؛ از این رو امام منجی در سراسر اندام جامعه بشری سلولی فاسد بر جای نمی گذارد و هر خس و خاشاکی را از مسیر انسان بر می دارد و هر فساد را در نطفه خفه می کند و هر ستمی را از ریشه می خشکاند در همه جریانهای فاسد و ضد انسانی همه عاملان زمینه سازان و دستیاران آن جریانها را از دم تیغ می گذراند.

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «يَقُومُ الْقَائِمُ... عَلَيَّ

۱. إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۴۱۶؛ کفایة الاثر، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۳.

الْعَرَبُ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفَ لَا يَسْتَيْبُ أَحَدًا وَلَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمًا؛ امام قائم عج قیام می کند... بر اعراب سخت گیر است و راه و روش او شمشیر و به کارگیری سلاح است و در راه اجرای برنامه های الهی، بیم از ملامت هیچ ملامت گری را به دل راه ندهد».

امام مهدی عج با ایجاد بیم و دلهره و ترسهای عمیق و راستین بسیاری از گروههای مخالف و ستم پیشه را مجبور به ترک راه و روش خود می کند و به تسلیم و امانت می دارد. آن حضرت با ترسی که در دل دشمنان می افتد حمایت خواهد شد. این امر ممکن است که به صورت عادی باشد؛ زیرا نصرت مردم که با عنایت خداوند و اقبال مردم است، چنان رعبی بردل دشمنان خواهد افکند که همه امکانات خود را گذارده، فرار خواهند نمود. از این رو در احادیث آمده است که از شمشیر برنده و اراده قاطع امام و یارانش همه اهریمنان می هراسند و ترسی گران بر روان دشمنان سایه می افکند و و این خود عامل بزرگی در پیروزی کامل آن امام منجی است. با این رعب و ترس بسیاری از مقاومتها در هم می شکند و بسیاری از مردمان به راه باز می گردند و از تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا نهادن مسؤولیت و تکلیف و حرمت انسانها دست بر می دارند.

هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُ وَيَنْهَى إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ؛» در همان هنگامی که شخص نزد قائم ایستاده و به امر و نهی مشغول است ناگاه امام امر می‌کند که او را بکشند این است که در خاور و باختر زمین چیزی نمی‌ماند مگر اینکه از (قاطعیت و اجرای عدالت) او می‌هراسد».

در سیره جهادی حضرت، هیچ انگیزه‌ای جز رضای خدا و اجرای عدالت مطلق در کار نیست، بلکه تنها برای شکوفایی راستین این اصول و ارزش‌های متعال دین، اقدام به جهاد می‌کند. از این رو در سیره جهادی امام مهدی علیه السلام کشتار و جنگ، تنها برای از میان برداشتن حاکمان و زمامداران مسلط بر کشورهای جهان نیست بلکه قاطعیت در برابر حکومت‌های خودکامه مقدمه‌ای است برای اصلاح جامعه‌ها و ایجاد دگرگونی اساسی در ماهیت روابط اجتماعی و سرانجام اجرای دقیق عدالت اجتماعی در همه شئون زندگی. این چنین شیوه و روشی می‌تواند نجات بخش بشریت باشد و شبکه‌های پیچیده بیدادگران و دنیاداران را از دست و پای بشریت مظلوم بر دارد و آسایش واقعی را برای همگان فراهم سازد. به این جهت امام

نه تنها در جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها با دشمنان خارجی دست به کشتار می‌زند و موانع راه را با قاطعیت از سر راه برمی‌دارد، بلکه در برابر هر گونه فساد و انحراف در داخل جامعه اسلامی نیز قاطع می‌ایستد و علل و عوامل آن را نابود می‌کند. کسانی که در مبانی عقیدتی و ایمانی چون دیگرانند و به ظاهر معتقد و مسلمان حساب می‌شوند، لیکن در عمل و در روابط اجتماعی دچار انحرافند و در مسائل مالی و اقتصادی فریب کارند، مورد تصفیه و پاکسازی قاطع و انعطاف ناپذیر امام قرار می‌گیرند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

الثَّانِي عَشْرَ مَنَّا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يَقْرِبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبِيرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ؛ خداوند برای دوازدهمین از خاندان ما هر دشواری را آسان گرداند و به دست او هر ستمگر سرسختی را نابود کند و هر شیطان سرکشی را هلاک نماید.

### (د) رأفت با توبه‌کنندگان

درباره سیره رفتاری امام مهدی علیه السلام نسبت به پذیرش یا نپذیرفتن توبه انسان‌های کافر و گمراه و بازگشت آنان از راه انحراف، روایات مختلف است؛ برخی بر پذیرش توبه و دسته‌ای دیگر بر عدم پذیرش توبه دلالت دارد.

بر اساس برخی روایات، در عصر ظهور باب توبه باز است و امام مهدی علیه السلام توبه آنانی را که از مسیر باطل بازگشته‌اند می‌پذیرد. عبد الحمید واسطی می‌گوید محضر امام باقر علیه السلام عرض کردم:

قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْمُرْجِيئَةَ يَقُولُونَ مَا عَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ عَلَى الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ حَتَّى إِذَا جَاءَ مَا تَقُولُونَ كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ سَوَاءٌ فَقَالَ: يَا عَبْدَ الْحَمِيدِ صَدِّقُوا مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسْرَ نِفَاقًا فَلَا يُرْغَمُ اللَّهُ إِلَّا بِأَنفِهِ؛ این گروه مرجئه می‌گویند بر ما از ناحیه اعتقاداتمان باکی نیست و چون آنچه شما می‌گویید رخ داد، ما و شما یکسان خواهیم بود. امام باقر علیه السلام فرمود: ای عبد الحمید راست می‌گویند. کسی که

توبه کند خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و کسی که نفاقش را پنهان سازد، تنها بینی او به خاک مالیده می‌شود.

بشیر بن اَبی اَراکه نَبال روایت کرده است: در مدینه به منزل امام باقر علیه السلام که رسیدم با استر آن حضرت روبرو شدم که زین شده و بر در خانه آماده بود، پس جلوی خانه نشستم؛ آن حضرت از منزل بیرون آمد، من به او سلام کردم. حضرت از استر پیاده شده و به سوی من آمد و فرمود: از کجائی؟ گفتم: از مردم عراق هستم. فرمود: از کجای آن؟ گفتم: از اهل کوفه هستم. فرمود: چه کسی در این راه همدم و همراه تو بود؟ گفتم: گروهی از محدثه. فرمود: محدثه کدام است؟ عرض کردم: همان مرجئه. سپس فرمود: «وَيَحْ هَذِهِ الْمُرْجِيَّةُ إِلَيَّ مَنْ يَلْجَأُونَ غَدًا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا؟ قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَ أَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءٌ. فَقَالَ: مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسَرَ نِفَاقًا فَلَا يُبْعِدُ اللَّهُ غَيْرَهُ؛<sup>۱</sup> وای بر این مرجئه! فردا که قائم ما قیام کند به که پناه خواهند برد؟ عرض کردم: آنها می‌گویند اگر چنین واقعه‌ای رخ دهد ما و شما در میزان عدالت یکسان خواهیم بود. حضرت فرمود: هر کس توبه کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و هر که نفاقش را پنهان سازد، خداوند تنها او را از رحمت خود دور سازد.»

---

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۸۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۷.

عبد الله بن بكير روايت مي كند كه از امام كاظم عليه السلام درباره آيه ﴿وَ لَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا﴾ سوال كردم. حضرت فرمود:

قَالَ أَنْزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عليه السلام إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرِّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ اسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ؛<sup>۱</sup> اين آيه درباره قائم عليه السلام نازل شده است هنگامی كه قائم عليه السلام ظهور كند، اسلام را بر يهود و نصارا و ستاره پرستان و ملحدان و مرتدان و كافران شرق و غرب زمين عرضه مي كند؛ پس كسی كه با اختيار اسلام آورد او را به انجام نماز و پرداخت زكات و عمل به هر آنچه بر مسلمانان واجب است دستور مي دهد.

هم چنين امام مهدی عليه السلام در سخنرانی آغازین خود كه در مسجد الحرام انجام مي گيرد، همگان را به پذيرش دعوت خود فرامي خواند و مي فرمايد: «أَلَا إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَ كُلَّ مُسْلِمٍ؛<sup>۲</sup> ما امروز از خداوند ياری مي جوييم و از هر مسلمانی حمايت مي طلبيم».

۱. تفسير عياشي، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲. تفسير عياشي، ج ۱، ص ۶۵.



امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود: «إِذَا أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ عليه السلام فِي الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَدَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى حَقِّهِ؛<sup>۱</sup> چون خداوند متعال به قائم اجازه خروج دهد، آن حضرت بر فراز منبر رفته، همه مردم را به سوی خویش دعوت می کند و آنان را به خدا سوگند داده برای ایفای حق خویش فرامی خواند».

این دعوت امام مهدی علیه السلام برای پذیرش اسلام و همراهی با ایشان به گونه‌ای فراگیر است که حتی سفیانی را نیز در بر می گیرد. در این باره امام باقر علیه السلام می فرماید: «ثُمَّ يَقُولُ لِأَصْحَابِهِ: سِيرُوا إِلَى هَذِهِ الطَّاغِيَةِ فَيَدْعُوا إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله؛<sup>۲</sup> امام مهدی علیه السلام به اصحابش می فرماید: به سوی این یاغی (سفیانی) حرکت کنید. پس او را به کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله دعوت می کند».

در سخن دیگر آن حضرت می فرماید:

إِذَا بَلَغَ السُّفْيَانِي أَنْ الْقَائِمَ قَدْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ مِنْ نَاحِيَةِ الْكُوفَةِ يَتَجَرَّدُ بِخَيْلِهِ حَتَّى يُلْقَى الْقَائِمَ عليه السلام فَيَخْرُجُ فَيَقُولُ: أَخْرِجُوا إِلَيَّ ابْنَ عَمِّي فَيَخْرُجُ عَلَيْهِ السُّفْيَانِي فَيُكَلِّمُهُ الْقَائِمُ فَيَجِيءُ السُّفْيَانِي فَيُبَايِعُهُ؛<sup>۳</sup>

۱. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۸.

هنگامی که به سفیانی خبر می‌رسد که قائم علیه السلام از کوفه به سوی حرکت نموده است، سپاهیان را آماده و به سوی آن حضرت حرکت می‌کند و به ایشان می‌رسد، می‌گوید پسر عمویم را نزد من آورید. سفیانی نزد امام علیه السلام حاضر می‌شود و امام مهدی علیه السلام با او به گفت‌وگو می‌پردازد و در نتیجه سفیانی با آن حضرت بیعت می‌کند.

اگرچه سفیانی پس از پذیرش بیعت در اثر تحریک همراهانش، اقدام به بیعت شکنی می‌کند و در نتیجه پس از اعلام جنگ اسیر شده و به قتل می‌رسد. اما وقتی حضرت مهدی علیه السلام از سفیانی که سرسخت‌ترین دشمنان و رهبر منسجم‌ترین و گسترده‌ترین جبهه بر ضد آن حضرت است، دعوت می‌کند، چگونه می‌توان باور کرد بر میلیون‌ها انسان بی‌گناهی که انحراف شان بر اثر موانع ناخواسته است، راه سعادت بسته باشد و امام مهدی علیه السلام از آنها دعوت نکند و یا توبه آنان را نپذیرد؟ بنابراین همگانی بودن دعوت امام مهدی علیه السلام و منحصر نبودن فراخوان عمومی آن حضرت، نشان می‌دهد که باب توبه و بازگشت، برای مردم بسته نخواهد بود.

بر اساس گزارش ابی عبیده حذاء، امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ

عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»<sup>۱</sup> مهم ترین مأموریت حضرت قائم علیه السلام را چنین بیان فرموده است: «ثُمَّ قَالَ: (يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ) يَعْنِي النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وَالْوَصِيَّ وَالْقَائِمَ عليه السلام (يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ) إِذَا قَامَ (وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ) وَالْمُنْكَرُ مَنْ أَنْكَرَ فَضْلَ الْإِمَامِ وَجَحْدَهُ (وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ) أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ (وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) وَالْخَبَائِثُ قَوْلٌ مَنْ خَالَفَ (وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ) وَهِيَ الذُّنُوبُ الَّتِي كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضْلَ الْإِمَامِ (وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ) وَالْأَغْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أُمِرُوا بِهِ مِنْ تَرَكَ فَضْلَ الْإِمَامِ فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ (وَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ) وَالْإِصْرُ الذَّنْبُ وَهِيَ الْأَصَارُ ثُمَّ نَسَبَهُمْ فَقَالَ (فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ) يَعْنِي بِالْإِمَامِ (وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ)»<sup>۲</sup> «او را نزد خود در تورات و انجیل

۱. «آنانی که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند.» (سوره اعراف، آیه ۱۵۷).

۲. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۹.

نوشته می‌یابند» یعنی پیامبر، وصی و قائم را؛ قائم چون قیام کرد «آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد» و کار ناپسند انکار فضل امام است «و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال می‌گرداند»؛ یعنی گرفتن علم از اهلش را «و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند»؛ یعنی سخن مخالفان را «و از [دوش] آنان قید را برمی‌دارد»؛ یعنی گناهایی که پیش از شناخت فضل امام مرتکب شده بودند «و بندهایی که بر ایشان بوده است»، بندها همان اعتقادات آنهاست که بدانها امر نشده بودند، یعنی ترک فضل امام. پس چون به فضل امام معرفت یافتند، بندها را از دوش آنها برمی‌دارد و منظور از بند، همان گناهان است. سپس آنها را توصیف کرده فرمود: «کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری‌اش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند».

چنانکه ظاهر سخن امام صادق علیه السلام که از ورود شبه ستاره پرستان در دین اسلام خبر داده است، به وضوح بر باز بودن باب توبه در عصر ظهور دلالت دارد: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ علیه السلام خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ؛<sup>۱</sup> چون قائم علیه السلام قیام

کند، از این عقیده کسانی که گمان می‌رفت اهل آنند خارج می‌شوند و کسانی هم‌چون پرستندگان خورشید و ماه به آن می‌گروند».

بر اساس ظاهر این گونه روایات، باب توبه پذیری امام مهدی علیه السلام برای همه کسانی که در صدد بازگشت و تغییر و اصلاح خویش اند باز است؛ از این رو، اهل ذمه در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام در سایه حکومت عدل جهانی آن حضرت در امان بوده و زندگی می‌کنند و تنها مخالفان عنود و دشمنان ولایت سیاسی آن حضرت کشته شده و از بین می‌روند؛ یعنی باب توبه برای آن دسته از کسانی که با وجود این دعوت و اتمام حجت، بازهم لجاجت و عناد می‌ورزند، بسته است و چنین افراد و گروه‌هایی مانند ناصبی‌ها، فرصت توبه و اصلاح را نخواهند داشت. چنانکه امام باقر علیه السلام در روایت معتبری فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام عَرَضَ الْإِيمَانَ عَلَى كُلِّ نَاصِبٍ فَإِنْ دَخَلَ فِيهِ بِحَقِيقَةٍ وَإِلَّا ضَرَبَ عُنُقَهُ أَوْ يُؤَدَّى الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّيهَا الْيَوْمَ أَهْلُ الذَّمَّةِ؛ هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، همه ناصبی‌های کافر را به ایمان فراخواند، پس اگر واقعاً ایمان آورند در امان اند وگرنه آنها را یا گردن می‌زند و یا اینکه مانند اهل ذمه که امروز جزیه می‌دهند، باید جزیه بپردازند.

### هـ) عدم پذیرش توبه دشمنان عنود

آن دسته از روایاتی که بر عدم پذیرش توبه در عصر ظهور از سوی امام مهدی علیه السلام دلالت دارند، ناظر به دشمنان لجوج و عنودی همچون ناصبی‌ها و طیفی از سران کفر است. مانند آنچه در توقیع رسیده از ناحیه حضرت مهدی علیه السلام به شیخ مفید آمده است: «فَإِنْ أَمَرْنَا بَغْتَةً فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبَةٍ؛<sup>۱</sup> همانا امر ما ناگهانی است؛ زمانی که توبه سودی نبخشد و پشیمانی بر گناه او را از عقاب ما نجات ندهد».

همچنین علی بن رئاب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «أَنَّهُ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ﴾<sup>۲</sup> فَقَالَ عليه السلام الْآيَاتُ هُمُ الْأَيْمَةُ عليه السلام وَالْآيَةُ الْمُنْتَظَرَةُ الْقَائِمُ عليه السلام فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ قِيَامِهِ بِالسَّيْفِ وَإِنْ آمَنَتْ بِمَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ آبَائِهِ؛<sup>۳</sup> مراد از نشانه‌ها همانا ائمه علیهم السلام اند و مراد از نشانه‌ای که انتظارش می‌رود

۱. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

۲. «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد.» (سوره انعام، آیه ۱۵۸)

۳. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۸ - ۳۰، ج ۲، ص ۳۳۶.

قائم علیه السلام است؛ پس در آن روز ایمان کسی که پیش از قیام به شمشیر قائم علیه السلام ایمان نیاورده، برایش نفعی ندارد، اگرچه به پدران او ایمان داشته باشد».

نیز در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه یادشده وارد شده است، چنین آمده است: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا﴾<sup>۱</sup>؛ يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ عليه السلام: يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ<sup>۲</sup> منظور از نشانه‌های پروردگار، خروج قائم ماست که انتظارش را می‌کشند. ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما که در حال غیبتش، انتظارش را می‌کشند و در زمان ظهورش از او اطاعت می‌کنند! آنها اولیای خداوند هستند که نه هراسی دارند و نه اندوهی».

۱. «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد.» (سوره انعام، آیه ۱۵۸)

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷.

روایت سومی نیز از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مبارکه: ﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾<sup>۱</sup> وارد شده است که آن حضرت فرمود: «قَالَ يَوْمُ الْفَتْحِ يَوْمٌ تَفْتَحُ الدُّنْيَا عَلَى الْقَائِمِ لَا يَنْفَعُ أَحَدًا تَقَرُّبَ بِالْإِيمَانِ مَا لَمْ يَكُنْ قَبْلَ ذَلِكَ مُؤْمِنًا وَبِهَذَا الْفَتْحِ مُوقِنًا فَذَلِكَ الَّذِي يَنْفَعُهُ إِيمَانُهُ وَيَعْظُمُ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرُهُ وَشَأْنُهُ»<sup>۲</sup> روز فتح، روزی است که دنیا برای قائم علیه السلام فتح می‌شود. در این روز ایمان کسی که بخواهد به وسیله ایمان به آن حضرت تقرب جوید، در صورتی که پیش از این مؤمن نباشد و به این فتح یقین نداشته باشد، برایش نفعی ندارد و شخصی که از پیش مؤمن بوده و به فتح او یقین داشته، ایمان برایش نفع خواهد داشت و قدر و منزلتش نزد خداوند بزرگ خواهد بود».

بر اساس ظاهر این روایات، با ظهور امام مهدی علیه السلام ایمان کافران و دشمنان حضرت، به حال آنان نفعی نخواهد داشت، بلکه عذاب الهی (قتل) آن‌ها را از صفحه روزگار برخواهد چید.

عدم پذیرش توبه دشمنان معاند و لجوج از سوی امام مهدی علیه السلام

۱. «بگو: روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند.» (سوره سجد، آیه ۲۹)

۲. تأویل الآیات الظاهره، ج ۲، ص ۴۴۵؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الفرائب، ج ۱۰، ص ۳۰۷.



بدان جهت است که آن حضرت برای آنان اتمام حجت کرده است؛ زیرا بر اساس آیات قرآن کریم، قهر الاهی بندگان را فرا نمی‌گیرد مگر پس از آشکار شدن حقیقت و تمام شدن حجت و سرپیچی از سر عناد و لجاجت. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾<sup>۱</sup>؛ و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی‌پردازیم. و نیز می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا﴾<sup>۲</sup>؛ و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می‌کردیم، قطعاً می‌گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی».

همچنین سخنی که از امام صادق علیه السلام درباره شکوفایی علمی و مرکزیت قم نقل شده است، از تحقق یافتن این آرمان در آخرالزمان حکایت دارد. حضرت می‌فرماید:

سَتَخْلُو كُوفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قُمَّ وَ تَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ

۱. سوره اسراء، آیه ۱۵.

۲. سوره طه، آیه ۱۳۴.

قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا  
 وَ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي  
 الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ  
 عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَ الْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ عليه السلام وَ  
 يَسِيرُ سَبِيلاً لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَ سَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ  
 الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ إِنكَارِهِمْ حُجَّةً؛<sup>۱</sup> به زودی کوفه از مؤمنان خالی  
 می‌گردد و علم از آن پنهان می‌شود، آن‌گونه که مار در  
 سوراخش پنهان می‌گردد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر  
 می‌شود و این شهر کانون دانش و فضل شده، چنان دنیا را با  
 معارف آشنا می‌کند که در روی زمین مستضعفی در دین باقی  
 نمی‌ماند؛ حتی زن‌ها در حجله‌ها. این نزدیک ظهور قائم ماست.  
 پس خداوند قم و اهل آن را جانشین حجت خدا قرار می‌دهد  
 که اگر چنین نشود، زمین اهل خود را فرو می‌برد و حجتی  
 باقی نمی‌ماند. آن‌گاه دانش از قم به دیگر مناطق از مشرق تا  
 مغرب گسترش می‌یابد و حجت خداوند بر خلق تمام می‌گردد  
 تا این‌که روی کره زمین کسی نباشد که دین و دانش به او  
 نرسیده باشد و آن‌گاه قائم علیه السلام آشکار می‌شود و خشم و غضب

خداوند را بر مردم جاری می‌سازد؛ چون خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد مگر پس از این که حجت را انکار کنند.

زراره گوید: از محضر امام باقر علیه السلام درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم:

أَيَسِيرُ بِسِيرَةِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله؟ قَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا زُرَّارَةَ، مَا يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله سَارَ فِي أُمَّتِهِ بِالْمَنْ كَانَ يَتَأَلَّفُ النَّاسَ وَ الْقَائِمُ يَسِيرُ بِالْقَتْلِ بِذَلِكَ أَمْرٍ فِي الْكِتَابِ الَّذِي مَعَهُ أَنْ يَسِيرَ بِالْقَتْلِ وَ لَا يَسْتَسَيِّبَ أَحَدًا وَيَلُ لِمَنْ نَاوَاهُ؛<sup>۱</sup> آیا قائم علیه السلام با مردمان مانند پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله رفتار می‌کند؟ فرمود: هیهات، هیهات ای زراره! او مانند پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله رفتار نمی‌کند. عرض کردم: فدایت گردم؛ چرا؟ فرمود: همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله در امت خود چنان رفتار می‌کرد که توأم با بخشش بود (مردم را عفو و مرهون منت خود می‌ساخت) و دل‌های مردم را به خود جذب می‌نمود، یعنی با مهر رفتار می‌کرد، ولی رفتار قائم با خشونت و کشتار است، زیرا در کتابی که به همراه دارد مأمور شده است که با کشتار رفتار کند و از کسی توبه نپذیرد، وای بر کسی که با او دشمنی کند و به ستیز برخیزد.

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۱.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا يَصْنَعُ الْقَائِمُ إِذَا خَرَجَ لِأَحَبِّ أَكْثَرِهِمْ أَلَّا  
 يَرَوْهُ مِمَّا يَقْتُلُ مِنَ النَّاسِ؛ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْدَأُ إِلَّا بِقَرِيْشٍ فَلَا يَأْخُذُ  
 مِنْهَا إِلَّا السَّيْفَ وَ لَا يُعْطِيهَا إِلَّا السَّيْفَ حَتَّى يَقُولَ كَثِيرٌ مِنَ  
 النَّاسِ لَيْسَ هَذَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ كَانَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ لَرَحِمَ؛<sup>۱</sup>  
 اگر مردم می دانستند که حضرت قائم علیه السلام به هنگام خروج چه  
 خواهد کرد بیشترشان دوست می داشتند که او را نینند از  
 بس مردم را خواهد کشت، او آغاز نخواهد کرد مگر به  
 قریش که از قریش به جز شمشیر نمی گیرد و به آنان به جز  
 شمشیر نمی دهد تا آنجا که بسیاری از مردم می گویند این  
 شخص از آل محمد علیه السلام نیست، زیرا اگر از آل محمد بود  
 دلش می سوخت.

امام صادق علیه السلام فرمود:

بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ علیه السلام يَأْمُرُهُ وَ يَنْهَاهُ إِذْ قَالَ أَدِيرُوهُ  
 فَيَدِيرُونَهُ إِلَى قُدَامِهِ فَيَأْمُرُ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى فِي الْخَافِقِينَ شَيْءٌ  
 إِلَّا خَافَهُ؛<sup>۲</sup> در آن میان که مرد پشت سر قائم علیه السلام ایستاده و مأمور  
 اجرای دستورات آن حضرت است ناگاه دستور می دهد که او

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۳.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۹.

را برگردانید؛ پس او را به رویاروی آن حضرت بر می گردانند، پس دستور می دهد تا گردنش را بزنند پس در خاور و باختر چیزی نمی ماند مگر آنکه از او می ترسد.

هشام بن سالم نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «أَنَّهُ قَالَ بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُ وَيَنْهَى إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ فَلَا يَبْقَى بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ شَيْءٌ إِلَّا خَافَهُ»<sup>۱</sup> در آن میان مردی پشت سر قائم دستور می دهد که ناگاه آن حضرت دستور می دهد گردنش زده شود، پس در مشرق و مغرب کسی نمی ماند مگر آنکه از او می هراسد».

معلی بن خنیس در گفتگویی که از امام صادق علیه السلام درباره چگونگی سیره امام مهدی علیه السلام سوال کرده، چنین می گوید:

أَيْسِيرُ الْقَائِمِ إِذَا قَامَ بِخِلَافِ سِيرَةِ عَلِيٍّ علیه السلام؟ فَقَالَ: نَعَمْ وَ ذَاكَ أَنَّ عَلِيًّا سَارَ بِالْمَنِّ وَالْكَفِّ لِأَنَّهُ عَلِمَ أَنَّ شِيعَتَهُ سَيُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ سَارَ فِيهِمْ بِالسَّيْفِ وَالسَّبِيِّ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَعْلَمُ أَنَّ شِيعَتَهُ لَمْ يُظْهَرُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا؛<sup>۲</sup> آیا حضرت قائم علیه السلام هنگامی که قیام کرد رفتارش بر خلاف رفتار علی علیه السلام خواهد بود؟ فرمود: آری، به جهت آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام رفتارش منت نهادن

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۴۰.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۵۴.

و دست برداشتن و گذشت از مخالفین بود، زیرا می دانست که پس از او شیعه‌اش مغلوب دست دشمن خواهد شد، ولی هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند رفتارش در میان آنان با شمشیر است و اسیر کردن، چون می داند که پس از او شیعه آن حضرت هرگز مغلوب دست دشمن نخواهد شد.

\*\*\*

### سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام

سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام بر اساس عمل به تکالیف الهی و تحقق بخشی عدالت محض در جامعه می‌باشد، از این رو آن حضرت با نظارت و کنترل دستگاه‌های اجرایی و اشراف دقیق به کارکردهای مدیران و مسئولان نظام مهدوی، جریان کلی امور را مدیریت می‌کند.

#### الف) سخت‌گیری نسبت به کارگزاران

سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام درباره کارگزاران نظام مهدوی، نظارت و سخت‌گیری است تا آنکه از جانب دولت و کارگزاران نظام، بر کسی ذره‌ای ستم نرود و حقی از کسی ضایع نشود.

سخت‌گیری آن حضرت نسبت به مسئولان و کارگزارانش بدین خاطر است که دولت او دولت عدالت محض است، پس جای هیچ‌گونه لغزش و فساد و انحراف در نظام اداری آن حضرت وجود ندارد، چنانکه در خبری در این باره آمده است: «الْمَهْدِيُّ جَوَادٌ بِالْمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ شَدِيدٌ عَلَى الْعُمَّالِ»<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام در دادن مال و دارایی به مردم بخشنده است و نسبت به ناتوانان و مستمندان بسیار دل‌رحم و

---

۱. شرح الاخبار، ج ۳، ص ۳۵۸؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۱۶۷.

مهربان است، اما نسبت به مسئولان و کارگزاران دولت خویش بسیار سخت گیر است.»

امام مهدی علیه السلام بر اساس کتاب خدا به عدالت مدیریت می کند و هواپرستی را به خداپرستی سوق می دهد و همه افکار و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام دوران ظهور حضرت قائم علیه السلام را نقطه عطف تاریخ معرفی کرده است:

عَطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهُوَى وَ يَعْطِفُ  
الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛<sup>۱</sup> او با محور قرار  
دادن قرآن، نظرات و خواسته های افراد را به سوی قرآن جلب  
کرده و با محک قرآن می سنجد، آنگاه که مردم قرآن را  
مستمسک و محملی برای پندارها و توجیه خواسته ها و  
تمایلات خود قرار داده اند.

سپس امیرمؤمنان علیه السلام در ادامه همین خطبه می فرماید: «يَأْخُذُ  
الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِيٍّ أَعْمَالِهَا؛<sup>۲</sup> عاملان حکومت را به  
جرم کردار زشت شان بگیرد و مؤاخذه کند و عذری از آنان نپذیرد».

کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام نه تنها سزاوار نیست که دلبسته

۱. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۵۴۹.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۰.



ریاست و مقام باشند، بلکه به فرموده امام صادق علیه السلام شیفته شهادت در راه خدا هستند: «وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَ يَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> و آنان از خشیت خداوند ترسانند، دعوت به شهادت می نمایند، و آرزو دارند که در راه خدا به شهادت برسند».

در سیره مدیریتی حکومت مهدوی، معیار گزینش وزیران و انتخاب کارگزاران، اخلاص و صداقت در عمل است. امام جواد علیه السلام در وصف یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ؛<sup>۲</sup> چون برای او حضرت مهدی علیه السلام این تعداد از یاران مخلص فراهم شود، خداوند امر ظهور او را آشکار خواهد کرد».

در دولت مهدوی، شاخص کارگزاران صادق و مخلص، اطاعت پذیری از امام و رهبر خویش و شهادت طلبی در راه خداست، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اطاعت پذیری یاران و کارگزاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «كَدَّادُونَ مُجِدُّونَ فِي طَاعَتِهِ؛<sup>۳</sup> آنان برای تلاش و

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۸؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۳. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰.

جدیت در راه اطاعت از امام خویش سر از پا نمی‌شناسند».

از این رو، امام مهدی علیه السلام در آغاز شکل‌گیری حکومت عدالت پیشه خود از اصحاب خویش که مسئولان و کارگزاران ارشد حکومت عدل جهانی هستند، پیمان می‌گیرد تا مطابق دستورات الهی و تعهدات امام خویش رفتار نمایند. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّهُ يَأْخُذُ الْبَيْعَةَ عَنْ أَصْحَابِهِ عَلَى أَنْ لَا يَسْرِقُوا، وَلَا يَزْنُوا، وَلَا يَسْبُوا مُسْلِمًا، وَلَا يَقْتُلُوا مُحْرَمًا، وَلَا يَهْتَكُوا حَرِيمًا مُحْرَمًا، وَلَا يَهْجَمُوا مَنْزِلًا، وَلَا يَضْرِبُوا أَحَدًا إِلَّا بِالْحَقِّ، وَلَا يَكْتَنُزُوا ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا بُرًّا وَلَا شَعِيرًا، وَلَا يَأْكُلُوا مَالَ الْيَتِيمِ، وَلَا يَشْهَدُوا بِمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَلَا يَشْرَبُوا مُسْكِرًا، وَلَا يَلْبَسُوا الْخَزَّ وَلَا الْحَرِيرَ، وَلَا يَتَمَنَّقُوا بِالذَّهَبِ، وَلَا يَقْطَعُوا طَرِيقًا وَلَا يَخِيفُوا سَبِيلًا، وَلَا يُحِبُّوا طَعَامًا مِنْ بُرٍّ أَوْ شَعِيرٍ، وَ يَرْضُونَ بِالْقَلِيلِ، وَيَكْرَهُونَ النَّجَاسَةَ، وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَيَلْبَسُونَ الْخَشِينَ مِنَ الثِّيَابِ، وَيَتَوَسَّدُونَ التُّرَابَ عَلَى الْخُدُودِ، وَيُجَاهِدُونَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَيَشْتَرِطُ عَلَى نَفْسِهِ لَهُمْ أَنْ يَمْشِيَ حَيْثُ يَمْشُونَ، وَيَلْبَسَ كَمَا يَلْبَسُونَ، وَيَرْكَبَ كَمَا يَرْكَبُونَ، وَيَرْضَى بِالْقَلِيلِ، وَلَا يَتَّخِذُ حَاجِبًا وَلَا بَوَابًا؛ حضرت مهدی علیه السلام از یاران خود بیعت می‌گیرد با این

شروط که دزدی و زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، نفس محترمه‌ای را نکشند، به حریم کسی تجاوز نکنند، به خانه کسی هجوم نیاورند، کسی را بدون حق نزنند، طلا و نقره، گندم و جویی را ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، بدون علم شهادت ندهند، مسکرات شرب نکنند، لباس ابریشم در بر نکنند، کمر بند طلا در کمر نبندند، قطاع الطریقی نکنند و راهروی را نترسانند، طعامی را (گندم باشد یا جو) ذخیره نکنند، به کارهای اندک قناعت نکنند، و از نجاست دوری نمایند، به معروف، امر و از منکرات نهی نمایند، لباس خشن بپوشند، صورت روی بالش خاک گذارند، در راه خدا آن چنانکه باید جهاد کنند. با عمل به این شرایط آن حضرت برخورد لازم می‌کند که هر جا آنان بروند همراهی کند و هر لباسی که آنها می‌پوشند بپوشد و هر مرکبی را که آنها سوار می‌شوند سوار شود و به غذا و لباس کم قناعت کند و درباری برای خود نگذارد.

سپاهیان پیروز حضرت مهدی علیه السلام حامل پیام الاهی و دارای رسالت انسانی هستند و به اخلاق و فضائل انسانی آراسته‌اند، چرا که با رهبر و پیشوای خویش در تحقق آرمان‌های عدالت خواهانه او بیعت سپرده‌اند. در حالی که معمولاً سپاهیان غالب در طول تاریخ، پس از فاتح شدن، شیوه‌ی تجاوز، غارت، بی‌رحمی و قساوت، کشتار، حرمت شکنی، تعدی به جان و مال و ناموس مردم و دیگر روش‌های غیر انسانی را در پیش می‌گیرند.

به همین دلیل، در سیره مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام کارگزاران ظالم و فاسد، نه تنها جایگاهی ندارند بلکه فوراً از مقام خود بر کنار شده و نهادهای دولتی حکومت از وجود آنان پاک سازی می‌شود. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام درباره برخورد حضرت مهدی علیه السلام با عناصر نابکار می‌فرماید: «وَلْيَعْزِلَنَّ عَنْكُمْ أَمْرَاءَ الْجَوْرِ وَ لِيُطَهَّرَنَّ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ غَاشٍ»<sup>۱</sup> از بین شما فرماندهان و امیرانِ ظالم را عزل خواهد کرد و زمین را از وجود ناپاکان تطهیر خواهد نمود.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

## ب) عطوفت و رحمت با مردم

رفتار مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام نسبت به توده‌های مردم، مهر ورزی و گشاده رویی و رأفت و رحمت است. آن حضرت به ویژه نسبت به محرومیت کشیدگان و مسکینان، بسیار مهربان و دل‌رحم است و از نظر اقتصادی برای همگان گشاده دست است و با سخاوت فراوان اموال را برای آسایش و رفاه مردمان می‌بخشد تا آنان در پناه امام خویش از آسایش مادی و آرامش روحی و معنوی بهره‌مند شوند. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علاقه سرشار از محبت مردم نسبت به امام خویش می‌فرماید: «يَأْوِي إِلَى الْمَهْدِيِّ أُمَّتُهُ كَمَا تَأْوِي النَّحْلُ إِلَى يَعْسُوبِهَا»؛ امت اسلامی به مهدی علیه السلام مهر می‌ورزند و به سوی پناه می‌برند آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می‌برند». در نظام مدیریتی امام مهدی علیه السلام تلاش بر این است که همگرایی و وحدت و الفت قلبی را در میان مردم نهادینه کند. امام صادق علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَ يُحْسِنُ حَالَ عَامَّةِ الْعِبَادِ وَ يَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ؛<sup>۱</sup> خداوند

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۷۱.

۲. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ص ۶۴۷، ح ۷؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۲۸، ح ۲۰.

عزوجلّ به واسطه او حق را ظاهر و عدل را در شهرها گسترش می‌دهد و حال عموم مردم را بهبود می‌بخشد و وحدت کلمه پدید آورده و بین قلب‌های گوناگون الفت ایجاد می‌کند.

در کلام دیگر نیز آن حضرت به مفضل بن عمر فرمود: «فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لَيُرْفَعُ عَنِ الْمِلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛<sup>۱</sup> به خدا سوگند! ای مفضل به طور حتم از ملت‌ها و دین‌ها اختلاف را برمی‌دارد و تمام دین یکی خواهد شد آن گونه که خدا فرمود: همانا دین پذیرفته شده نزد خدا فقط اسلام است.»

در دعای ندبه نیز آمده است: «أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؛<sup>۲</sup> کجاست آن کسی که سخن‌ها را بر تقوا جمع می‌کند.»

این شیوه کریمانه در رفتار حکومتی و سیره مدیریتی امام مهدی علیه السلام به گونه‌ای پرجاذبه و دلنشین است که سبب جذب و گرویدن پیروان دیگر ادیان به اسلام و پیوستن آنان به حضرت می‌شود: «فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ؛<sup>۳</sup> چون یهودیان

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴.

۲. اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۹.

۳. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۷۱.

بر رفتار او نیک بنگرند، اسلام می آورند به جز اندکی».

### ج) سبقت در نیکوکاری

از دیگر نمودهای بارز در سیره مدیریتی حضرت مهدی علیه السلام و یاران و دولت مردان نظام مهدوی، سبقت گرفتن در کارهای نیک است. ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت در تفسیر آیه شریفه: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾<sup>۱</sup> فرمود: «تَزَلَّتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ»<sup>۲</sup> این آیه در شان حضرت قائم علیه السلام و اصحاب او نازل شده است».

از این رو، کارگزاران حکومت حضرت برای خدمت به مردم و گسترش عدالت، همه توانشان را به کار می گیرند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ»<sup>۳</sup> دل های بندگان را پر از عدالت کرده و عدلش فراگیر می شود».

فضیل بن یسار نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقُرُ»<sup>۴</sup> آگاه

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۴۱.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۴، ح ۲۴، الغیبه، طوسی، ص ۱۷۹، ح ۱۳۷.

۴. الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۷.

باشید به خدا سوگند! به طور حتم عدالت او داخل خانه‌های آنان خواهد رفت همان گونه که گرما و سرما چنین خواهد کرد».

### (د) رضایت عمومی

یکی از آثار مدیریت عدالت محور امام مهدی علیه السلام رضایت‌مندی همگانی در جامعه است به گونه‌ای که حتی حیوانات نیز از برکات آن شادمان اند. چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَوْءِ»<sup>۱</sup> در ایام خلافت او اهل زمین و آسمان و حتی پرندگان هوا نیز راضی اند».

نیز در حدیث دیگر آمده است: «يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ»<sup>۲</sup> از او ساکنان آسمان و زمین همگی راضی اند».

### سیره علمی امام مهدی علیه السلام

سیره علمی حضرت مهدی علیه السلام مبتنی بر رشد آگاهی و شکوفایی علمی و بالندگی خرد جمعی است. بدون شک تمام پیشرفت‌های بشری در گرو رشد علمی و خرد ورزی جامعه است. هر اندازه عقل و خرد بشر فزونی یابد و به کمال نهایی خویش برسد، کارآمدی و

۱. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة علیهم السلام ج ۳، ص ۲۶۹، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.



کارآیی آن در عرصه‌های اخلاق و فرهنگ نیز بیشتر شده و فضایل انسانی و اخلاقی را در جامعه نهادینه می‌کند.

### الف) شکوفایی علمی

در عرصه علمی، سیر تفکر بشری همواره در جهت پیشرفت و تسخیر عرصه‌های ناشناخته و جدیدی است. هر عصر جدیدی، معمولا از فرصت شناخت بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است. در فرایند تکامل علمی هر چند دانش بشری، افقهای بسیار گسترده و عظیمی را فتح نموده، اما باز هم در عصر ظهور پیشرفت شگرفی خواهد داشت و فهم و آگاهی انسان‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

بر اساس روایات، در عصر ظهور، رشد علمی جامعه بشری، در پرتو رهبری الهی امام مهدی عج به اوج کمال خویش می‌رسد و بشریت با شناخت مسائل معنوی و صلاح و سعادت روح خویش، در راه تحقق جامعه آرمانی، پله‌های تکامل مادی و معنوی را می‌پیماید؛ زیرا در آن عصر، بشریت به خزانه دار علوم الهی و منبع جوشان آگاهی و معرفت که چیزی از دیده ژرف نگر و حقیقت بین او پوشیده نیست؛ یعنی ولی معصوم عج دست می‌یابد و همه مسائل بشری، به هدف اصلی و مرز نهایی می‌رسد و بشریت به اوج تکامل علمی دست می‌یابد.

عصر نورانی حکومت مهدوی علیه السلام دوران شکوفایی بشر در صنعت، تکنولوژی و توسعه همه جانبه است. جامعه عصر ظهور، در پرتو هدایت‌ها و راهنمایی‌های امام مهدی علیه السلام در علوم تجربی و مسائل عقلی و جهان بینی و جهان شناسی، در پهنه بیکرانه دانایی و شناخت گام نهاده و به حقایق عجیبی دست می‌یابد.

در این دوره دانش تجربی ره آوردهایی تازه به ارمغان می‌آورد و آدمی را در بسیاری از دشواری‌های زندگی توان می‌بخشد، و راه بسیاری از مشکلات را هموار می‌سازد. انسان در این راستا و با این تجربه‌ها همواره می‌کوشد تا به بار فرهنگی سنگین تری دست یابد و به شناخت‌های تازه تری برسد و اسرار و رموز بیشتری را آشکار سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّا سَبْعَةَ وَعِشْرِينَ حَرْفًا؛ دانش، بیست و هفت حرف (درجه و

شاخه) دارد. تمامی آنچه پیامبران آورده و بشر تا زمان ظهور بدان دست می‌یابد، دو حرف بیش نیست؛ اما وقتی قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را نیز آشکار کرده، میان مردم منتشر می‌کند.

با ظهور خورشید حاکمیت مهدوی، فکر و اندیشه بشر شکوفا می‌گردد و درخت سعادت انسان به بار می‌نشیند و شجره خبیث جهل و جور ریشه کن می‌گردد، در آن عصر در پرتو دین واحد و تحت امامت و ولایت واحد آخرین حجت الهی بشریت به گونه‌ای رشد می‌کنند و قله‌های بلند فرهنگ و دانش را تسخیر می‌کنند که به تمام بیست و هفت بخش علوم دست می‌یابند، در حالی که قبل از ظهور حضرتش با تمام پیشرفت علمی‌اش، خواه با چراغ وحی یا ابزار تجربه، به بیش از دو بخش آن دست نیازیده بود.

رشد چشم گیر علوم و پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیکی، سبب تحولی شگرف در عرصه زندگی و یکپارچگی جریان امور و سهولت ارتباطات و تعاملات اجتماعی می‌گردد؛ به گونه‌ای که بین آن حضرت و یارانش پیکی نخواهد بود؛ او سخن می‌گوید و آنان در هر کجا که باشند وی را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ  
 حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ  
 يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛<sup>۱</sup> هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند،  
 خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که  
 میان آنها و قائم علیه السلام نامهرسانی نخواهد بود؛ او با آنها سخن  
 می گوید و آنها سخنش را می شنوند و او را می بینند، در  
 حالی که او در مکان خویش است.

این حدیث بیانگر پیشرفت های صنعتی عصر ظهور است، همان طور  
 که بخشی از آن اکنون نیز در سایه ماهواره ها، وسایل ارتباط جمعی و  
 شبکه جهانی اینترنت عملی شده است و بخش های کامل تر آن در  
 زمان ظهور آن حضرت محقق می گردد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ  
 عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ  
 الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اعْمَلْ بِمَا فِيهِ؛<sup>۲</sup> هنگامی که قائم  
 قیام کند در کشورهای روی زمین کسانی را بر می انگیزد، در

۱. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ منتخب الانوار المضيئة، ص ۳۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲،  
 ص ۳۲۶.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۳۱۹.

هر سرزمین یک نفر را، و به او می‌گوید: فرمان تو در کف دست تو است، هر گاه کاری برای تو پیش آمد که آن را نفهمیدی و ندانستی چگونه در آن حکم کنی، به کف خود بنگر و به آنچه در آن (مکتوب) است عمل کن.

در دوران قبل از ظهور کوشش انسان در مسیر تکامل شناخت، بیشتر به بعد مادی جهان و زندگی انسان معطوف بوده است و چون انسان با ماده سر و کار دارد و تلاش او برای این است که خواص و آثار بیشتری از ماده را بشناسد، مسائل ماورای ماده و بعد معنوی حیات به خاطر پیچیدگی و دشواری که دارد بدان پایه مورد توجه و بررسی قرار نگرفته است. حیات روحی و معنوی، در گستردگی و اسرار آمیزی قابل مقایسه با حیات مادی و فیزیکی انسان نیست و انسان در قلمرو حیات معنوی ابزار لازم برای شناخت را نیز به طور کامل در اختیار ندارند.

در حالی که رشد و پیشرفت علمی و فرهنگی انسان تاکنون، بیشتر مربوط به امور طبیعی و بخش‌های مادی زندگی بوده است و در ابعاد معنوی، بشریت رشد چندانی نداشته است، اما در دوران ظهور، به شکل گسترده‌ای، امدادهای آسمانی برای رفع مشکلات مادی و معیشتی و حتی فرهنگی بشر به یاری زمینیان می‌شتابد. چنانکه

مراد از وراثت زمین در آیه: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾<sup>۱</sup> انتقال منافع آن و استقرار برکت‌های حیات زمین برای صالحان است و این برکت‌های پایان‌ناپذیر، اعم از برکت‌های مادی و معنوی است.

در بخش‌های معماری و ساختمان سازی، پیشرفت‌های چشم‌گیری رخ می‌دهد. توسعه شهری به گونه‌ای فزاینده رو به کمال می‌رود و مساجد به عنوان نماد این توسعه وسعت فراوان می‌یابند. نمونه‌ای از آن، در برخی روایات عصر ظهور، توسعه ساخت و سازها و بنای مسجد بزرگ کوفه به عنوان مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است، توسعه شهرها چنان خواهد بود که مردی سوار بر استر تیزرو به قصد نماز جمعه حرکت می‌کند؛ اما بر اثر فاصله فراوان مکان و فراخی شهر به آن نمی‌رسد، چنانکه مفضل بن عمر، از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده است که فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ  
وَ اتَّصَلَتْ بِيُوتِ الْكُوفَةِ بِنَهْرِ كَرْبَلَاءَ وَ بِالْحَيْرَةِ حَتَّى يَخْرُجَ الرَّجُلُ  
يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَى بَغْلَةٍ سَقْوَاءَ يُرِيدُ الْجُمُعَةَ فَلَا يُدْرِكُهَا؛ هنگامی که

۱. سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

۲. الغيبة، طوسی، ص ۴۶۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

قائم آل پیامبر اکرم ﷺ قیام کند، در پشت کوفه (منطقه نجف اشرف) مسجدی می‌سازد که هزار در ورودی دارد و شهر کوفه چنان توسعه می‌یابد که خانه‌های آن به رود فرات در کربلا و «حیره» متصل می‌شود به طوری که مردی در روز جمعه سوار استر تندرو می‌شود تا خود را به نماز برساند، ولی به نماز نمی‌رسد.

در عرصه احکام و معارف دین، رشد و پیشرفت علوم با کشف عرصه‌های جدید دانش، زمینه را برای فهم و گسترش آموزه‌های دینی فراهم می‌کند و انسان‌ها از طریق سیر آفاقی عرصه‌های جدیدتری از عظمت خلقت الاهی را می‌شناسند و حتی در حوزه احکام و مسائل شرعی همگان صاحب نظر می‌شوند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛<sup>۱</sup> در زمان ظهور، دانش و بینشی ارزانی می‌شود که زنان در خانه‌ها بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند».

در عرصه بهداشت و درمان، به برکت پیشرفت علوم و شکوفایی شگفت‌انگیز دانش‌ها و بهره‌گیری از آن برای گسترش بهداشت و

---

۱. الغیة، نعمانی، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

درمان، بیماری‌ها ریشه کن می‌شود. از آنجا که از وظایف حکومت، مبارزه با عوامل آلودگی است، زیرا سبب به خطر افتادن بهداشت محیط زیست می‌شود؛ از این رو، باید از هرگونه تخلفات بهداشتی و هر آنچه سبب نابودی بهداشت محیط زیست می‌شود جلوگیری گردد.

در عصر حکومت مهدی علیه السلام وضعیت جسمی و بهداشت مردم دگرگون می‌شود و بیماران تندرستی یافته و بیماری‌های کشنده مهار می‌شود و مرگ و میرها، اندک و ناچیز می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ؛ چون قائم قیام کند خداوند از هر مؤمنی بیماری نقص و آفت را دور ساخته و تندرستی و توانایی را به او باز می‌گرداند».

در عصر ظهور، در اثر پیشرفت علوم پزشکی و گسترش بهداشت عمومی، عمر مردم بسیار طولانی می‌شود. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ  
عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مَلِكِهِ



حَتَّى يُوَلِّدَ لَهُ أَلْفًا ذَكَرًا لَا تُوَلِّدُ فِيهِمْ أَنْثَى؛ هنگامی که قائم ما ظهور فرماید زمین از نور پروردگارش منور گردد چنانچه مردم از روشنی خورشید بی‌نیاز گردند و تاریکی نابود شود و در سلطنت آن حضرت مردی آنقدر عمر کند که هزار فرزند پسر پی در پی از او به وجود آید که در میان فرزنداناش دختری متولد نشده باشد.

### ب) رشد عقلانی

رشد عقلانیت عمومی و توجه به شاخص‌های عقلانی و نهادینه شدن فرهنگ عقل‌گرایی و خردورزی در جامعه، از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی است که در عرصه‌های مختلف زندگی مردمان عصر ظهور، نمود پیدا می‌کند.<sup>۲</sup>

در عصر ظهور امام مهدی عج با عنایت خاص خداوندی، عقول بشر کامل می‌گردد. امام باقر ع درباره رشد عقلانیت و خرد جمعی در عصر ظهور می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا عج وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَعْلَانَهُمْ»<sup>۳</sup> هنگامی که

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ الغیبة، طوسی، ص ۴۶۸.

۲. آخرین منجی، ص ۳۰۱.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۲۵؛ کمال الدین، ص ۶۷۵.

قائم ما قیام کند دست خود را (کنایه از عنایت و اشراف حضرت) بر سر بندگان قرار می‌دهد، پس خرد مردم زیاد شده و فهم آنان کامل می‌گردد».

در حکومت عدل مهدوی، جامعه بشری از نظر رشد عقلی و درک حقایق، به درجه بالایی خواهد رسید که سنخیت با حکومت جهانی و عدالت گستر آن حضرت در همه ابعاد پیدا می‌کند و بشریت صلاحیت و ظرفیت درک معارف والای دینی را داشته باشند. این امر سبب می‌شود که بسیاری از انسان‌ها به شریعت اسلام و امام معصوم روی آورند؛ زیرا درک و آگاهی بشری به این مرحله از تکامل می‌رسد تا مردم تشخیص دهند که امام علیه السلام از جانب ذات باری تعالی است و نظر او در تبیین بایسته‌ها و فضایل اخلاقی جنبه یقینی دارد.

شکوفایی عقلانیت در عصر ظهور، هماهنگ با تعلیمات و حیانی و محوریت آموزه‌های دین است نه عقلانیت انسان محور، زیرا با همه ارج گذاری به عقل و عقلانیت، هیچ‌گاه نمی‌توان ادعا کرد که قوه خرد به تنهایی می‌تواند بدون مدد جستن از وحی و مبانی شریعت، اصول و معیاری اخلاقی بی‌عیب و نقص را ارائه کند، بلکه از آن جا که آفریدگار هستی حقیقت و هویت انسان را بهتر از خود

او می‌شناسد، بهتر می‌تواند معیاری برای بایدها و نبایدهای او تعیین نماید. از این‌رو، اندیشه‌های اخلاقی بسیاری در طول قرن‌های مختلف، تنها با تکیه بر قوه خرد شکل گرفته و در جامعه توسعه یافته‌اند، ولی هیچ‌کدام از این نظریه‌ها نتوانسته‌اند مشکلات بنیادین بشر را پاسخ گویند و حتی بحران‌های شخصیتی و اجتماعی بسیاری را در پی داشته‌اند.

امام مهدی علیه السلام افزون بر اینکه خود رئیس عاقلان است و از قوه خرد در اداره نظام سیاسی و اقتصادی جامعه بهره می‌برد، با عالم ماورا نیز پیوند دارد و از دانش‌های آسمانی برخوردار است. او با یاری جستن از ذات باری تعالی و وحی و شریعت آسمانی، بر نیازها و مشکلات جامعه بشری چیره می‌شود و اقتصاد و فرهنگ سالم، آسایش و امنیت، رفاه عمومی و پارسایی را در جامعه می‌گستراند. بنابراین، بخش مهمی از آبادانی، رفاه، آسایش، توسعه اقتصادی و... در مدینه فاضله مهدوی، وام‌دار وجود امام معصوم و مصون از خطا و اشتباه است؛ زیرا وجود او، مایه خیر و برکت بوده و تصرفات ولایی او، همه مشکلات بشری را مرتفع می‌کند.

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام پا به پای هوشمندی و بالا آمدن علم و دانش، عقل بشر هم رشد می‌کند و بالا می‌آید؛ دانش

غرور می آورد، ولی عقل تواضع می آورد؛ دانش ویران می کند، ولی عقل عمران و آبادانی دارد؛ هوش شیطنت می آورد، ولی عقل فضیلت و انسانیت و شرف می آورد و ملاک برتری انسانها بر سایر جانداران عالم در این است که انسان دارای عقل است.

در حکومت مهدوی، نه تنها خردها کامل می شود، بلکه بر هوش و دانش و جمیع شئون زندگی بشر عقل حاکم می شود و در سایه حکومت عقل همه ی این ابزارهای دو دم در مسیر خیر و صلاح و رفاه و سعادت جامعه ی انسانی مورد استفاده قرار می گیرند و این از هنرهای بزرگ امام عصر علیه السلام است که خردها را از زندان حصار در حصار هوسها و تمایلات آزاد می کند، و آنها را حاکم بر سرنوشت انسانها قرار می دهد و انسانهای آن عصر همه خردمند و اهل اندیشه هستند و هرچه را عقل اقدامی قبیح و زشت و ناپسند تشخیص دهد، از آن اجتناب می کنند و پیداست که چه مدینه ی فاضله ای خواهد بود.

بنابراین، عقل و پیروی از آن در اندیشه اسلامی، جای گاه بلندی دارد و قرآن و سنت نبوی بدان تأکید می کنند و آن را حجتی باطنی در کنار حجت ظاهری پیامبر و امام معصوم علیه السلام به شمار می آورند به گونه ای که شریعت اسلام عقل را یکی از منابع

چهارگانه استنباط احکام شرعی برمی‌شمارد، اما عقل به تنهایی هرگز نمی‌تواند همه مشکلات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... بشری را حل کند و خود نیز بر این ناتوانی اذعان دارد. از این‌رو، وحی به کمک آن می‌آید. عقل آدمی در عصر ظهور به مرتبه تکامل خود می‌رسد و به انسان عصر ظهور یاری می‌رساند تا در اخلاق و بینش انسانی خود به مرحله کمال برسد، اما باز قلمرو آن حدود و ثغوری دارد و بسیاری از امور از جمله تدوین قوانین اجتماعی از حیثه تصرفات آن به دور خواهد بود. البته تکامل قوه خرد سبب می‌گردد انسان تشخیص دهد که تنها خرد، راه حل مشکلات و معضلات بشری نیست و امور ماورایی هم‌چون وحی و شریعت الهی و نیز شخصی آسمانی باید به یاری آن حجت باطنی بیایند تا بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی او حل شود. بنابراین، تنها عقل، برای رفع مشکلات بشر کارآیی ندارد و جانشین همه چیز نمی‌تواند شود. انسان برای شناخت همه چیز و رفع همه مشکلات خویش تنها به عقل خود نباید تکیه کند؛ زیرا عقل تباهی و فساد را به دنبال می‌آورد و افقی تیره و تار را فراسوی آدمی ترسیم می‌سازد.

در حکومت دین‌مدار مهدوی، عقلانیت و فرزانه‌گی با عبودیت و

بندگی خدای متعال، مفهوم پیدا می‌کند. وقتی از امام صادق علیه السلام درباره عقلانیت و خرد ورزی سوال شد: «عقل چیست؟ حضرت فرمود: عقل آن است که انسان به وسیله‌ی او خدا را پرستد و بهشت جاویدان را کسب کند»؛ (مَا الْعَقْلُ؟ قَالَ: مَا عُبدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ).

سپس راوی پرسید: «فَالَّذِي كَانَ فِي مُعَاوِيَةَ؟ فَقَالَ: تِلْكَ النَّكَرَاءُ، تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ؛ پس آنچه در معاویه بود چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: آنچه معاویه داشت هوش بالائی بود و آن شیطنت بود شبیه به عقل، اما عقل نبود».

در جوامع صنعتی امروز، هوش، استعداد، دانش و تجربه بشری زیاد شده و در سایه‌ی تیزهوشی، سخت‌کوشی و پایمردی در مسائل گوناگون علمی، فنی، صنعت و تکنولوژی به اعماق دریاها سفر کرده و تا اوج آسمان‌ها به پرواز در آمده و در این زمینه پیشرفت‌های شگرفی پیدا کرده‌اند و ارمغان‌های بزرگی برای بشریت آورده‌اند، از جهان اتم‌ها و موجودات ذره‌بینی تا جهان کهکشان‌ها و سحابی‌ها را که میلیونها سال نوری با زمین فاصله

دارند در زیر سیطره و نفوذ علمی خویش در آورده و به تاخت و تاز در عرصه‌ی فضای بیکران جهان مشغول می‌باشند. نیز در دانش طب پیشرفت‌های عظیمی کرده‌اند؛ ولی متاسفانه عقل و خرد آن‌ها رشد نکرده و شکوفا نشده و از قوه به فعلیت در نیامده است؛ اگر عقل بالا می‌آمد که گناه نمی‌کردند، ستم و تبعیض و فساد اخلاقی در آنجا رواج نداشت.

جایگاه عقل چنان رفیع است که در روایات در ردیف انبیاء و امامان علیهم‌السلام قرار داده شده و از او به عنوان حجت خدا یاد شده است. امام کاظم علیه‌السلام به هشام فرمود: «يَا هِشَامُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةً ظَاهِرَةً وَ حُجَّةً بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛ خداوند در میان مردم دو حجت دارد: یکی حجت ظاهری است که عبارت است از پیامبران و امامان علیهم‌السلام، دوم حجت باطنی و درونی که عقل است.»

همانطور که پیامبران هرگز به گناه دعوت نمی‌کنند عقل هم هرگز به گناه دعوت نمی‌کند، عقل جز به راستی و درستی و پاکی و حسن نیت دعوت ندارد، دنیای امروز عقل را کوبیده و هوش و دانش به حد اعلا رسیده است، حاکم بر دنیای صنعت هوش است، اختراعات همه

مال هوش است، علم مربوط به هوش و استعداد است، آری؛ اگر در کنار اینها عامل باشند دانش و هوش را در مجرای صحیح انسانی به کار می‌گیرند.

\*\*\*



### سیره اقتصادی امام مهدی علیه السلام

براساس روایات، سیره اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور، توسعه همه جانبه عدالت اقتصادی و رفاه اقتصادی از راه تولید و توزیع و نظارت دقیق است. بی نیازی جامعه به سبب تحقق عدالت و مساوات و عمران و آبادانی و فراوانی ثروت، از مشخصات سیره اقتصادی امام مهدی علیه السلام است.

امام مهدی علیه السلام برای سامان یابی وضعیت اقتصادی جامعه و بهبود شرایط معیشت و رفاه عمومی، توان جامعه را به سوی استفاده بهینه و حداکثری از مواهب طبیعت، سوق می دهد و با تکیه بر عنایات الهی، اقدامات سازنده را در راستای دگرگونی اقتصادی جامعه عصر ظهور، به کار می گیرد و تمام مناسبات ناسالم اقتصادی را محو و عوامل فقر و فلاکت اجتماعی را نابود می کند.

در سیره اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام امر تولید سامان می یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره برداری می شود و ثروت به دست آمده بین همه طبقات به شکل عادلانه توزیع می گردد.

### الف) فقر زدایی

در سیره اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام نه تنها فقر و فلاکت و نیازمندی، جایگاهی ندارد، بلکه اهداف بالاتری همچون استغنای روحی و کرامت اجتماعی جامعه را مد نظر دارد.

بر اساس روایات، در زمان امام مهدی علیه السلام علاوه بر بی‌نیازی ظاهری که در اثر افزایش تولید و توزیع عادلانه ثروت، حاصل می‌شود، بشر از نظر روحی و باطنی نیز به بی‌نیازی می‌رسد و روحیه زیاده خواهی از او رخت بر می‌بندد؛ یعنی قبل از این که اقتصاد او رشد کند و توسعه یابد، ارزش‌های او عوض می‌شود و ریشه می‌یابد و برخورداری از دنیا نیز رنگ الاهی و ارزشی به خود می‌گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْمَهْدِيُّ أَلْقَى اللَّهُ تَعَالَى الْغِنَى فِي قُلُوبِ الْعِبَادِ حَتَّى يَقُولَ الْمَهْدِيُّ: مَنْ يُرِيدُ الْمَالَ؟ فَلَا يَأْتِيهِ أَحَدٌ إِلَّا وَاحِدٌ يَقُولُ: أَنَا، فَيَقُولُ: أَحِثْ فَيَحْتَبِي فَيَحْمِلُ عَلَيَّ ظَهْرَهُ حَتَّى إِذَا أَتَى أَقْصَى النَّاسِ، قَالَ: أَلَا أَرَأَيْبِي شَرًّا مِنْ هَاهُنَا، فَيَرْجِعُ فَيَرُدُّهُ إِلَيْهِ فَيَقُولُ: خُذْ مَالَكَ، لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ؛<sup>۱</sup> زمانی که مهدی علیه السلام قیام کند، خداوند بی‌نیازی را در قلوب بندگان می‌افکند، تا آن حد که مهدی علیه السلام می‌گوید: چه کسی مال می‌خواهد؟ به جز یک تن کسی برای گرفتن مال نمی‌آید. او می‌گوید: من می‌خواهم. آن‌گاه حضرت به او می‌گوید: بردار. او هم مقداری مال برمی‌دارد و بر پشت خود حمل می‌کند و راه می‌افتد تا این‌که به آخر جمعیت می‌رسد، آن‌جا با خود می‌گوید من از همه این‌ها حریص‌تر بودم. پس

۱. ملاحم و فتن ابن طاووس، ص ۱۵۰.

باز می‌گردد و مال را به حضرت باز می‌گرداند و می‌گوید من نیازی به این مال ندارم.

در نظام اقتصادی حضرت مهدی علیه السلام فقر زدایی و دادگری مالی، تا جایی پیش می‌رود که در سطح جامعه کسی به عنوان نیازمند یافت نمی‌شود! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ عليه السلام يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ، يَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ رَجُلٌ: مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: بِالسُّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَمَلَأُ اللَّهُ قُلُوبَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله غِنَى وَ يَسَعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ: مَنْ لَهُ فِي الْمَالِ حَاجَةٌ؟ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ، فَيَقُولُ: أَنَا. فَيَقُولُ: أَنْتِ السَّدَّانُ، يَعْنِي الْخَازِنَ فَقُلْ لَهُ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَالًا؛ فَيَقُولُ لَهُ احْتُ حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ فِي حَجْرِهِ وَ أَبْرَزَهُ نَدِمَ، فَيَقُولُ: كُنْتُ أَجْشَعُ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَفْسًا أَعْجَزَ عَمَّا وَسِعَهُمْ فَيْرُدُّهُ وَ لَا يَقْبَلُ مِنْهُ. فَيَقَالُ لَهُ: إِنَّا لَا نَأْخُذُ شَيْئًا أُعْطِينَاهُ؛ شَمَا رَا بِهِ آمَدَنَ مَهْدِيَّ عليه السلام مَزْدَه مِي دَهَم، او به هنگامی که مردم با هم نزاع و اختلاف دارند و اوضاع متزلزل است در امت من برانگیخته می‌شود و زمین را از قسط و عدل پر می‌کند، چنان‌که از ظلم و

۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۲.

جور پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند. او مال را به طور صحاح تقسیم می کند. مردی پرسید: صحاح چیست؟ حضرت فرمودند: مساوات بین مردم. خداوند دل های آنها را بی نیاز می سازد و سایه عدلش بر سر همه گسترش می یابد تا آنجا که دستور دهد اعلان کنند کیست که به مال نیاز داشته باشد؟ و در آن میان فقط یک مرد برخاسته و می گوید: منم که نیازمند می باشم. اعلان کننده به وی می گوید: برو نزد خزینه دار و بگو مهدی علیه السلام دستور داده که به من مال دهی. خزینه دار پول بسیاری در دامن او ریخته و می گوید: بردار! ولی او از حملش عاجز می ماند و پشیمان می شود و می گوید: من از لحاظ نیروی بدنی بسیار قوی هستم و با این وصف از بردن این پولها ناتوان می باشم و آن را نمی پذیرد. ولی به او گفته می شود: چیزی را که ما به کسی دادیم پس نمی گیریم.

آنچه در شیوه مبارزه حضرت مهدی با فقر، بیش تر حائز اهمیت است، ایجاد روح بی نیازی و بلند طبعی در مردم است؛ زیرا چه بسیارند انسان های ثروتمندی که طبعی گرسنه و روحی آزمند دارند و چه بسا انسان هایی که در عین فقر، از طبعی بزرگ و روحی غنی برخوردارند. مردم در عصر امام زمان علیه السلام از غنای روحی برخوردارند و این همان دگرگونی معنوی است که در آن عصر پدید می آید. چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بَرَكَاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِمِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ؛ چون حضرت قائم عجل الله فرجه قیام کند، در آن روز زمین گنج‌های خود را ظاهر سازد و همه برکات خویش را آشکار نماید به گونه‌ای که کسی از شما موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان، بی‌نیاز و توانگر خواهند شد.

از امام صادق ع نیز روایت شده است که فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ... وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكَاتِهِ لَّا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛<sup>۱</sup> زمانی که قائم ما ظهور کند، زمین با نور خدای روشن شود... و شخصی از شما به جستجوی فردی می‌گردد که مال زکات را بگیرد، ولی کسی را نمی‌یابد که آن را بپذیرد. در آن روزگار، مردمان همگی با فراوانی نعمت‌های الهی، بی‌نیاز می‌گردند.

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

از این گونه روایات استفاده می‌شود که در عصر ظهور، اموال و دارایی‌ها بیش از نیازمندی‌های جامعه است؛ به گونه‌ای که اموال از موارد مصرف بیشتر می‌گردد. از این رو، دولت حضرت مهدی علیه السلام نه تنها کسری بودجه ندارد، بلکه در آمد آن بر بودجه‌اش فزونی پیدا می‌کند، زیرا به شخص نیازمند به اندازه‌ای مال و ثروت داده می‌شود که توان بردن آن را نداشته باشد. بدیهی است که با فزونی ثروت و بهبود وضع اقتصادی، فقر و تهیدستی از جامعه بشری ریشه کن می‌شود و معیشت عمومی جامعه چنان بهبود می‌یابد که دارندگان زکات برای رساندن آن به نیازمندان به رنج می‌افتند.

### ب) توزیع عادلانه اموال

از دیگر شاخصه‌های سیره اقتصادی امام مهدی علیه السلام مدیریت صحیح برای تولید و توزیع عادلانه امکانات و ثروت در میان عموم مردم است. از نظر اسلام، توزیع عادلانه ثروت و رعایت استحقاق مردم، مهمترین اصل در شیوه مدیریت اقتصادی شمرده می‌شود، زیرا تراکم و انباشت ثروت و امکانات در دست عده خاصی و طبقه ویژه‌ای، منشأ اختلاف طبقاتی و بسیاری از مفسدات اقتصادی و مالی در جامعه می‌گردد.

در حکومت امام مهدی علیه السلام با ساماندهی امر تولید و توزیع، عدالت در همه جا حاکم می‌گردد و همه مردم از نعمت و فراوانی بهره‌مند می‌شوند. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ أَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسَّوِيَّةِ وَ

عَدْلَ فِي الرَّعِيَّةِ؛<sup>۱</sup> وقتی قائم خاندان ما قیام کند(اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق به عدالت رفتار می کند».

اجرای این اصل در زمان حضرت علاوه بر این که بر اساس قوانین الهی جاری می شود بر پایه مواسات و استحکام روحیه برادری انجام می پذیرد تا روح غنا و بی نیازی، در پرتو رأفت و همرنگی و مهرورزی اجتماعی، در میان مردم نهادینه شود و کسی به خاطر دارایی و اموال بر دیگری اظهار برتری و تفاخر ننمایند. در روایت آمده است: «وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَ يَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ فَيَسْتَفْنِي الْفَقِيرُ وَلَا يَغْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا»<sup>۲</sup> رأفت و رحمت را بین مردم می افکند، پس نسبت به یکدیگر مواسات می کنند و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و کسی برتر از دیگری(در مال) قرار نمی گیرد».

در حدیثی، رسول خدا ﷺ با اشاره به سیره حضرت مهدی ﷺ در تقسیم برابر اموال، این شیوه مساوات را، سبب نفوذ روح غنا و بی نیازی در قلوب مردم بیان فرموده است: «يُقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ وَ

۱. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵.

يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ 'مهدی علیه السلام مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی نیازی قرار می دهد».

طبیعی است ره آورد اجرای عدالت و مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی دستی ریشه کن می شود و فاصله های طبقاتی از بین می رود.

### ج) عمران و آبادانی

در زمان حاکمیت آخرین حجت حق و مدیریت الهی امام مهدی علیه السلام همه زمین آباد و منابع عظیم و تمام نشدنی ثروت آن در اختیار حضرت قرار می گیرد تا سرمایه ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود. در آن زمان، همه نقاط زمین آباد و سرسبز و مالا مال از محصول می شود و معادن زیرزمینی استخراج می شود و زمین روئیدنی هایش را می رویاند و آسمان قطرات بارانش را فرو می فرستد و از زمین و آسمان نعمت ریزش می کند و نقطه ای خالی از عمران نخواهد ماند.

تحقق عدالت اقتصادی در جامعه، به رشد و توسعه امکانات طبیعی

---

۱. کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۴؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.



نیاز دارد و این مهم در حکومت مهدوی در پناه عمران و آبادانی زمین محقق خواهد شد، چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود: «تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ ... الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمُرًا؛ همه سرزمین‌ها برای او مهدی علیه السلام هموار شود... در هیچ جای جهان ویرانی باقی نماند مگر اینکه آن را آباد کند».

در پرتو حکومت عدل مهدوی، زمین آباد و منابع طبیعی و زیر زمینی مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَ مِنْ عِثْرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا  
كَمَا مَلَأَهَا مِنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَ يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَازًا كَبِدِهَا<sup>۱</sup> وَ  
يَحْتَوِ الْمَالَ حَتْوًا وَ لَا يَعْدُهُ عَدًّا<sup>۲</sup>؛ خدای عزوجل مردی از نسل و  
عترت من را ظاهر می‌کند که زمین را پر از عدل و داد می‌کند،  
چنانکه دیگران قبل از او، آن را پر از ظلم و جور کرده‌اند. در  
آن زمان، زمین، کبد(منابع و برکات) خود را برای او بیرون

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ اعلام الهدی بأعلام الهدی، ص ۴۶۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۲. «افلاذ» جمع «فلذ» به معنی قطعه و شعبه است؛ «افلاذ کبد» به اشیاء گران بها اطلاق می‌شود که در این جا اشاره به منابع گران قیمت و پرارزش درون زمین است.

۳. الامالی، طوسی، ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۸.

می‌ریزد و او ثروت را بدون شمارش در میان مردم تقسیم می‌کند.

### (د) توسعه کشاورزی

کشاورزی و محصولات طبیعی، پایه و اساس اقتصاد بشری شمرده می‌شود. در عصر ظهور، صنعت کشت و بهره برداری بهینه از منابع کشاورزی، پیشرفت فوق العاده می‌کند به گونه‌ای که برداشت محصول چندین برابر می‌شود.

در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام دگرگونی شگفت‌انگیزی در کشاورزی پدید می‌آید و مواد غذایی در جامعه فراوان می‌گردد. از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده است که درباره رونق فوق العاده کشاورزی و فزونی محصولات در عصر ظهور امام مهدی علیه السلام فرمود:

يَبْعَثُ الْمَهْدِيُّ علیه السلام إِلَى أُمَّرَائِهِ بِسَائِرِ الْأَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ... وَ يَذْهَبُ الشَّرُّ وَ يَبْقَى الْخَيْرُ وَ يَزْرَعُ الْإِنْسَانُ مَدًّا يَخْرُجُ لَهُ سَبْعُمِائَةَ مَدًّا<sup>۱</sup> مهدی علیه السلام به فرمانداران خود در شهرهای مختلف دستور می‌دهد که با مردم رفتار عادلانه داشته باشند... در آن روزگار،

۱. إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۱؛ شرح احقاق الحق، ج ۲۹،

شر به کلی از بین می‌رود و خیر ماندگار می‌شود. مردم یک مُد می‌کارند و هفتصد مُد برداشت می‌کنند.

در زمان ظهور حضرت مهدی عج چشمه‌ها جاری و آب‌ها فروان می‌شود: «و تَزِيدُ الْمِيَاهُ فِي دَوْلَتِهِ وَ تَمُدُّ الْأَنْهَارُ وَ تُضَعِفُ الْأَرْضُ أَكْلَهَا وَ تَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ؛ در دولت امام مهدی عج آب‌ها زیاد و نهرها امتداد می‌یابد و زمین خوردنی‌هایش را دو چندان ظاهر می‌کند و همه گنج‌های پنهان استخراج می‌شود».

امیرمؤمنان ع فرمود: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا؛ هر گاه قائم ما قیام کند، آسمان بارانش را فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را بیرون می‌آورد».

همچنین ابی سعید خدری روایت کرده است که رسول خدا ص درباره فراوانی نعمت در زمان ظهور حضرت مهدی عج فرمود: «يُرْسَلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجْتَهُ؛ (در زمان ظهور) باران‌های فراوانی از آسمان فرو می‌ریزد و زمین گیاهانش را بیرون می‌دهد».

۱. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عج، ص ۴۷۲.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۶۲۶؛ تحف العقول، ص ۱۱۵.

۳. كشف الغمة فی معرفة الأئمة عج، ج ۲، ص ۴۷۳؛ الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب

المنتظر عج، ص ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۷.

## هـ) استخراج معادن

خداوند منان، بسیاری از ثروت‌ها و مواد لازم برای زندگی انسان را در معادن و گنج‌های نهفته در درون زمین قرار داده است. شناسایی این معادن و منابع زیر زمینی و استخراج و بهره برداری از آن برای دستیابی به خود کفایی و رفاه در سطح جامعه بشری، امری ضروری است، این معادن و مواد دیگری که برای بشر امروزی شناخته شده نیست، در دوران ظهور شناسایی و مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

در عصر ظهور، معادن و گنج‌هایی شناخته و اکتشاف می‌شود که چهره زندگی‌ها را به کلی دگرگون می‌سازد. یکی از منابع تأمین این سرمایه‌ها معادن است و باید از آنها کاملاً استفاده شود. با توجه به بیکرانی و فراوانی منابع و معادن زیرزمینی؛ به ویژه نسبت به بخش‌های ناشناخته آن، بهره برداری از این منبع عظیم، نقش اساسی در سامان دادن امور زندگی مردم دارد و روشن است که دولت مهدوی، با استفاده از این بخش از منابع، بخش‌هایی از زندگی جامعه را مدیریت می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ

مَعَادِنَهَا؛ خداوند برای او حضرت قائم علیه السلام گنج‌ها و معادن نهفته در زمین را آشکار می‌سازد.»

امیرمؤمنان علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: «وَتُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كَبِدِهَا وَ تُلْقِي إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السُّيْرَةِ<sup>۱</sup>؛ زمین گنجینه‌های نهفته در اعماق خویش را برای وی برون اندازد، و کلیدهای خویش را از در آشتی تسلیم او سازد، پس روش عادلانه را به شما بنمایاند.»

در دوران ظهور و تکامل علم و عقل انسان با هدایت و اشراف حضرت مهدی علیه السلام بسیاری از منابع زیر زمینی که به دلیل محدودیت دانش بشر کنونی و آینده، ناشناخته بود، کشف و استخراج می‌شود و با شیوه‌ها و روشهای اصولی و درست برای رفاه جامعه آن روز به کار گرفته می‌شود. چنانکه امام کاظم علیه السلام از آشکار شدن تمامی منابع زمین در دوران ظهور خبر داده است: «تَظْهَرُ لَهُ كُنُوزُ الْأَرْضِ<sup>۲</sup>؛ برای او قائم علیه السلام گنج‌های پنهان زمین آشکار می‌گردد»

---

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۹۴.

۲. نهج البلاغة، ص ۱۹۶.

۳. الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۶۵.

## و) اعطای مساوی اموال به مردم

سیره اقتصادی دولت مهدوی، در بخش مدیریت امور معیشتی مردم، اعطای اموال فراوان به همگان و تقسیم دارایی بین تمام افراد است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

... فَبَيَّعْتُ اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ مَنْ يَفْتَحُ  
حُصُونِ الضَّلَالَةِ وَ قَلَاعُهَا، يَقُومُ بِالذِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَ يَمْلَأُ  
الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا... أَرْحَمُهُم بِالرَّعِيَّةِ وَ أَعْدَلُهُم  
بِالسُّوِيَّةِ؛ خدای عزوجل در آن هنگام مهدی ما که نهمین از  
نسل حسین علیه السلام است را می فرستد، کسی که دژهای گمراهی را  
باز می کند... او که از همه بیشتر به رعیت خود رحیم بوده و از  
همه بیشتر به طور مساوات عدالت را اجرا می کند.

ابو سعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلَ  
فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَرْضَى عَنْهُ  
سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يُقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ:  
وَ مَا صِحَاحًا؟ قَالَ: السُّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ؛ شما را مژده به ظهور

۱. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷.

۲. كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۱.

مهدی می دهم که به هنگام انقلاب احوال مردم و اوضاع متزلزل، قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی خواهند بود. و علی السویه اموال را میان مردم قسمت کند.

عبد الله مسعود می گوید: پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا لَيْلَةٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ حَتَّى يَمْلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي... يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَ يَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ اگر از عمر دنیا جز یک شب نماند، خداوند آن شب را چندان دراز گرداند تا مردی از اهل بیت من به حکومت رسد... او زمین را پر از عدل و داد کند چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد و اموال را بالسویه میان مردم تقسیم کند و خداوند دل‌های امت مرا بی‌نیاز گرداند.

حضرت مهدی ﷺ تنها فرمانروایی است که با ایجاد رأفت و رحمت در قلوب پیروان خویش و توزیع مساوی اموال میان آنان، فقر را در سراسر جهان ریشه کن و روح بی‌نیازی را در جامعه حکم فرما می‌کند: «وَأَلْقَى الرَّأْفَةَ وَالرَّحْمَةَ بَيْنَهُمْ فَيَتَوَاسَوْنَ وَيَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِيَّةِ

فَيَسْتَعْنِي الْفَقِيرُ وَلَا يَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا؛<sup>۱</sup> رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یکدیگر مواسات خواهند داشت و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی بندد».

### (ز) فراوانی مال و نعمت

بر اساس روایات، به برکت مدیریت اقتصادی امام مهدی علیه السلام نعمت‌ها فراوان می شود و زندگی مادی مردمان عصر ظهور از نظر رفاهی ارتقا یافته و دگرگون می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره وفور نعمت در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمَهْدِيِّ علیه السلام نِعْمَةً لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهَا قَطُّ الْبِرُّ وَالْفَاجِرُ؛<sup>۲</sup> امت من در زمان ظهور مهدی علیه السلام از نعمت‌های بسیاری برخوردار خواهند شد، هم انسان‌های نیکو کار و هم افراد بدکردار».

در کلام دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان رفاه اجتماعی در زمان حکومت فرزندش امام مهدی علیه السلام می فرماید: «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ

۱. إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛

معجم احادیث الامام مهدی علیه السلام، ج ۵، ص ۲۰۰.

۲. كشف الغمة في معرفة الأئمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۷۳؛ الملاحم و الفتن في ظهور الغائب

المنتظر علیه السلام، ص ۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۷.



يَفِيضُ الْمَالَ فَيُضَا؛<sup>۱</sup> او زمین را سرشار از عدل می کند و مال فراوانی به مردم می بخشد».

امام باقر علیه السلام درباره بذل و بخشش های فراوان و مستمر حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

و يُعْطِي النَّاسَ عَطَايَا مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ وَ يَرْزُقُهُمْ فِي الشَّهْرِ رِزْقَيْنِ وَ يُسَوِّي بَيْنَ النَّاسِ حَتَّى لَا تَرَى مُحْتَاجاً إِلَى الزَّكَاةِ وَ يَجِيءُ أَصْحَابُ الزَّكَاةِ بِزَكَاتِهِمْ إِلَى الْمَحَاوِجِ مِنْ شِيعَتِهِ فَلَا يَقْبَلُونَهَا فَيَصْرُونَهَا وَ يَدُورُونَ فِي دُورِهِمْ فَيَخْرُجُونَ إِلَيْهِمْ فَيَقُولُونَ لَا حَاجَةَ لَنَا فِي دَرَاهِمِكُمْ... فَيُعْطِي عَطَاءً لَمْ يُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ؛<sup>۲</sup> مهدی علیه السلام در سال، دوبار به مردم مال می بخشد و در ماه دوبار وسائل معیشت به آنان می هد... تا جایی که نیازمندی به زکات باقی نمی ماند و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان می آورند و ایشان نمی پذیرند. پس آنان زکات خویش در کیسه هایی می - نهند و [برای یافتن محتاجی] در اطراف خانه ها می گردند، اما مردم بیرون می آیند و می گویند: «ما را به پول شما نیازی

۱. كشف الغمة في معرفة الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۴۸۷؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۶.

۲. إلزام الناصب في إثبات الحجة الغائب عليه السلام، ج ۲، ص ۲۶۷؛ مجمع النورين، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

نیست... پس مهدی دست به بخشش گشاید، چنان که تا آن روز کسی آن چنان بخشش اموال نکرده باشد.

**خلاصه آنکه:** قیام حضرت مهدی (عج) آغاز تحول بزرگ جهانی است که اهداف بزرگی چون ریشه کن کردن ظلم و ستم و برقراری عدل و قسط و صلح و امنیت و شکوفائی مادی و معنوی را در پی دارد، امام مهدی (عج) در رأس این تحول عظیم جهانی قرار دارد و امنیت و رفاه اقتصادی به معنی تام کلمه را، به جامعه عصر ظهور هدیه می کند تا مردم در اوج شکوفائی علمی، اخلاقی و اقتصادی زندگی کنند و برکات حکومت کریمه اش همگان را فرا می گیرد.

در عصر ظهور، در پرتو ولایت حضرت مهدی (عج) نعمت‌ها فزونی یافته و درهای رحمت و برکت از آسمان و زمین گشوده می گردد. در آن دوران، حکومت واحدی تشکیل می گردد و جامعه بشری از مواهب زندگی بهره برده و زمینه رشد و تعالی معنوی و فکری برای همگان فراهم می گردد. با ظهور حضرت مهدی (عج) و استقرار حکومت عدل مهدوی در جهان، تمدن نوین اسلامی بر پایه آموزه‌های اصیل قرآن و سنت شکل می گیرد و پیوند قرآن و عترت با محوریت آخرین منجی الاهی (عج) تحقق می یابد. در فضای عطرآگین دوران ظهور، همه انسانها بدون تبعیض از مواهب طبیعی بهره مند شده و جامعه بشری به شکوفایی فرهنگی، اخلاقی، تربیتی و تکامل عقلی خواهند رسید؛

به گونه‌ای که می‌توان عصر ظهور را، دوره شکوفایی مادی و بلوغ معنوی بشر نامید.<sup>۱</sup>

در پایان لازم به ذکر است که آنچه درباره سیره حضرت مهدی علیه السلام اشاره گردید، نسبت به آنچه خواهد شد و مسائل و طرح‌ها و برنامه‌هایی که در آن دوران سراسر عدل و داد و آگاهی و نظم و حق و حقوق و علم و فن و دانش و ایمان عرضه خواهد گشت، قطره‌ای است از دریا، و البته روشن است که آگاهی کامل از تمام آن مسائل که پس از ظهور رخ می‌دهد، در دوران پیش از ظهور برای هر کس در هر درجه از آگاهی که باشند بسی دشوار است. مهم شناخت برخی از این روش‌ها است که از رهنمودهای احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌توان دریافت.

والحمد لله

وصلی الله علی محمد وآله

## منابع

١. قرآن كريم.
١. آمدی، عبد الواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقيق و تصحيح: سيد مهدي رجائي، قم، دار الكتاب الإسلامي، چاپ دوم، ١٤١٠ ق.
٢. ابن بابويه، علي بن حسين، *الامامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسه الامام المهدي عليه السلام چاپ اول، ١٤٠٤ ق.
٣. ابن بطريق، يحيى بن حسن، *عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار*، قم، جماعه المدرسين بقم، مؤسسه النشر الاسلامي، چاپ اول: ١٤٠٧ ق.
٤. ابن فارس، احمد بن زكريا، *معجم مقاييس اللغة*، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتبة الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ ق.
٥. ابن منظور، محمد بن مكرم، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه، ١٤٠٥ ق.
٦. اربلي، علي بن عيسى، *كشف الغمة في معرفة الائمة عليهم السلام* بيروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ١٤٠٥ ق.

٧. بحراني، سيد هاشم بن سليمان، غاية المرام و حجه الخصام في تعيين الامام من طريق الخاص و العام، تحقيق: سيد علي عاشور، بي جا، بي تا.

٨. -----، البرهان في تفسير القرآن، قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، مؤسسه بعثه، چاپ اول: ١٣٧٤ ش.

٩. برقي، احمد بن خالد، المحاسن، تصحيح و تعليق: سيد جلال الدين حسيني، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٧٠ ق / ١٣٣٠ ش.

١٠. بروجردي، سيد حسين طباطبائي، جامع أحاديث الشيعة، قم، المطبعة العلمية، ١٣٩٩ ق.

١١. جوادي آملی، عبدالله، امام مهدي، موجود موعود ﷺ، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ١٣٨٧ ش.

١٢. حائري يزدي، علي، الزام الناصب في اثبات الحجة الغائب ﷺ، تحقيق: سيد علي عاشور، بي جا، بي تا.

١٣. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحياء التراث، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.

۱۴. -----، اثبات الهداة، قم، چاپخانه علمیه، بی تا.
۱۵. حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ ش.
۱۶. حسینی، شرف‌الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، مدرسه الإمام المهدی ﷺ، اول، ۱۴۰۷ق / ۱۳۶۶ ش.
۱۷. حکیمی، محمد، عصر زندگی (چگونگی آینده انسان و اسلام)، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم: ۱۳۸۱ ش.
۱۸. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش / ۱۹۵۰ م.
۱۹. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق / ۱۳۷۰ ش.
۲۰. خزّاز، علی بن محمد، کفایة الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر ﷺ، تحقیق: سید عبداللطیف حسینی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۲۱. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، بی جا، دفتر نشر  
الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۲۲. راوندی، قطب الدین، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الإمام  
المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۲۳. ری شهری، محمد، *میزان الحکمه*، تهران، دار الحدیث، چاپ اول،  
۱۴۱۶ ق.

۲۴. سلیم بن قیس هلالی، *کتاب سلیم بن قیس*، قم، انتشارات هادی،  
چاپ اول: ۱۴۰۵ ق.

۲۵. سلمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، *عقد الدرر فی اخبار  
المنتظر علیه السلام*، قاهره، عالم الفکر، بی تا.

۲۶. سید بن طاووس، علی بن موسی، *الطوائف فی معرفه مذاهب و  
الطوائف*، قم، الخیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.

۲۷. -----، *الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام*،  
اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۲۸. -----، *إقبال الأعمال*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ  
دوم: ۱۴۰۹ ق.

٢٩. -----، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، تحقیق و  
تصحیح: مؤسسه صاحب الأمر؛ اصفهان: گلبهار، قم، ناشر: مؤسسه  
صاحب الأمر ﷺ سال چاپ اول: ١٤١٦ ق.
٣٠. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق و شرح: الشیخ  
محمد عبده، قم، دار الذخائر، الطبعة الأولى: ١٤١٢ - ١٣٧٠ ش.
٣١. شیخ صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری،  
قم، انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ ق / ١٣٦٢ ش.
٣٢. -----، علل الشرائع، نجف اشرف، المكتبة الحیدریه،  
١٣٨٥ ق / ١٩٦٦ م.
٣٣. -----، عیون اخبار الرضا ﷺ، تحقیق: شیخ حسین اعلمی،  
بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م.
٣٤. -----، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر  
غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٠٥ ق / ١٣٦٣ ش.
٣٥. -----، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم،  
مؤسسه النشر الاسلامی، ١٣٧٩ ق / ١٣٣٨ ش.
٣٦. -----، من لا یحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم،



مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.

٣٧. -----، آمالی الصدوق، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ:

پنجم: ١٤٠٠ ق.

٣٨. شیخ مفید، محمد بن نعمان، الأختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری،

بیروت، دار المفید، چاپ دوم: ١٤١٤ ق.

٣٩. -----، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد،

بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ١٤١٤ ق.

٤٠. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: شیخ عبادالله طهرانی

و شیخ علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ

اول، ١٤١١ ق.

٤١. -----، الأمالی (للشیخ الطوسی)، قم، دار الثقافة، چاپ

اول: ١٤١٤ ق.

٤٢. -----، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، تحقیق: سید

حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم،

١٣٦٤ ش.

٤٣. -----، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه

فقه الشیعة، چاپ: اول: ١٤١١ ق.

۴۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام، قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۲۱ ق.

۴۵. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح: میرزا حسن کوچه باغی، نهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۲ ش.

۴۶. صمدی، قنبر علی، آخرین منجی (شناخت‌نامه امام مهدی علیه السلام)، قم، انتشارات بنیاد حضرت مهدی موعود علیه السلام، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۲.

۴۷. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا.

۴۸. بروجردی، سید حسین طباطبائی، جامع احادیث الشیعه، قم، المطبعة العلمیه، سال چاپ: ۱۳۹۹ ق.

۴۹. طبرسی، احمد بن علی، الاجتهاد، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.

۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعه الاولى: ربیع الاول ۱۴۱۷ ق.

۵۱. طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۵۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المكتبة العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۵۳. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۵۴. فضل بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف اشرف، مكتبة الحیدریه، چاپ دوم: ۱۳۸۵ ق.

۵۵. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق / ۱۳۷۴ ش.

۵۶. قاضی نعمان، محمد، شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الاطهار علیهم السلام، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۵۷. قرشی، باقر شریف، حیاة الإمام المهدی علیه السلام، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶

۴

۵۸. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، تهران، نشر فیض کاشانی، ۱۳۷۶ ش.

۵۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی

جزائری، قم، دارالکتاب چاپ سوم: ۱۴۰۴ ق.

۶۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول: ۱۳۶۸ ش.

۶۱. قندوزی، سلیمان، ینابیع المودة لذوی القربی، قم، دار الأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۶۲. کامل سلیمان، يوم الخلاص فی ظل القائم المهدي عج، دارالکتاب اللبنانی، سال چاپ: ۱۴۰۲ ق.

۶۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول: ۱۴۱۸ ق.

۶۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

۶۵. کورانی عاملی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدي عج، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۶۶. مجلسی، محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، سال چاپ دو: ۱۴۰۳ ق.

۶۷. مردنی، ابوالحسن، مجمع النورین و ملتقى البحرين، چاپ سنگی،

بی تا، بی جا.

۶۸. مرعشی، سید شهاب الدین، شرح احقاق الحق و ازحاق الباطل، قم،

مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.

۶۹. مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الکبیر، تحقیق: جواد قیومی، قم،

نشر القیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۷۱. مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم:

۱۴۰۸ هـ ق.

۷۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، قم،

انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

۷۳. نیلی نجفی، سید بهاء الدین، منتخب الانوار المضيئه، قم، مؤسسه

الإمام الهادی علیه السلام چاپ اول، ۱۴۲۰ ق / ۱۳۷۸ ش.